

خانواده نمونه در اسلام



محمد تقی صرفی پور

بسم الله الرحمن الرحيم

فصل اول: صفات مادر نمونه ۷

مادر و همسر نمونه ۷

صفات مادر نمونه ۷

قلب مادر ۱۱

فواید مطالعه کتابهای مفید برای مادران ۱۳

حضرت خدیجه (س) زن نمونه ۱۶

وظایف مادر نمونه نسبت به فرزندان ۱۸

۱- انعقاد نطفه در وقتی که نیکو است. ۱۸

۲- هنگام آمیزش با طهارت بوده و مسائل سفارش شده ۱۸

درباره آمیزش را رعایت نماید ۱۸

می شود.». ۱۸

۳- در ایام بارداری بر رعایت طهارت و عبادت مداومت ۱۸

نماید. ۱۸

۴- در ایام بارداری از دعوا و درگیری وجوش و خروش □ ۱۹

بپرهیزد. □ ۱۹

۵- در ایام بارداری و در دوران شیرخوارگی نوزاد، از لقمه □ ۱۹

حرام و از استعمال مواد مخدر و مشروبات الکلی دوری کند. □ ۱۹

۶- در ایام بارداری از معاشرت زیاد با مردم دوری کند □ ۲۰

و بیشتر با شوهرش باشد. □ ۲۰

۷- بعد از تولد علاوه بر گفتن اذان و اقامه در گوش □ ۲۰

۸- در اسم گذاری فرزند از نامهایی که اسلام سفارش کرده □ ۲۲

است استفاده نماید. □ ۲۲

۹- کودک را با خود به مساجد و مجالس سوگواری امام □ ۲۳

حسین (ع) و دیگر مجالس مذهبی ببرد. □ ۲۳

۱۰- خود نماز بخواند و فرزندش را هم به نماز سفارش کند. □ ۲۴

۱۱- اگر فرزند دختر است، اهمیت حجاب را در مناسبتهای مختلف گوشزد کند □ ۲۴

۱۲- برای آموزش قرآن به فرزندش برنامه ریزی کند. □ ۲۶

۱۳- در ایام نوجوانی نظارت کامل بر معاشرت فرزندش □ ۲۶

داشته باشد. □ ۲۷

۱۴- به فرزندان محبت کند تا گول محبت‌های ظاهری □ ۲۷

دیگران را نخورند. ولی در محبت زیاده روی نکند! □ ۲۷

۱۵- خود راستگو ومتواضع وسخاوتمند وعفیف وبا حجاب □ ۲۹

وشوهردار وطالب علم وامانتدارواهل صله رحم و...باشد □ ۳۰

تافرنندانش نیز این چنین باشند. □ ۳۰

۱۶- آئین شوهرداری را به دخترانش آموزش دهد. □ ۳۰

۱۷- اگر خواستگار مؤمن وخوش اخلاقی برای دخترش □ ۳۱

آمد، مانع تراشی نکند. □ ۳۱

۱۸- ففرنندانش را به ازدواج هم شأن خودشان درییاورد. □ ۳۲

۱۹- دخترش را به فاسق وفاجر وشرابخوار شوهر ندهد! □ ۳۲

فصل دوم. وظایف زنان نسبت به شوهرانشان □ ۳۴

وظایف زنان نسبت به شوهرانشان □ ۳۴

۱- اطاعت از شوهر □ ۳۴

۲- خارج نشدن از خانه بدون اجازه شوهر □ ۳۵

۳- هرزمان شوهر به او نیاز داشت، تمکین کند. □ ۳۶

نشوز زن □ ۳۶

۴- لباس وظاهر خودرا با بهترین وجه بیاراید. □ ۳۶

۵- اسرار خانه را برای زنان فامیل وهمسایگان نقل نکند. □ ۳۷

۶- بر اخلاق بد شوهرش صبر نماید. □ ۳۷

زن صبور و شکور □ ۳۷

۷- با اخلاق خوب با شوهرش روبرو شود. □ ۳۸

۸- در زندگی اهل قناعت بوده و ولخرجی و اسراف ننماید □ ۳۹

فصل سوم: پدر و همسر نمونه □ ۴۱

پدر و همسر نمونه □ ۴۱

خصوصیات پدر نمونه □ ۴۱

سرپرستی پدر □ ۴۲

وظایف مردان: □ ۴۴

۱- انتخاب همسری شایسته برای خود. □ ۴۴

۲- دوری از انحرافات اخلاقی قبل و بعد از ازدواج □ ۴۵

۳- رعایت سفارشات اسلام در مورد آمیزش جنسی □ ۴۵

۴- کمک به همسر برای رعایت آداب ولادت و نامگذاری □ ۴۵

و ولیمه □ ۴۵

۵- محبت به فرزندان و همراه بردن فرزندان به تفریحات سالم □ ۴۶

۵- استفاده از درآمد حلال برای خورد و خوراک خانواده □ ۴۷

۶- آشنا کردن فرزند با خدا و آموزه‌های مذهبی □ ۴۸

۷- تربیت فرزند بر اساس تربیت دینی □ ۵۰

۸- تأکید بر نماز خواندن فرزند □ ۵۳

۹- نظارت کامل بر معاشرت فرزندش □ ۵۴

۱۰- نظارت بر استفاده فرزند از رسانه‌های صوتی و تصویری □ ۵۵

ورایانه‌واستفاده از موسیقی مبتذل و شرکت در پارتی‌های □ ۵۵

منحرف کننده □ ۵۵

۱۱- جدیت در امر ازدواج فرزندان □ ۵۶

۱۲- جدیت در امر یاددادن قرآن و آداب اسلامی مانند: □ ۵۷

۱۳- رعایت پوشش کامل در موقع عمل زناشویی □ ۵۷

۱۴- شرکت در نماز جمعه و جماعت و مراسمات دینی □ ۵۸

بهمراه فرزندان □ ۵۸

فصل چهارم: □ ۶۰

وظایف شوهر نمونه □ ۶۰

۱- تهیه نیازهای روزانه غذایی و پوشاکی و مسکن همسر □ ۶۰

۲- خوش اخلاقی با همسر. □ ۶۰

۳- اشتباهات همسر را نادیده بگیرد. □ ۶۱

۴- شبها وی را رها نکند □ ۶۱

۵- حداقل چهارماه یکبارزن حق همبستری دارد.به این حق □ ۶۱

عمل کند □ ۶۱

۶- قسمتی از شبانه روز را به همسرش اختصاص بدهد. □ ۶۱

۷- مطیع زنش نباشد و بر حضور زن در بازارها و پاساژها نیز □ ۶۱

حساس باشد. □ ۶۲

سفارشات اسلام دربارهٔ زنان □ ۶۲

۸- به زنش فخرفروشی نکند. □ ۶۴

فصل پنجم: □ ۶۶

فرزندان نمونه □ ۶۶

۱- تکریم و احترام پدر و مادر □ ۶۶

احترام به سالمندان □ ۷۵

۲- اهمیت دادن به زیبایی باطنی □ ۷۷

میل به جمال معنوی در جوانان □ ۸۰

سعادت جوانان □ ۸۲

۳- تقلید از الگوهای نمونه □ ۸۲

تقلید از خوبان □ ۸۵

۴- دوری از مواد مخدر □ ۸۷

۵- تسریع در ازدواج □ ۸۸

۶-پرورش حس مذهبی □۸۹

۷-ارزش قائل شدن برای علم ودانش □۹۱

۸-استفاده از فرصتها □۹۳

نمایند، لازم است به چهارنکته توجه نمایند: □۹۴

۹-پیروی از فرهنگ ایرانی واسلامی □۹۶

۱۰-تشخیص قهرمانان دروغین از قهرمانان راستین □۹۸

۱۱-دوری از انحرافاتى همچون چشم چرانى ،ارتباطات □۱۰۰

نامشروع و... □۱۰۰

نتیجه: □۱۰۴

مادر وهمسر نمونه

صفات مادر نمونه

«همانا مردان مسلمان و زنان مسلمان، مردان عابد و زنان عابده، مردان راستگو و زنان راستگو، مردان صبور و زنان صبور، مردان خاشع و زنان خاشعه، مردان صدقه دهنده و زنان صدقه دهنده، مردان روزه دار و زنان روزه دار، مردان حفظ کننده اندامهای خود از حرام و زنان حفظ کننده، مردان بسیار ذکر گوینده و زنان ذکر گوینده، خداوند برای آنان آمرزش و پاداش عظیمی آماده نموده است.»

خداوند در آیه زیر ده خصلت برای زنان و مردانی که می خواهند در دنیا و آخرت سعادت مند باشند، ذکر کرده است که بشرح زیر است:

اسلام، ایمان، دعا کننده، راستگو، صبور، مطیع خدا، انفاق کننده، روزه گیر، عفیف، اهل ذکر

زنی که به عنوان همسر و مادر در خانواده کوچک خود دارای صفات زیر است همان مادری است که در سخن پیامبر خدا، بهشت در زیرپایش می باشد. او همان مادری است که فرزندی تربیت می کند که باعث افتخار برای دین و کشورمان می شوند. او همان زنی است که دعایش در حق فرزندانش مستجاب می شود. او مادری است که همواره فرزندانش را به کارهای خوب و درست تشویق و سفارش می کند.

مادر است که با انجام وظایف خود می تواند شخصیت های بزرگی را به جامعه تحویل دهد. او باید از استراحت خود چشم پوشی نماید. سختیها را بجان بخرد و همانند کشاورز و باغبان مرتب به محصولات خود نظارت داشته باشد تا بتواند در موقع برداشت محصول، محصولات خوبی به بازار روانه نماید:

مادری که الگویش حضرت فاطمه (س) و حضرت زینب (س) است، می تواند در مقابل مصیبت هایی که احياناً بر او وارد می شود صبور باشد و در برخورد با این امتحانات، حماسه ها بیافریند.

از همه کس نزدیکتر به بهشت، مادر است اگر واقعا مادری کند.

«شخصی به پیامبر (ص) گفت: نذر کرده ام آستانه بهشت را ببوسم. حال چه کنم؟ فرمود: پای مادر و پیشانی پدر را ببوس تا به نذرت عمل کرده باشی. و اگر از دنیا رفته اند، قبر آنان را ببوس.»

متأسفانه فرهنگ غرب که مقداری هم در کشور ما نفوذ کرده است، هیچ جایگاهی برای مادران در نظر نگرفته است. لذا در فیلمها و سریالهایشان کمتر اثری از نقش مادر است و معمولاً بخاطر مفاسد دنیای غرب که زن نمی‌تواند هم زیبا و فاسد باشد و هم مادر! بیشتر فرزندان بدون پدر یا مادر یا هر دو بزرگ می‌شوند و کمتر از محبت مادر و پدر برخوردارند:

بنجامین اسپاک، پزشک آمریکایی:

«میزان قتل و تجاوز و بهره‌کشی جنسی و بهره‌کشی از فرزندان و همسران به طور تکان‌دهنده‌ای بالاست.» «بیشتر سالخوردگان - مگر این‌که ثروتمند باشند - آرزو دارند که فقط تحمل شوند.» «دیگر پدر در بسیاری از خانواده‌ها چهره با ابهتی ندارد... و در برنامه‌های تلویزیونی اغلب اوقات پدر به عنوان دلقک تصویر می‌شود، مادران هرچه کمتر و کمتر در مقام تربیت‌کنندگان قابل اتکا و قابل احترام دیده می‌شوند.» «هر بچه‌ای به طور متوسط تا قبل از پایان دوره ابتدایی تصویر رسانه‌ای حدود هشت هزار قتل را تماشا کرده است.»

جونز لانز، از اساتید دانشگاه بوستون آمریکا:

«یک نوجوان شانزده ساله آمریکایی در دوران کودکی و نوجوانی اش تا سن (۱۶ سالگی) شاهد هجده هزار مورد قتل و هشت هزار مورد تجاوز جنسی از تلویزیون می‌باشد.»

جوئیس برایس، نویسنده و روزنامه نگار:

«با کاهش تعداد خانواده‌هایی که از پدر و مادر برخوردارند جامعه ایالات متحده روندی رو به زوال را آغاز نموده است.»

واشنگتن تایمز:

«در آمریکا فرزندان طلاق و تک والدینی و بی سرپرست در محیط خانه خود هیچ گونه آموزش اخلاقی نمی بینند. استثنا هم وجود دارد و بعضی مادران کار خود را به نحو احسن انجام می دهند. اما بسیاری از آنها درگیر استفاده از مواد مخدر هستند و از نظر موقعیت مالی تنها نیم قدم بابتی خانمانی فاصله دارند. بنابراین همه چیز به هم ریخته است، بچه ها خشونت و اثرات منفی را مدل خود قرار می دهند.»

«دکتر آنتوانت ساندرز درباره وضع کودکان آمریکا می نویسد:

در آمریکا در سال ۱۹۹۰ بیش از یک چهارم کودکان زیر هیجده سال یافقط با یکی از والدین خود و یا بدون هیچ یک بسر می بردند.»
«براساس آمار معتبر:

در آمریکا سالانه بیش از یک میلیون نوجوان از خانواده های خود فرامی کنند که نیمی از آنها دختران نوجوانی هستند که به علت سن پایین نمی توانند شغلی داشته باشند لذا به دزدی و مبادله مواد مخدر و فحشا روی می آورند.»

«کشیش یرس ریتز می گوید:

در آمریکا بالغ بر پانصد هزار نوجوان زیر هفده سال اختصاصاً به کار فحشا اشتغال دارند.»

«جوئیس برایس نویسنده و تحلیلگر روزنامه واشنگتن تایمز با ارائه گزارش ویژه ای در زمینه شکست خانواده در آمریکا می نویسد:

با کاهش تعداد خانواده هایی که از پدر و مادر برخوردارند جامعه ایالات متحده روندی رو به زوال را آغاز کرده است.»

آمار فوق از دنیای غربی است که آمال عده ای از جوانان و نا آگاهان کشور ما است. در حالیکه در دنیای اسلام، در میان خانواده کوچک، مهمترین نقش تربیتی مربوط به مادر است لذا ارزش او در صورت عمل کردن به وظایف خود، از دیگر اعضای خانه بیشتر می باشد.

قلب مادر

داد معشوقه به عاشق پیغام که کند مادر تو با من جنگ

هر کجا بیندم از دور کند چهره پرچین و جبین پُر آژنگ

با نگاه غضب آلود زنده‌بردل نازک من تیر خدنگ
از در خانه مرا طرد کنده‌مچو سنگ از دهن قلماسنگ
مادر سنگدلت تا زنده است شهد در کام من وُست شرنگ
نشوم یکدل ویکرنگ تورا تا نسازی دل او از خون رنگ
گر تو خواهی به وصالم برسی باید این ساعت بی خوف و درنگ
روی وسینه تنگش بدری دل برون آری از آن سینه تنگ
گرم و خونین به منش باز آری تا بَرَد ز آینه قلبم زنگ
عاشق بی خرد ناهنجار نه بل فاسق بی عصمت و ننگ
حرمت مادری از یاد برد خیره از باده و دیوانه ز بنگ
رفت و مادر را افکند به خاک سینه بدرید و دل آورد به چنگ
قصده سر منزل معشوق نمود دل مادر به کفش چون نارنگ
از قضا خورد دم در به زمین و اندکی سوده شد او را آرنگ
وان دل گرم که جان داشت هنوز او فتاد از کف آن بی فرهنگ
از زمین باز چو برخاست نمود پی برداشتن آن آهنگ
دید کز آن دل آغشته به خون آید آهسته برون این آهنگ
آه دست پسرم یافت خراش آخ پای پسرم خورد به سنگ

در بعضی مواقع همان چند سال شیر دادن و بزرگ کردن کودک نقش عمده‌ای در هدایت یا گمراهی او ایفا می‌نماید:

یکی از شرایط مادر خوب بودن آن است که مادر ارزش و اهمیت خود را بشناسد تا به آن عمل کند و این میسر نمی‌شود مگر با مطالعه کتب تربیتی و کتابهایی که به نحوی در این مورد چاپ شده است. در جامعه ما، مادران باسواد و اهل مطالعه کم هستند و خانم‌ها در ساعتهای فراغت، بیشتر دوست دارند تا با هم جنسان خود در محلی گردهم آمده و از هر دری سخن بگویند و خود را این چنین سرگرم کنند غافل از اینکه چون همجنسان آنها هم اکثراً اهل مطالعه نیستند، بیشتر سخنان پیرامون لباس و ازدواج و جهیزیه و مسائل کم اهمیت و گاهی غیبت‌ها پشت سر افراد دور می‌زنند و کمتر از مسائل مهم تربیتی و تجارب بزرگ کردن فرزندان سخن به میان می‌آید. و این نیاز به یک تغییر در خانواده‌های ایرانی دارد تا بتوانند نقش مهمتری در خانه و اجتماع خودشان ایفا نمایند.

فواید مطالعه کتابهای مفید برای مادران

مادران آگاه و اهل مطالعه از خطراتی که در کمین فرزندانشان است باخبر هستند. از اثرات مخرب نوشیدنی‌های مست کننده بر روی نوزادشان مطلع می‌باشند. از مضرات استعمال سیگار و مواد مخدر بر روی فرزندانشان اطلاع دارند و خلاصه راه و چاه را بهتر و بیشتر بلدند. شخصی سه فرزند عقب افتاده داشت. وقتی از او سؤال شد که چرا ازدواج فامیلی کردید؟ جواب داد نمی‌دانستیم ازدواج فامیلی مشکلاتی را ایجاد می‌کند! سؤال شد چرا با تولد اولین فرزند عقب افتاده، دوباره اقدام به بارداری نمودید؟ باز جواب داد نمی‌دانستیم!

حال باید عمری را با مشکلات این فرزندان عقب افتاده که پسر هیجده ساله شان در کلاس پنجم ابتدایی درس می‌خواند و دیگری مرتب غش می‌کند و سومی هم ناراحتی دیگری دارد و مادر هم از بس حرص خورده و ناراحتی کشیده دچار رعشه در دستانش شده و حالت عصبی پیدا کرده، بسازند و بسوزند!

بهترین الگو برای مادران و همسران ایرانی، الگوهایی است که قرآن پیشنهاد کرده است. قرآن از حضرت فاطمه (س) در سوره کوثر، و از حضرت مریم و آسیه در سوره تحریم به عنوان زنان نمونه نام برده است: «بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ اِنَّ اَعْطٰیْنِ اَكْ الْکَوْثَرِ. فَصَلِّ لِرَبِّکَ وَ اَنْحَر. اِنَّ شَ اِنَّکَ هُوَ الْاَبْتَرُ».

«بنام خداوند بخشنده مهربان. ما بتو کوثر را عطا کردیم. پس برای خدایت نماز بگذار و نحر نما، و بدان که حقیقتاً دشمن تو ابتر و بی نسل است».

فاطمه (س) از زبان امام امت:

تمام ابعادی که برای زن متصور است و برای یک انسان متصور است، در فاطمه سلام الله علیها جلوه کرده و بوده است، یک زن معمولی نبوده است، یک زن روحانی، یک زن ملکوتی، یک انسان به تمام معنائسان، تمام نسخه انسانیت، تمام حقیقت زن». او موجودی ملکوتی است که در عالم بصورت انسان ظاهر شده است، بلکه موجود الهی جبروتی در صورت یک زن ظاهر شده است... زنی که تمام خاصه‌های انبیاء در اوست، زنی که اگر مرد بود، نبی بود، زنی که اگر مرد بود، بجای رسول الله بود».

«خداوند برای آنهایی که ایمان آورده‌اند، زن فرعون را مثال می‌زند که گفت: بار خدایا برایم در بهشت در جوار خویش خانه‌ای بنا کن و مرا از فرعون و اعمالش نجات بده! و مرا از دست ستمکاران راحت کن! * و حضرت مریم دختر عمران که خود را از حرام حفظ نمود و ما از روحمان در او دمیدیم و او سخنان و کتابهای الهی را تصدیق نموده و از عبادت کنندگان بود».

توضیح:

آسیه زن فرعون به خدای یکتا ایمان آورد و از ثروت و رفاه و پادشاهی شوهرش دست کشید. بدستور فرعون او را شکنجه کردند. از جمله او رابه چهارمیخ بستند و در آفتاب انداختند و سنگی بر سینه او قرار دادند. در این موقع، آسیه از خدا نجات خود را تقاضا نمود و خداوند هم قبل از اینکه شکنجه او را اذیت نماید، او را قبض روح کرد. او از جمله چهار زن برگزیده زنان جهان است. در آیه فوق خداوند او را نمونه ایمان می‌داند.

«هر زنی که براخلاق بد شوهرش صبر کند، خداوند ثواب حضرت آسیه را به او بدهد».

زن دومی که خدا او را نمونه ایمان می‌داند، حضرت مریم ۳ است.

او که مادر حضرت عیسی ۷ است در این آیه با چند عبارت مدح شده است.

- ۱- او زنی بوده که خود را با وجود زیبایی و مجرد بودن و امکان گناه، از حرام حفظ کرد.
 - ۲- خداوند با اعجازش او را بدون اینکه با مردی تماس داشته باشد، به حضرت عیسی ۷ باردار نمود.
 - ۳- او کلمات خداوند و کتابهای آسمانی او را تأیید کرده و به آن ایمان داشت.
 - ۴- او جزء عبادت کنندگان بوده است.
- حضرت خدیجه (س) زن نمونه**

روزی عایشه نسبت به خدیجه ۳ اظهار برتری نمود! حضرت فرمود:

«آیا نمی دانی که خدا، آدم و نوح و آل ابراهیم و آل عمران و علی و حسن و حسین و حمزه و جعفر و فاطمه و خدیجه: را از میان انسانها برگزید؟»

اما در قرآن از دو زنی که متأسفانه در کفر نمونه بوده اند، نام برده است. زنانی که بخاطر همسری با پیامبران می توانسته اند الگوهای ایمان و تقوا باشند ولی بدلیل همراهی با کافران، از رحمت الهی دور شده و به آتش کفرشان سوختند:

«ضَرَبَ اللّٰهُ مَثَلًا لِّلَّذِينَ كَفَرُوا امْرَاةً نُّوحَ وَ امْرَاةً لُّوطَ كَ اَنْتِ اِ تَحْتِ عَبْدٍ مِّنْ عِبَادِنَا صَ الْحَيْنَ فَخَ اَنْتِ اَهُمَّ اَ فَلَمْ يُغْنِ اَ عَنْهُمُ اِ مِّنَ اللّٰهِ شَيْئًا و قِيلَ ادْخُلَا النَّارَ مَعَ الدّٰخِلِيْنَ».

«خداوند برای آنانکه کافر شدند، زن نوح و زن لوط را مثال می زند که این دو نفر همسر دوتا بنده صالح ما بودند اما به شوهرانشان خیانت کردند و همسریشان با پیامبران، هیچ سودی برایشان نداشت و از عذاب خدا نسبت به آنها جلوگیری نکرد و به آنها دستور داده شد که با جهنمیان (قوم لوط و قوم نوح) به آتش داخل شوید».

توضیح:

«در روایت آمده است که زن نوح بنام «واغله»، کافر بود و به مردم می گفت: نوح دیوانه است. و اگر کسی به نوح ایمان می آورد، فوراً به سران مشرکین خبر می داد».

زن لوط بنام «واهله»، مردم را از مهمانهای لوط با خبر می کرد تا مردم آنها را اذیت نمایند! و هر که به لوط ایمان می آورد، به مردم خبر می داد و آنها هم آن شخص مؤمن را می کشتند.

بخاطر این خیانتشان، بر سر زن لوط سنگ بارید و زن نوح هم غرق شد».

وظایف مادر نمونه نسبت به فرزندان

بعد از ادای وظیفه زن نسبت به شویش، وظیفه مهم فرزند داری مطرح می شود. اهم این مسئولیت بشرح زیر است:

۱- انعقاد نطفه در وقتی که نیکو است.

۲- هنگام آمیزش با طهارت بوده و مسائل سفارش شده درباره آمیزش را رعایت نماید

«امام صادق (ع): در خانه ای که طفلی وجود دارد، با همسر خود مقاربت نکنید، که آن طفل زناکار می شود و یا فرزندیکه بدنیامی آید، زناکار می شود.» .

۳- در ایام بارداری بر رعایت طهارت و عبادت مداومت نماید.

«شیخ مرتضی انصاری، یکی از فقها و دانشمندان بزرگ شیعه است. وقتی پس از سالها تحصیل و کوشش به مقام اجتهاد و زعامت نائل آمد، مردم به مادر شیخ تبریک گفتند که فرزندت به مقام اجتهاد و مرجعیت رسیده است.

آن مادر گفت: زحمتی که من در تربیت فرزندم کشیدم، اگر به مقام پیامبری هم می رسید، تعجب نمی کردم، چه رسد به مقام اجتهاد!

مردم از شنیدن این سخن تعجب کرده و گفتند: مگر در تربیت فرزندت چه کرده‌ای که دیگران نکرده‌اند؟

مادر شیخ پاسخ داد: بیان زحماتی که من در تربیت او کشیده‌ام، از حوصله شما بیرون است ولی به عنوان نمونه می‌گویم که هیچ گاه بدون طهارت و وضو پستان به دهانش نگذاشتم.

وقتی مادر شیخ رحلت کرد، دیدند که شیخ بر بالین مادر، زار زار می‌گریه. یکی از شاگردان در مقام دلجوئی گفت: جناب استاد! شما با این مقام علمی که دارید شایسته نیست بر بالین پیرزنی این گونه اشک بریزید!

شیخ در پاسخ او فرمود: شما هنوز به مقام والای مادر پی نبرده‌اید! تربیت صحیح و زحمات فراوان مادر بود که مرا به اینجا رسانید! «الگوهای تربیت ص ۳۶»

۴- در ایام بارداری از دعوا و درگیری و جوش و خروش بپرهیزد.

روانشناسان گفته‌اند که آرامش مادر در دوران بارداری به آرام بودن اعصاب فرزند کمک شایان می‌کند و مادرانیکه در دوران حاملگی درگیری فکری و آشوبهای ذهنی دارند، فرزندان عصبانی و اهل خشونت و دعوا دنیا می‌آورند.

۵- در ایام بارداری و در دوران شیرخوارگی نوزاد، از لقمه حرام و از استعمال مواد مخدر و مشروبات الکلی دوری کند.

«زنی در حالیکه کودک فلج و ناقص و کوری در آغوش داشت، نزد رسول خدا آمد، و گفت: ای پیامبر خدا! مگر نمی‌گویید که خدا عادل است و به کسی ظلم نمی‌کند؟

فرمود: آری.

زن گفت: اُمّا خدا به من ظلم کرده و چنین کودکی به من داده است!

پیامبر لحظه‌ای درنگ نمود و سپس فرمود: آیا شوهرت هنگام آمیزش با تو، شراب خورده بود؟

زن پاسخ داد: آری!

حضرت فرمود: پس جز خودت، کسی دیگر را سرزنش نکن!

۶- در ایام بارداری از معاشرت زیاد با مردم دوری کند و بیشتر با شوهرش باشد.

ثابت شده است که اگر زن در دوران بارداری بیشتر به شوهرش نگاه کند و با او باشد، کودک شکل و شمایل پدرش را بخود می گیرد.

۷- بعد از تولد علاوه بر گفتن اذان و اقامه در گوش کودک، و دادن عقیقه کودک، در هنگام شیردادن به نوزاد حتی المقدور با طهارت باشد.

«وقتی به امام سجاد(ع) تولد کودکی را بشارت می دادند. از پسر یا دختر بودنش نمی پرسد. بلکه سؤال می کرد: آیا سالم است؟ اگر می گفتند آری.

آنگاه می فرمود: الحمد لله الذی لم یخلق منی شیئا مشوها: شکر خدایی را که از من فرزند معیوبی متولد ننمود.»

«امام ششم(ع): عقیقه نوزاد بر ثروتمند و فقیر واجب است و فقیر اگر نتوانست، چنانچه بعدها برایش مقدور شد، عقیقه کند.»

«از امام ششم راجع به عقیقه سؤال شد. فرمود: گوسفند یا گاو یا شتر برای او قربانی کنند و بعد از عقیقه، بر کودک نام گذارند و روز هفتم سر

اورا بتراشند و به وزن مویش، طلا یا نقره صدقه دهند و اگر پسر است حیوان نر و اگر دختر است، حیوان ماده قربانی کنند.»

«امام ششم(ع): هر کودکی در گرو عقیقه است. و عقیقه از قربانی واجب تر است.»

«عمر بن بزید می گوید: درس پیری بودم که به امام صادق(ع) عرض کردم که: بخدا سوگند! نمی دانم که وقتی متولد شدم، پدرم برایم عقیقه

کرد یا خیر؟ امام فرمود: الان برو و برای خودت عقیقه کن! منم در سن پیری برای خود عقیقه نمودم.»

«امام ششم(ع): مادر از عقیقه فرزندش نخورد.»

«یکی از بزرگان نقل می‌کند: چند روز قبل از شهادت «شیخ فضل الله نوری» در زندان با او ملاقات نمودم. به ایشان عرض کردم که پسر شما خیلی لایبالی است و بر ضدّ شما کار می‌کند.

شیخ شهید فرمود:

این موضوع را از قبل می‌دانستم. وافزود: این پسر در نجف بدنیا آمد و مادرش شیر نداشت. از این رو، مجبور شدیم که برای شیردان او زنی را پیدا کنیم. زنی پیدا شد و این کودک مدت زیادی از شیر آن زن تغذیه کرد. اما ناگهان فهمیدیم که آن زن بسیار لایبالی و بی عفت است و کینه‌علی (ع) را به دل دارد. از همان وقت دریافتیم که سعادتمند شدن این پسر، کاری بسیار مشکل است!

۸- در اسم گذاری فرزند از نامهایی که اسلام سفارش کرده است استفاده نماید.

«رسول خدا (ص): کسی که خداوند به او چهار پسر بدهد و نام مرا بر یکی از آنها نگذارد، بر من ظلم کرده است.»

مسئول فرهنگی سفارت ایران در نروژ:

وقتی رهبر کمونیست نروژ مسلمان شد، بعد از مدتی «آنا بریت» همسرایشان با من تماس گرفت و گفت: می‌خواهم مسلمان شوم.

من شگفت زده شدم و خدا را سپاس گفتم. آنا بریت گفت: من چادر می‌خواهم!

گفتم: پوشیده بودن کافی است. چرا چادر می‌خواهی؟ (چرا که ترسیدم با جوی که در آن جا علیه چادر بود توان تحمل این سختی‌ها را نداشته باشد).

اما او باز هم تأکید کرد:

می‌خواهم با لباس رزم زنان ایرانی که الگو و سبیل من بوده‌اند شهادتین را بگویم.

به او گفتم: چه اسمی را انتخاب کرده‌اید؟

گفت: زینب.

گفتم چرا؟

گفت تحقیق کرده‌ام دیدم حضرت زینب-سلام الله علیها- زن صبور، مقاوم و کاملی بوده است.»
۹- کودک را با خود به مساجد و مجالس سوگواری امام حسین (ع) و دیگر مجالس مذهبی ببرد.

کودکانی که در زیارتگاهها و مراسم موالید و عزاداری اهل بیت (ع) و مساجد حضور می‌یابند، از برکات این مجالس مستفیض خواهند شد و علاقه به اهل بیت (ع) در وجود آنها ریشه پیدا می‌کند و گاه آثار مثبت مهمی در زندگی آنها بجا می‌گذارد.
«حضرت زهرا (س) برای اینکه فرزندانش در شبهای احیاء خوابشان نبرد، روز قبل آنها را می‌خواندند و همچنین موقع احیاء اگر فرزندی خوابش می‌برد، آب به صورتش می‌زدند. تا از فیض شب قدری بهره‌نمانند.»
(امام باقر (ع) بعد از نماز صبح نمی‌گذاشتند نوجوانان بخوابند بلکه اگر قرآن بلد بودند می‌فرمودند قرآن بخوانند و هر که بلد نبود می‌فرمودند ذکر بگویند. و این تا طلوع آفتاب ادامه داشت)

۱۰- خود نماز بخواند و فرزندش را هم به نماز سفارش کند.

«رسول خدا (ص): نخستین چیزی که در قیامت از زن می‌پرسند، نماز است و سپس درباره شوهرش (اگر ازدواج کرده بوده) که چگونه با شوهرش رفتار می‌نموده است.»

۱۱- اگر فرزند دختر است، اهمیت حجاب را در مناسبتهای مختلف به او گوشزد نماید و نگذارد که با لباس نامناسب در کوچه و خیابان ظاهر شود.

حجاب دختر تا اندازه زیادی به حجاب مادر و طرز فکر و تقید مادر به حجاب بر می گردد. چه بسا مادرانی که خود حجابی دارند ولی از کودکی دختران خود را همچون عروسک! زینت و آرایش نموده و با خود در کوی و برزن و مجالس عروسی و مهمانی‌ها به نمایش می گذارند اما نمی دانند که چگونه دختر خود را از راه عفت و حیا دور کرده و او را به انحرافات سوق می دهند.

دلایل حجاب زن

آیه اول: «ای پیامبر! به زنان با ایمان بگو: چشم‌های خود را (از نگاه هوس آلود) فروگیرند و دامان خویش را حفظ کنند و زینت خود را جز آن مقدار که نمایان است، آشکار نمایند و اطراف روسرهای خود را بر سینه خود افکنند (تا گردن و سینه با آن پوشانده شود)...» نور ۳۱

آیه دوم: «ای زنهای پیغمبر! شما مثل افراد عادی نیستید. بایستی مراتب تقوی و پارسایی را کاملاً رعایت نموده و بدون کم و زیاد، تمام دستورات خدا را عملی کنید. بنابراین اگر واقعاً شماها پرهیزکار و خدا ترسید، پس در گفتار تان نرمی و فروتنی نکنید و صدای خود را نازک ننمائید تا اشخاصی که دلشان مریض است و اسیر دست شهوتند، از صدای نرم و نازک شما تحریک نشده و میل و طمع به شما نکنند و در وقت لزوم باید طوری بادرشتی و خشونت صحبت کنید که پسند خدا و رسول بوده و موجب فتنه و لغزش و میل و تحریک مردم نشود. و باید در خانه‌های خود قرار گیرید و زینت‌های خود را اظهار نکنید همانطور که کافران پیشین خود را به نمایش می گذاشتند و نماز را برپا دارید و زکات بدهید و از خدا و رسول اطاعت نمائید.» ۳۲ احزاب

آیه سوم: «وقتی از زنهای پیغمبر چیزی می طلبید از پشت پرده از ایشان بخواهید. این طور برای دل‌های شما و دل‌های آنها پاک تر است» ۵۳ احزاب

آیه چهارم: «ای پیغمبر! به زنان و دختران خود و زنهای مؤمنین بگو که جلباب (چادر) بر سر خود بیاورند که این پوشش در فرق زنهای خوب از زنهای ناهنجار، نزدیکتر و مؤثرتر است و باعث میشود زنهای مؤمنه توسط افراد فاسد اذیت نشوند و نسبت به گذشته‌ها چون قصد سوئی نداشته اند یا چون توبه کنند، خداوند بخشاینده و مهربان است. و اگر منافقین و آنهایی که در دلشان مرض است و آنهایی که حرفهای مضر در بین مردم اشاعه میدهند از این اعمال دست نکشند، تورا بر آنها مسلط می کنیم که بر آنها فشار بیاوری بطوریکه نتوانند در مدینه در همسایگی تو بمانند مگر زمان اندکی. در حالی که اینها ملعونند و دستور است که هر کجا

اینها یافت شوند، آنها را بگیرند و به خوارترین و سخت ترین وجهی بکشند. سنت الهی در مورد اهل نفاق، در هر عصری همین بوده و خواهد بود و به هیچ وجه ممکن، این آیین در مورد اینها تغییر نمی یابد.»

«از جمله بیعتهایی که پیامبر (ص) از زنان گرفت این بود که در خلوت با مردان مسافرت و نشست و برخاست نکنند.»

«پیامبر (ص): ای حواء! زینت خود را برای غیر شوهرت ظاهر نکن. برای زن حلال نیست که مچ و پایش را برای مردی غیر شویش آشکار کند. که اگر چنین کرد، همیشه در لعنت الهی است و فرشتگان او را لعن کرده و عذابی دردناک برایش مهیا می شود.»

۱۲- برای آموزش قرآن به فرزندش برنامه ریزی کند.

از برکات نظام جمهوری اسلامی ایران این است که صدها کودک حافظ کل قرآن و هزاران نوجوان آشنا به قرآن تربیت کرده است. مادر باید در مورد تعلیم قرآن به فرزندش همواره تأکید و جدیت داشته باشد همانطور که در مورد لباس و غذای کودکش توجه دارد.

«پیامبر (ص): هر که در کودکی قرآن بخواند، به حکمت دست یافته است.»

۱۳- در ایام نوجوانی نظارت کامل بر معاشرت فرزندش داشته باشد.

«فرمانده نیروی انتظامی: ۷۵ درصد انحرافات نوجوانان در بین راه مدرسه تا خانه رخ می دهد.»

متأسفانه جوانانی هستند که بوسیله سی دی ای فاسد و مجالس و دوستان فاسد، به فساد اخلاق مبتلا شده و در کمین نوجوانان معصوم و بی اطلاع هستند تا آنان را شکار کنند. لذا به مادران و پدران باید هشدار داد که تا زمانی که نوجوان به رشد عقلی بالایی نرسیده نظارت کامل و صد درصد بر معاشرت فرزندانشان اعم از دختر و پسر نموده و لحظه ای از آنان غافل نباشند. حاضر نشوند شبی به بهانه دوست و رفیق در خارج از خانه بمانند و یا با دوستان به مسافرت بروند و خلاصه دور از

دید والدین دلسوز خود باشند. همانطور که باغبان مدتها زحمت می کشد تا گلهایش به ثمر برسند والدین باید از راحتی خود چشم پوشند و مواظب روحيات فرزندانشان باشند.

۱۴- به فرزندان محبت کند تا گول محبت های ظاهری دیگران را نخورند. ولی در محبت زیاده روی نکند!

«رسول خدا(ص): کسیکه فرزندش را ببوسد یک حسنه دارد و اگر او را خوشحال کند، روز قیامت خدا او را خوشحال می کند و کسیکه به فرزندش قرآن بیاموزد، روز قیامت پدر و مادر کودک را ندا نموده و دو حله بهشتی از نور، برتن آنان می نمایند که از نورش صورت اهل محشر روشن می شود.»

«رسول خدا(ص): فرزند صالح گلی از گلهای بهشت است.»

«رسول خدا(ص): کسیکه خدا به او دختری بدهد و او را اذیت نکند و او را کوچک نشمارد و فرزندان پسر را بر او ترجیح ندهد، خدا بخاطر همین دختر، او را به بهشت می برد.»

اگر چه اکثر مادران به فرزندان شان محبت دارند و کم هستند مادرانی که بخاطر لذات نامشروع، فرزندان شان را مورد آزار و اذیت قرار می دهند ولی باید این محبت متعادل باشد و اگر از حد خود خارج شد، عواقب سوئی ایجاد می نماید. محبتها و تنبیه ها و تشویق ها باید عادلانه باشد و از حد خود تجاوز ننماید و الا آثار خطرناکی بر روحيات فرزند وارد می کند. به نامه یک فرزند بزهکار که از بازداشتگاه برای مادرش ارسال نموده توجه کنید:

«این نامه ای است که یک پسر بزهکار از زندان برای مادرش نوشته است:

مادر! امروز هنگامی که با دو نفر از دوستانم در یکی از خانه های نارمک تهران سرگرم دزدی ااث خانه ای بودیم، توسط پلیس دستگیر شدیم و چون برای بار دوم می خواهند مرا به جرم دزدی به زندان ببرند، می خواهم امشب از این گوشه بازداشتگاه با تو درد دل کنم و بگویم:

تو گناهکاری! تو باعث تمام بدبختی‌های من هستی! تو خیلی مرا دوست داشتی و همین محبت کور کورانه مرا به روز سیاه نشاند. آن روز که پدرم به این خاطر که دست در جیبش کرده بودم، می‌خواست مرا تنبیه کند ولی تو جلو دوییدی و نگذاشتی که او مرا تنبیه کند و گفتی: این پسر کوچولوی من است! و هر دفعه این صحنه تکرار شد!

مادر! من شبها دیر به خانه می‌آمدم، اما تو چیزی از من نمی‌پرسیدی، حتی این موضوع را از پدرم پنهان می‌کردی! تو مرا از معاشرت با جوانان هرزه منع نکردی و حتی وقتی فهمیدی که من دزدی می‌کنم، مانع من نشدی و فقط گفتی: کاری نکن که پدرت بفهمد! مادر! من تورا می‌بخشم، اما آنچه در حق من کردی، در باره برادر کوچکم نکن!

آثار سوء بی توجهی والدین در تربیت فرزندان شان را باید در کوچه و بازار و در بدحجابی و لنگاری دختران و در پوشیدن لباسهای غربی پسران و در ایجاد مزاحمت‌های خیابانی برای دختران و در زندان‌ها و آمارهای دزدی و قتل و تشکیل باندهای مخوف و باندهای فساد اخلاق به وضوح مشاهده نمود! که گاهی پدر و مادر یک جوان قاتل انگشت به دهان می‌گیرند که چرا این جور شد؟؟؟ چطور فرزند ما مرتکب این قتل و جنایت شد؟؟؟ در حالی که عامل اصلی جرم‌های جوانان والدین هستند. آنها در تربیت فرزندشان کوتاهی کردند. و باید خودشان راسرزنش نمایند.

۱۵- خود راستگو و متواضع و سخاوتمند و عقیف و با حجاب و شوهردار و طالب علم و امانت‌دار و اهل صله رحم و... باشد تا فرزند/نش نیز این چنین باشند.

«وقتی در قم، مادر سه شهید در تشییع فرزند سومش حاضر شده بود، در میان بانوان و در مقابل جنازه فرزند شهیدش، ایستاد و سخنرانی کرد. نخست خطاب به جنازه، این بیت را خواند:

بشکست اگر دل من بفدای چشم مست سر خُم می سلامت، شکند اگر سبویی یعنی: امام به سلامت باشند، دل شکسته ام به فدای چشمهای تو. بعد چنین گفت:

پسرم! نوردیده‌ام... سومین پسرم بودی که تو را نثار راه قرآن نمودم. امروز، نخستین روز بهار به دیدار گل ارغوانی و پرپرآمده‌ام، پیکر دو برادر شهیدت را سال قبل دیدم، برای دیدار پیکر تو، نخست اجازه نمی‌دادند، ولی وقتی دیدند، صبر و استقامت من خوب است، اجازه دادند، من وقتی پیکر تو را دیدم، از ته دل خشنود شدم که (به دلخواه من شهید شدی) زیرا دلم می‌خواست تو در راه خدا قطعه قطعه شوی و چنین شد. سپس این بانوی شجاع دستهایش را بطرف آسمان بلند کرد و چنین گفت: خدایا! تو را شکر و سپاس می‌گویم که فرزندم در این آزمایش الهی، این گونه، سرافراز و پیروز و روسفید، بیرون آمد...»

۱۶- آئین شوهرداری را به دخترانش آموزش دهد.

مادر باید شوهرداری را به دخترانش یاد دهد تا آنها با استفاده از تجربیات چند ساله او زندگی موفق داشته باشند.

«وقتی قرار شد که ایاس دختر عوف به خانه شوهر برود، مادرش او را این چنین نصیحت کرد:

دخترم! تو از خانه‌ای که با آن انس گرفته‌ای به خانه‌ای ناآشنای روی. پس در برابر همسرت فروتن باش تا با او انس بگیری. و برای اینکه پشتیبان و کمک کار داشته باشی به این اندرزها عمل نما!

اهل قناعت باش. دستوره‌ای همسرت را بشنو و انجام بده. در برابرش خود را آراسته کن تا وقتی بتو نگاه می‌کند ناراحت نشود. خود را معطر کن تا بوی تو برایش بهترین بو باشد. هنگام گرسنگی از او با غذا پذیرائی کن زیرا در هنگام گرسنگی انسان در هیجان و ناراحتی است. هنگام استراحت او را یاری کن زیرا ممکن است از بی خوابی خشمگین شود. در نبودنش از مالش نگه داری کن. در کارها به او کمک نما. اسرار او را فاش نکن و گرنه مطمئن باش که در امان نخواهی بود. هنگام ناراحتی او نخند و هنگام خوشحالی او ناراحت نباش.»

۱۷- اگر خواستگار مؤمن و خوش اخلاقی برای دخترش آمد، مانع تراشی نکند.

طبق آمار تازه، در حال حاضر ۳/۵ میلیون دختر شوهر نکرده در ایران زندگی می کنند. و همین آمار درباره پسران مجرد نیز صدق می نماید. راستی با وجود غریزه جنسی در جوانان و وجود همسران هم شأن چرا باید این جوانان مجرد زندگی بکنند و گرفتار آثار سوء مجرد بودن باشند؟ آیا غیر از رسم و رسومات غیر اسلامی و غیر واقعی، مانع دیگری است؟ مهریه های بالا! خرج های سنگین! بهانه های مختلف! که متأسفانه به خانواده های متدین و مذهبی هم سرایت کرده است و حتماً باید در تالارها و هتل های گران قیمت مراسم را برگزار نمایند. ولی اسلام عزیز این رسومات را قبول ندارد.

«امام رضا(ع): اگر مؤمنی به خواستگاری دختری برود و پانصد درهم جهت مهر پیشنهاد کند ولی آنان بیشتر بخواهند و این مقدار را نپذیرفته به او دختر ندهند، بر او ستم کرده و خداوند پدر آن خانواده را از حورالعین محروم می کند»

و پیامبر(ص) فرمود: اگر کسی که از دین و اخلاقش راضی هستید به خواستگاری بیاید و دختر ندهید، فساد بزرگی پدید می آید!

۱۸- فرزندان را به ازدواج هم شأن خودشان در بیاورد.

«دختر و پسر از خانواده متدین باید با هم شأن خود ازدواج کنند و دختر و پسر از خانواده بی اعتنا به دین نیز همچنین.

«والطیبات للطیبین والخیثات للخیثین» نور ۲۶

دختر پاک و مؤمن برای پسر پاک و مؤمن و دختر ناپاک و بی دین برای پسر ناپاک و بی دین لایق هستند.»

۱۹- دخترش را به فاسق و فاجر و شرابخوار شوهر ندهد!

مادر نباید گول عناوین و ظواهر و پول و ثروت داماد و خانواده اش را بخورد و بدون توجه به رعایت مسائل اخلاقی از طرف داماد، دخترش را به خانه آلوده بفرستد.

«دختری بعد از دوماه عروسی به خانه پدر برگشت و اعلام کرد که متوجه شده شوهرش معتاد است و او بزور طلاهایش را گرفته و فروخته است. و با گریه می گفت که بعد از دوماه بیوه شدم!

اگر علت این مسئله بررسی شود مشخص می شود که متأسفانه پدر و مادر دختر در هنگام خواستگاری داماد! بفکر نماز و تدین داماد نبودند و فقط چشم به ظواهر زندگی او و قدرت مالی و قیافه ظاهری او داشته اند

لذا باید تاوان سنگینی را برای این بی توجهی پردازند!

«پیامبر (ص): کسیکه دخترش را به بی دین شوهر بدهد، روزی هزار بار لعنت بر او نازل می شود.»

«امام رضا (ع): اگر دختر به شرابخوار بدهید، گویا او را به زنا واداشته اید!»

و...

تاکنون از بایدهایی که در زنان و مادران باشد، سخن گفته شد، حال پردازیم به این که زنان چه وظیفه ای در مقابل شوهرانشان دارند. سپس در مورد وظایف مادران نسبت به فرزندانشان مطالبی را خواهیم آورد:

فصل دوم:

وظایف زنان نسبت به شوهرانشان

۱- اطاعت از شوهر

با توجه به اینکه شوهر سرپرست خانواده است، زن باید مطیع او باشد تا قوام زندگی حفظ شود. زن نافرمان باعث بهم ریختن زندگی می شود. و در این خانه ها، فرزندان خوبی تربیت نمی شوند.

«رسول خدا(ص) به حواء که زیباترین زن بود، گفت:

ای حواء! اگر زنی با عصبانیت رویش را از شویش برگرداند، با خاکستر جهنم که بر چشمانش سرمه کشند، عذاب می شود.

ای حواء! قسم به خدایی که مرا به پیامبری مبعوث کرد، اگر زنی لباس شوهرش را پاره کند و یا مویش را بکند، میخهای آتشین جهنم بر کف دستهایش فرو برند.

ای حواء! قسم به خدایی که مرا به حق مبعوث کرد، هر زنی که بدون اجازه شوهرش از خانه بیرون رود در عروسی شرکت نماید، بر او لعنت نازل شود و برای هر قدمش، چهل معصیت نویسند...

ای حواء! قسم به خدایی که مرا به پیامبری مبعوث کرد، اگر زنی بدون اجازه شوهر خود در خارج از خانه نماز بخواند همان نماز را بر صورتش می زنند...

ای حواء! هر زنی که غیر روزه رمضان بدون اجازه شوهر روزه بگیرد، از گناهکاران است.

ای حواء! اگر زنی بدون اذن شوهر صدقه بدهد، برای زن گناه و برای شوهر ثواب می نویسند.

ای حواء! خلیفه خدا بر زن، شوهرش (شوهر مؤمن) است. پس اگر شوهر از او راضی باشد، خداهم از او راضی است و اگر ناراحت باشد، خداهم از او خشمگین می شود.

ای حواء! هر زنی که نمازش را بخواند و خانه دار باشد و از شویش اطاعت نماید، خدا گناهان گذشته و آینده او را بیامرزد.

ای حواء! زن نباید از شوهر کاری فوق طاقتش بخواهد و نباید شکایت او را به بیگانه و خودی ببرد.

زن پرهیزکار طاعت دوست با تو چومغز باشد اندر پوست

زن ناپارسا شکنج دلست زود دفعش بکن، که رنج دلست «او حدی مراغه ای»

۲- خارج نشدن از خانه بدون اجازه شوهر

«امام صادق (ع) فرمود: در عهد رسول خدا (ص)، مردی از انصار قصد مسافرت داشت، هنگام خارج شدن از خانه به همسرش گفت: تا من برنگشته‌ام از خانه بیرون نرو، چندی بعد، پدر زن بیمار شد. این زن شخصی را خدمت پیامبر (ص) فرستاد که شوهرم گفته از خانه خارج نشو ولی اکنون پدرم بیمار شده است. می‌توانم به عیادت او بروم؟ حضرت جواب فرمود که در خانه بمان و از شویت اطاعت کن! چند روز بعد خبر رحلت پدرش را به او دادند. باز به پیامبر (ص) پیغام داد که آیامی‌توانم بر جنازه پدرم حاضر شوم؟ حضرت جواب داد که در خانه بمان و از شویت اطاعت کن! تا اینکه پدرش را بخاک سپردند. وقتی شوهر از سفر آمد بازنش نزد پیامبر رفت. پیامبر (ص) به زن بشارت داد که در مقابل اطاعت تو از شوهرت، خداوند تو و پدرت را آمرزید.»

۳- هر زمان شوهر به او نیاز داشت، تمکین کند.

«رسول خدا (ص): هر زنیکه شوهر او را برای جماع صدا بزند و او تأخیر کند تا اینکه شوهر بخواب رود، پیوسته ملائکه او را لعن کنند تا شوهر بیدار شود!»

نشوز زن

«عوامل نشوز زن که باعث می‌شود زن از حق نفقه محروم شود:

عدم تمکین از شوهر، ترک نظافت و آرایش خود، بیرون رفتن از خانه بدون اجازه شوهر»

«خانمی به زن دیگری گفته بود. ما زنهای فلان محل زیاد به شوهرمان رو نمی‌دهیم! یعنی در بسیاری از مواقع که شوهر نیاز به زن دارد، زن به بهانه‌ای از این امر دوری می‌نماید و این یکی از علل چشم چرانی مردهای متأهل است که در منزل اشباع نشده‌اند لذا در خارج از منزل گرسنه و حریص می‌شوند!»

۴- لباس و ظاهر خود را با بهترین وجه بپاراید.

«در پرونده‌ای که زن شاکی بود و نوشته بود که شوهرش قصد ازدواج مجدد دارد، از مرد سؤال شد آیا قصد ازدواج مجدد دارید؟ جواب داد: آری. علت این امر سؤال شد. جواب داد که: وقتی خسته و کوفته از سر کار به منزل می‌آیم، به خانم سلام می‌کنم، جوابی نمی‌شنوم. کنار او می‌روم، از بوی پیاز و سیب زمینی

و خلاصه مواد آشپزخانه از او منزجر می شوم. به لباسهای او نگاه می کنم، می بینم که از لباسهای مختلفی که برای او خریده ام در تن او خبری نیست و در عوض لباس کهنه و سلخته ای به تن دارد. لذا از او بدم می آید و تصمیم دارم با زنی که خوش برخورد و خوشبو! و خوش لباس باشد ازدواج کنم!»

۵- اسرار خانه را برای زنان فامیل و همسایگان نقل نکند.

۶- بر اخلاق بد شوهرش صبر نماید.

«پیامبر (ص) فرمود:

«هر زنی که بر اخلاق بد شوهرش صبر کند، خداوند ثواب حضرت آسیه را به او بدهد.»

زن صبور و شکور

«اصمعی وزیر خلیفه عباسی در بیابان به خیمه ای رسید. زنی جوان و صاحب جمال در خیمه بود. اصمعی از او آب طلبید. زن گفت: شوهرم نیست و اجازه ندارم به شما آب بدهم. ولی اجازه شیر این بز بدست خودم است. زن از شیر به اصمعی داد. در این موقع سیاهی از دور پیداشد. زن گفت: شوهرم است که از صحرا برمی گردد. وقتی شتر سوار رسید، زن با استقبال او رفت و بر او سلام کرد، پاهای او را شست و... ولی هر چه زن محبت می کرد، مرد که قیافه زشتی داشت و یک پایش لنگ بود، با بد اخلاقی به او جواب می داد. تا اینکه مرد وارد خیمه شد و نگاه غضبناکی به اصمعی نمود و به آخر خیمه رفت. اصمعی به زن گفت: حیف نیست شما با این امتیازات، با همچو مردی زندگی می کنی؟ زن گفت: من از شما که وزیر خلیفه هستی تعجب می کنم که می خواهی بین من و شوهرم جدائی بیافکنی! اگر من با این مرد زندگی می کنم برای این است که می خواهم به روایت پیامبر (ص) عمل کرده باشم که فرمود: ایمان دو نیمه است. نیمه ای شکر و یک نیمه اش صبر است. من خدا را بر نعمتهایش شکر گفته و بر سختی های زندگی صبر می نمایم. و امید به پادشاهی آخرت دارم.»

۷- با اخلاق خوب با شوهرش روبرو شود.

«مردی خدمت پیامبر(ص) آمد و گفت: ای رسول خدا! همسری دارم که چون به خانه می‌روم به پیشبازم می‌آید و هنگام خارج شدن، بدرقه‌ام می‌کند. اگر مرا ناراحت ببیند می‌گوید: ناراحت نباش! که اگر غم‌روزی را می‌خوری، خدا روزی رسان است. و اگر غم آخرت داری، خدا غم‌هایت را زیاد کند!

«پیامبر(ص) فرمود: «به او بشارت بهشت بده! و به او بگو که تویکی از عاملان خدایی که در هر روز، پاداش هفتاد شهید برای تو خواهد بود.»

«حسین بن علاء می‌گوید: در خدمت امام صادق(ع) بودم که مردی آمد و از زنش شکایت کرد. امام فرمود: برو و زنت را بیاور! آن مرد رفت و با همسرش برگشت. امام به آن زن فرمود: شوهرت چه می‌گوید؟ زن گفت: خدا چنین و چنانش بکند! امام فرمود: اگر بر این حال بمانی و اخلاقت را با شویت درست نکنی، سه روز بیشتر زنده نمایی! زن گفت: می‌خواهم هرگز صورتش را نبینم! امام به آن مرد فرمود: دست زنت را بگیر و برو که بیشتر از سه روز زنده نمی‌ماند! آن دو رفتند، بعد از سه روز آن زن از دنیا رفت»

ام سلمه از پیامبر درباره ثواب خدمت زن به شوهرش پرسید. حضرت فرمود: «وقتی زن در خانه کار می‌کند و مثلاً وسیله‌ای را از جایی برمی‌دارد و در جای دیگر می‌گذارد، در این حال خداوند به او نظر می‌کند. و هر که خدا به او نظر کند، او را عذاب نمی‌کند.»

و فرمود:

«در نزد خداوند، نشستن زن در کنار شوهرش، از اعتکاف در مسجد من بالاتر است.»

و فرمود:

«هر زنی که در خانه شوهر، طوری شوهرداری کند که صلاح شوهر او باشد، خدا همه گناهان او را محو می‌کند و حسناتش را مضاعف می‌نماید. و چون از شوهر حامله شود، آنقدر برایش ثواب بنویسند، و مانند کسی است در تمام عمر روزه‌دار و دائم الصلوة بوده باشد. و هر

بار که کودکش را شیر می‌دهد، مثل این است که بنده‌ای در راه خدا آزاد کرده، و چون کودک را از شیر بگیرد، منادی از آسمان ندا کند: ای زن! تمام گناهان گذشته‌ات آمرزیده شد.»

۸- در زندگی اهل قناعت بوده و ولخرجی و اسراف ننماید

همسر و مادر نمونه باید قناعت داشته باشد و خرج اضافه بر درآمد شوهر نتراشد و بدنبال چشم و هم چشمی نباشد والا زندگی از مسیر سالم خود دور می‌شود. «علی (ع) فرمود: فاطمه (س) با اینکه محبوبترین افراد نزد پیغمبر بود، اما آنقدر با مشک آب کشید که اثر مشک در بدنش پیدا شد و آنقدر خانه را جاروب کرد که لباسهای غبار آلود بود و آنقدر زیر دیگ آتش افروخت که لباسهایش عوض شد (کهنه شد).» «روزی پیغمبر (ص) پیش فاطمه (س) رفت و دید که بچه را شیر می‌دهد و با دستش آسیاب را می‌چرخاند و لباس تن او از جل شتر است. پیغمبر فرمود: ای دختر گرامی! امروز تلخیهای دنیا را برای شیرینیهای آخرت بجش! فاطمه فرمود: من خدا را بخاطر نعمتهایش حمد می‌کنم و بر کرامتهایش شکر می‌گذارم. در این موقع آیه

«ولسوف يعطيك ربك فترضى» ضحی ۵

«بزودی خدا آنقدر بتو بدهد تا راضی شوی.»

نازل شد.»

فصل سوم:

پدر و همسر نمونه

پدر به عنوان سرپرست خانواده و سرکامدار این کانون، مسئولیت هدایت خانواده در مسیر سعادت را به عهده دارد. این مسئولیت از طرف خداوند به عهده پدر گذاشته شده و هیچ کسی نمی تواند این مسئولیت را از روی دوش او بردارد:

«الرجال قوامون على النساء بما فضل الله بعضهم على بعض وبما انفقوا من اموالهم فالصالحات قانتات حافظات للغيب بما حفظ الله واللاتي نشوزهن فعظوهن واهجروهن في المضاجع واضربوهن فان اطعنكم فلا تبغوا عليهن سبيلا ان الله كان عليا كبيرا» نساء ۳۲

یعنی مردان بر زنان سرپرستی دارند بخاطر اینکه خدا بعضی را بر بعضی برتری داده و به خاطر اینکه مردان از مال خود نفقه زنان و مهریه آنان را می دهند. پس زنان صالح و شایسته باید فرمانبر شوهران در کام گیری و تمتعات جنسی و حافظ ناموس و منافع و آبروی آنان در غیابشان باشند. همانطور که خدا منافع آنان را حفظ فرموده. و زنانی را که بیم دارید نافرمانیتان کنند، نخست اندرز دهید و اگر به اطاعت در نیامدند با آنها قهر کنید و به بستر راه ندهید و اگر این نیز مؤثر نشد بزنیدشان پس اگر به اطاعت درآمدند دیگر برای ادامه زدن بهانه جوئی نکنید. و بخاطر علوی که خدا بشما داده مغرور نشوید که دارنده علو و بزرگی خداست.

خصوصیات پدر نمونه

همان ده خصلتی که در زنان باید باشد تا سعادت دو جهان را دریابند، در مردان هم باید باشد که شامل:

مسلمان بودن، ایمان، دعا کننده، راستگو، صبور، مطیع خدا، انفاق کننده، روزه گیر، عفیف، اهل ذکر است.

اگر پدر صالح باشد و وظایف خود را بخوبی انجام دهد حتما خانواده خود را خوشبخت خواهد نمود.

پدریکه مؤمن بوده و اهل معنویات هست و به فضائل اخلاقی اهمیت می دهد، نخواهد گذاشت که خانواده در مسیر نادرست قرار بگیرد.

بر خلاف فرهنگ غرب که با عدم نظارت و عدم دخالت پدر در امور شخصی و خصوصی همسر و فرزندان به اسم آزادی، خانواده ها از هم پاشیده شده و دیگر لقب پدر به عنوان یک واژه مقدس کمتر بکار می رود.

سرپرستی پدر

پدر مسئولیت ویژه‌ای برعهده دارد که خداوند به عهده او گذاشته است و آن سرپرستی خانواده خویش می‌باشد. در کشور ما در بسیاری از خانواده‌ها مخصوصاً در زمان گذشته به این مسئولیت عمل می‌شد و پدر جایگاه خویش را داشت ولی اخیراً بدلیل شعارهای فمینیستی و زنگرایی بعضی و بدلیل تقلید از فرهنگ غرب و بدلیل عدم اطلاع شوهران از مسئولیت خویش، در بعضی از خانواده‌ها وضع برعکس شده است و با وجود حضور مرد، زن سرپرست خانواده می‌باشد!

اگر چه سرپرست بودن مرد، علامت برتری او بر زن در نزد خداوند نیست ولی با ایفای این مسئولیت توسط اوست که خانواده‌ها از فروپاشی مصون می‌مانند و اسیر عواطف زنانه نمی‌شوند و در حوادث مهم از ادامه مسیر باز نمی‌مانند. لذا اخیراً در کشور آمریکا عده‌ای از زنان و مردان طی درخواستی از قوه قضائیه آن کشور، درخواست کرده‌اند که همانند گذشته مسئله سرپرست بودن مرد در خانواده‌ها احیاء شود. زیرا آزادی‌هایی که به زنان داده شده است، نه تنها فایده‌ای برای زنان نداشته بلکه باعث تزلزل و فروپاشی خانواده‌های بسیاری شده است.

مردیکه باید در مسائل مهم زندگی تابع زن باشد و در حقیقت زن تصمیم گیرنده است، از نظر اجتماعی و روانی دارای مشکلاتی می‌شود. مثلاً مرد تمایل دارد که بسفر بروند ولی زن مخالفت می‌کند و سفر انجام نمی‌شود. مرد دوست دارد فلان شغل را اختیار کند ولی زن آن را نمی‌پسندد. مرد می‌خواهد فلان مهمانی را بدهد ولی زن مخالفت می‌کند و برعکس مرد دوست ندارد زنش به فلان مهمانی برود ولی زن می‌رود! مرد دوست ندارد زنش فلان لباس را (نامناسب) بپوشد ولی زن می‌پوشد. مرد دوست ندارد زن فلان خرج را بکند و یا وسایل غیر ضرور را که بار مالی سنگین دارد بخرد ولی زن این کار را می‌کند! مرد دوست ندارد زن بدون اجازه او از خانه خارج شده و در زمانیکه او به همسرش نیاز دارد، او در خانه نباشد ولی زن بدون اجازه بیرون رفته و این کار بارها و بارها تکرار می‌شود. و صدها نمونه از برآورده نشدن خواسته‌های مرد در خانه‌هایی که زن سالاری است. و این بتدریج به شکست این گونه خانواده‌ها کمک می‌نماید. اگر چه باید مرد هم به خواسته‌های شرعی و قانونی زن تن دردهد.

«به امام کاظم (ع) گفته شد: مردی به زنش می گوید که اختیار تو با خودت است! آیا این حرف صحیح است؟ امام فرمود: خیر این حرف باطل است. زیرا خدا این حق را برای مرد قرار داده است و کسی نمی تواند این حق را از مرد بگیرد.

سپس امام آیه «الرجال قوامون على النساء...» را تلاوت فرمودند.

وظایف مردان:

۱- انتخاب همسری شایسته برای خود.

او باید برای خود زنی را انتخاب کند که علاوه بر زیبایی ظاهری و مهریه کم، دارای اخلاق حمیده و ایمان و تقوا باشد. زیرا او قرار است مادر فرزندان او شود پس ببیند چه کسی را برای این کار انتخاب می کند.

«امیرمؤمنان علی (ع): در آخرالزمان که نزدیک قیامت و بدترین زمانهاست، زنانی پیدا بشوند که خیابان گرد، از دین بیگانه، دنباله رو فتنه ها و هوسها و پیرو شهوات و شتابان بسوس لذتها و حلال کننده حرامها باشند! اینان به دوزخ گرفتار ابدی شوند.»

«رسول خدا (ص): از گلهای لجنزار پرهیزید! گفتند: گلهای لجنزار چیستند؟ فرمود: زنان زیبا که در خانواده های پست و بدتریت شده اند.»

«از جمله دعاهاى رسول خدا (ص) این بود: خدا یا! بتو پناه می برم از زنیکه قبل از اینکه پیرشوم مرا پیر کند!»

«امام صادق (ع): زن قلاده است پس دقت کن چه قلاده اى به گردنت می بندى!»

۲- دوری از انحرافات اخلاقی قبل و بعد از ازدواج

۳- رعایت سفارشات اسلام در مورد آمیزش جنسی

«آمیزش در مواقع و حالات زیر چنانچه منجر به انعقاد نطفه شود مکروه بوده و آثار زیانباری را در پی دارد:

رویه قبله و پشت به قبله، هنگام هلال و بدر و محاق ماه (شب چهارده) - در برابر آفتاب - عریان - ایستاده - در اول و وسط و آخر ماه که باعث جنون و جذام و صرع در مادر بچه می شود - بعد از ظهر که موجب قیچی می شود - صحبت کردن موقع آمیزش که موجب لال بودن بچه می شود - نگاه کردن به عورت زن که موجب کوری فرزند می شود - قرآن خواندن با حال جنابت - با یک دستمال تمیز کردن زن و شوهر خود را که باعث جدایی زن و شوهر می شود - نزدیکی در شب عید فطر که باعث شرور شدن بچه می شود - نزدیکی شب عید قربان که باعث نقصان در انگشتان بچه می شود - در زیر درخت که کودک قاتل می شود - بین اذان و اقامه - شب نیمه شعبان که کودک زشت می شود - دوروزمانده به آخر ماه - بالای پشت بام - در کشتی - بعد از جنب شدن - در حال حیض - شب چهارشنبه - در موقعی که کودک در خانه باشد»

۴- کمک به همسر برای رعایت آداب ولادت و نامگذاری و ولیمه

«از امام ششم راجع به عقیقه سؤال شد. فرمود: گوسفند یا گاو یا شتر برای او قربانی کنند و بعد از عقیقه، بر کودک نام گذارند و روز هفتم سر او را بتراشند و به وزن مویش، طلا یا نقره صدقه دهند و اگر پسر است حیوان نر و اگر دختر است، حیوان ماده قربانی کنند.»

«رسول خدا (ص): کسیکه خداوند به او چهار پسر بدهد و نام مرا بر یکی از آنها نگذارد، بر من ظلم کرده است.»

«رسول خدا (ص): فرزند بر پدر حقوقی دارد و پدر نیز بر فرزند حقوقی دارد. اما حق پدر بر فرزند آنست که در هر چیزی بجز معصیت، مطیع پدر باشد. و حقوق فرزند بر پدر آنست که برای فرزندش نام نیکو بگذارد و ادب نیکو به او بیاموزد و قرآن را به او تعلیم نماید.»

«روایت شده وقتی به امام سجّاد (ع) بشارت ولادتی را می دادند، از پسرو یا دختر بودنش سؤال نمی کرد، بلکه می پرسید: آیا سالم است؟ و هنگامیکه می گفتند: آری! می فرمود:

الحمد لله الذی لم یخلق منی شیئاً مشوهاً. شکر خدایی را که فرزند مرا معیوب متولد نفرمود.»

«امام هفتم (ع): اولین نیکی انسان به فرزندش، گذاشتن نام نیک بر او است.»

۵- محبت به فرزندان و همراه بردن فرزندان به تفریحات سالم

محبت والدین به فرزندان باعث استحکام خانواده می شود و چشم آنها را بر محبت های ظاهری خارج از خانه می بندد.

«رسول خدا (ص): کسی که فرزندش را ببوسد یک حسنه دارد و اگر او را خوشحال کند، روز قیامت خدا او را خوشحال می کند و کسی که به فرزندش قرآن بیاموزد، روز

قیامت پدر و مادر کودک را ندا نموده و دو حله بهشتی از نور، بر تن آنان می نمایند که از نورش صورت اهل محشر روشن می شود.»

«رسول خدا (ص): خداوند دوست دارد که آنچنان بین فرزندان با عدالت رفتار نمائید که حتی 'در بوسیدن آنها نیز مساوات باشد.»

«امام ششم (ع): همانا خداوند بر بنده ای که علاقه زیاد به فرزندش دارد، رحم می کند.»

«پیامبر (ص): بچه هارا دوست بدارید و بر آنها ترحم داشته باشید.»

«امام هفتم (ع): خدا در چیزی همانند غضب برای کودکان و زنان غضب نمی کند.»

«سعد بن معاذ

»

۵- استفاده از درآمد حلال برای خورد و خوراک خانواده

لقمه حلال در تربیت سالم انسان نقش مهمی دارد همانگونه که لقمه های حرام در انحراف انسانها آثار مهمی دارد.

«در حدیث قدسی است که ایمان ده جزء دارد و هفت جزئش کسب در آمد حلال است»

«در حدیث قدسی است که کسیکه اهمیت نمی دهد از چه جایی در آمد کسب کند، منہم اهمیت نمی دهم که او را از چه دری وارد جہنم نمایم!»

رسول خدا: هر که از حلال بخورد ملکی بر بالای سرش بایستد و برایش استغفار کند تا زمانی که از غذا دست بکشد.»

۶- آشنا کردن فرزندان با خدا و آموزه های مذهبی

برای پرورش حس مذهبی فرزندان باید چند مرحله راطی کرد:

۱- آنها را با استدلال ساده با خدا آشنا نمائیم.

۲- خدا را با صفات نیکویش مانند رحمان و رحیم و آمرزنده بودن معرفی کنیم.

۳- از دوستی خدا با آنها حرف بزنیم. «ای پیامبر بگو: اگر خدا را دوست دارید از من پیروی کنید تا خدا هم شما را دوست داشته و گناهانتان را ببامرزد و خدا آمرزنده و مهربان است». آل عمران ۳۱

۴- نوجوانان را به عبادات واجب و مستحب عادت داده و نماز را از هفت سالگی به آنها آموزش دهیم.

اگر پرورش مذهبی نوجوان از دوازده سالگی بدرستی انجام پذیرد، او در ۱۶ سالگی یک فرد معتقد و با ایمان خواهد بود و با این احساس می تواند در مقابل تمایلات نفسانی و شهوات، مقاومت کند و از تندروی و طغیان برکنار بماند. اما برعکس، نوجوانی که احساسات مذهبیش مورد حمایت و پرورش قرار نگرفته و احياناً سرکوب شده باشد، نوجوانی که خواهش معنویش ارضاء نگشته و نور ایمان، ضمیرش را روشن ننموده باشد، در ۱۶ سالگی محکوم تمایلات غریزی و شهوی خواهد بود و عواطف مذهبی پرورش نیافته اش قادر نیست او را در مقابل انحرافات ایمنی بخشد.

عبادات واجب و مستحبی که در اسلام تشریع شده و همچنین دعا و نیایش در پیشگاه الهی از عوامل مؤثر در تحکیم دوستی و محبت پروردگار است. نماز ارتباط دهنده انسان به خالقش می باشد. نماز گزار روزی چند بار به پیشگاه خدا می رود و مراتب دوستی خود را بامحبوبش تجدید می کند.

اگر گناهانی کرده آنها را بوسیله نماز پاک می کند و اگر چند قدمی از خدایش دور شده، بوسیله نماز بعدی به خدایش برمی گردد. خدای واقعی آنقدر رحمت و عطف دارد که باب توبه بر روی همه گشوده است. اگر انسان آلودگی پیدا کرد، راه بازگشت به پاکی و خدا باز است. حتی اگر توبه را شکست و باز آلوده شد، باز هم راه بازگشت دارد و باصطلاح: اگر صدبار توبه شکستی باز آی! خالق که در گرفتاریها و سختیهای زندگی، تکیه گاه انسان است.

علی ۷ می فرماید: «یٰۤاَۤمَن عَلَیْهِ مَعُوْلٰی!» ای تکیه گاه من! «یٰۤاَمَنَ اِلَیْهَا شَكُوْتُ اٰخُوۤاِلٰی!» ای کسی که گرفتاریهایم را فقط به او می گویم. این دین صحیح و ایمان واقعی است که انسانها را از انحرافات و آلودگیها دور و پاک کرده و آنها را سعادتمند می نماید.

اما بدبختانه دنیای امروز به تمایلات مذهبی جوانان نه تنها کار ندارد بلکه با انواع برنامه های انحرافی این حس را در میان جوانان از بین می برد. دنیای غرب آنطور که برای یک کالای صنعتی سرمایه گذاری کرده و اهمیت قائل می شود، برای تربیت صحیح و پرورش حس مذهبی ارزش وارجی قائل نمی شود.

۷- تربیت فرزند بر اساس تربیت دینی

اولین نکته برای آرامش خانواده و دوری از رفتارهای ناپسند جوان، شناخت روان جوان و آگاهی از مقتضیات جوانی است. فرزند جوان، مطابق میل طبیعی، عاشق استقلال و تشخص است. می خواهد هرچه زودتر خود را از محدودیتهای دوران کودکی رها سازد و به گروه بزرگسالان پیوندد و مانند آنان مستقل باشد. او خواسته خود را بر زبان نمی آورد! ولی اگر به مقصود خود نائل نشود و به حق طبیعی خود، دست نیابد، سرکشی و طغیان می کند، به کارهای غیر عادی دست می زند، بد رفتار و تندخو می شود و با زبان حال می گوید:

به شخصیت من احترام بگذارید! مرا مستقل و آزاد بشناسید! با من همانند یک فرد بزرگ برخورد کنید!

در سخن پیامبر ۶ است که فرمود: «فرزند، هفت سال آقا است. هفت سال بنده است و هفت سال هم وزیر است».

طفل هفت سال اول بر پدر و مادرش حکومت می کند! زیرا فکرش نارسا و جسمش ناتوان است. پدر و مادر باید با دیده رأفت به او نظر کنند و ناچارند که خواسته های او را برآورده سازند.

در هفت سال دوم، تغییرات قابل ملاحظه‌ای در تن و روان کودک پدید می‌آید. جسمش قوی می‌شود و درکش رشد می‌کند و تا اندازه‌ای خویها و بدیها را می‌فهمد. لذا مورد مؤاخذه والدین و مربی و آموزگار قرار می‌گیرد. و چون عقلش بخوبی شکفته نشده و صلاح و فساد خود را به درستی تشخیص نمی‌دهد، پدر و مادر آمرانه به او تذکر داده و او باید فرمان والدین را اطاعت کند.

اما در هفت سال سوم نشانه‌های جوانی و بزرگسالی در او پدید می‌آید. لذا احساس مسئولیت می‌کند و در تدبیر زندگی همکار والدین می‌باشد. از بکار بردن کلمه وزیر چند نکته را می‌فهمیم:

الف - جوان تشخص طلب و استقلال جواست.

ب - نباید با او آمرانه برخورد کرد.

هیچ چیز بیش از حق رأی در تربیت آنان مؤثر نیست. باید در خانه و مدرسه به آنها حق اظهار عقیده داده شود. البته استقلال دادن به جوان به این معنا نیست که وی در تمام اعمالش آزاد باشد تا به میل خود به هر محیط فاسدی برود، زیرا جوان که عقلش نسبت به احساساتش ضعیف است، همواره در معرض سقوط قرار دارد. جوان اغلب پایان کار را نمی‌بیند و از تشخص بسیاری از بدیها و خویها عاجز است. پس مراد از وزیر بودنش آن است که هم شخصیتش مورد احترام باشد و هم اختیار صد در صد نداشته باشد، بلکه تصمیم نهایی با والدین است.

سختگیری بی مورد، زورگویی و ستم، تعدی و خشونت والدین نسبت به جوان یکی از دو نتیجه را به بار می‌آورد:

الف - جوان بر اثر فشارهای طاقت فرسای روحی و نظارتهای خسته کننده والدین، نیروی مقاوت خود را از دست داده و تسلیم شرائط موجود می‌شود. او اگر چه سازگار و سربزیر می‌شود ولی استعدادهای خود را از دست می‌دهد و یک انسان نالایق بار می‌آید.

ب - جوان در مقابل سختگیری‌ها می‌ایستد که در نتیجه باعث اختلاف در خانواده می‌شود. عربده‌ها و فریادهای تند و خشونت، اشک و زاری، هیجان و ناراحتی برنامه عادی چنین خانه‌هایی خواهد بود!

بعضی پدران بخاطر عقده خود کم‌بینی، خشن و تندخو هستند. برای ابراز قدرت در خانه، با اهل منزل بدرفتاری می‌کنند، فریاد می‌کشند، دشنام می‌دهند. گاهی بچه‌ها را کتک می‌زنند! و گاهی در محیط منزل ایجاد رعب و هراس می‌کنند! لغزش یا اشتباه کوچک را بزرگ تلقی کرده و چشم پوشی نمی‌کنند. مثلاً پدر اگر

بخواهد بخوابد، انتظار دارد که همه اهل خانه ساکت باشند و اگر صدایی بلند شود، طوفان پیاپی می‌کند! ولی اگر دیگران خواب باشند، استراحت دیگران برایش ارزشی ندارد! کودکان این خانه‌ها بر اثر سختگیری بی‌مورد والدین، خشمگین و عصبی بار می‌آیند و همواره در خود احساس حقارت نموده و این حس بصورت عقده در آنها باقی می‌ماند!

البته تا کوچک هستند نمی‌توانند در مقابل رفتار خشن پدر نیرومند خود عکس‌العملی نشان دهند، اما زمانی که پا به سن جوانی می‌گذارند، برای اینکه در خانه بخاطر عقده حقارت خود، ابراز وجود کنند، کانون خانواده را به محل مشاجره و ناسازگاری تبدیل کرده و کار به آنجایی کشد که فرزند در مقابل پدر می‌ایستد! راه حل این معضل به دوطرف برمی‌گردد. دو طرف باید خودسری و لجاج را ترک کنند و از تمایلات نادرست خویش چشم‌پوشند تا بتوانند با همکاری یکدیگر مشکلات را حل کنند.

در بررسی روی ۱۰۵ پسر و دختر جوان که خلاف بزرگی را انجام داده بودند، متوجه شدند که تقریباً ۹۱ درصد جوانان مجرم از اختلالات عاطفی شدید رنج می‌برند. یعنی هم از حیث عاطفی مورد بی‌مهری قرار گرفته بودند و هم احساس ناامنی و حقارت داشتند!

عکس‌العمل والدین در برخورد با خلاف‌فرزندشان!

چنانچه فرزند عمل خلافی را انجام داد چگونه باید با آن برخورد نمود؟ مثلاً خانمی در تماس با مشاوره اظهار داشت که مدتی است، متوجه شده که پسر دبیرستانش استمناء می‌کند! تکلیف این مادر چیست؟ در پاسخ باید گفت که مراحل در برخورد با این خلفها وجود دارد که اگر رعایت شود شاید موفقیت‌آمیز باشد. یکی مسئله توجه به ازدواج جوانان است که در هنگام نیاز جنسی آنان، باید بفکر راه و چاره بود و دیگری آشنا کردن آنها با حرام و حلال اسلام و اینکه این اعمال، چقدر زشت بوده و عواقب بد دنیوی و اخروی دارد و در غیر این‌دومورد نیز باید مراحل تشویق و تنبیه برای ترک این اعمال انجام شود.

«در روایت است که پسران وقتی به شش سالگی رسیدند نباید در یک بستر بخوابند.»

«کودک تا هفت سال آزاد بگذار سپس هفت سال مداوم با او کار تربیتی بکن. اگر به تربیت تن داد سعادتمند است والا در او خیری نیست!»

۸- تأکید بر نماز خواندن فرزند

«وامر اهلك بالصلوة واصطر عليها» طه ۱۳۲

یعنی خانواده ات را امر به نماز نما و بر این مسئله مداومت کن.

مسئله نماز از مهمترین نشانه‌های تربیت صحیح است. در خانه‌ای که والدین نماز خوانده و تا کودک به سن بالا برسد مرتب او را به خواندن نماز امر می‌نمایند، امید به هدایت و سعادت فرزند هزاران بار بیشتر است تا خانه‌ای که اگر چه پدر و مادر خود اهل نمازند ولی فرزندان خود را رها کرده‌اند و باصلاح آنان را آزاد گذاشته‌اند تا خود مسیر درست را انتخاب نمایند و این بزرگترین اشتباه سرپرست خانواده است که نوجوانی را که اصلاً نمی‌تواند خیر و صلاح خود را تشخیص دهد و از طرفی نماز زحمتی برای اوست، آزاد بگذارند به این امید که روزی برسد که خود نوجوان به نماز گرایش پیدا کند! خداوند در قرآن کریم به پدران دستور می‌دهد که خود و خانواده خود را از جهنم نجات دهید:

«يا ايها الذين آمنوا قوا انفسكم واهليكم نارا وقودها الناس والحجارة» تحریم ۶

ای مؤمنین! خود و خانواده تان را از آتش جهنم دور نگه دارید.

«رسول خدا (ص): در هفت سالگی فرزند را به خواندن نماز تمرین دهید و در ده سالگی در صورت نماز نخواندن، بر آنان سخت گرفته شود و حتی 'آنان را با زدن هم شده به نماز وادار کنید.»

۹- نظارت کامل بر معاشرت فرزندش

«امام پنجم (ع): با کسی معاشرت کن که تو را می‌گریاند و خیر خواه توست! و با کسی که تو را می‌خنداند و فریب می‌دهد، معاشرت منما!»

«امام هفتم (ع): از مواضع تهمت و شک بپرهیز و حتی 'در کوچه با مادر خود نایستید! زیرا همه نمی‌دانند که این زن مادر توست!»

«علی(ع): بدترین رفیق کسی است که معصیت خدا را در نظر تو، خوب جلوه دهد!»

«امام سجاد(ع): با چند رفیق رفیق نباش! ۱- دروغگو که مثل سرابست و با دروغهای خود، تو را فریب می دهد و دور را برای تو نزدیک و نزدیک را برای تو، دور می کند. ۲- فاسق که تو را به یک وعده غذا بلکه کمتر، می فروشد! ۳- بخیل که تو را در هنگام سختی، رهامی کند. ۴- احمق که می خواهد بتو سود برساند ولی زیان می رساند.»

۱۰- نظارت بر استفاده فرزندان از رسانه های صوتی و تصویری و رایانه و استفاده از موسیقی مبتذل و شرکت در پارتی های منحرف کننده

۱- «پیامبر اسلام(ص): غنا(موسیقی حرام) پله کان زنا است.»

۲- «امام صادق(ع): خبیث ترین مخلوق خدا، غنا(موسیقی حرام) است. و بدترین مخلوق خدا غنا است که باعث فقر و نفاق می شود.»

۳- «امام صادق(ع): خانه ای که در آن غنا(موسیقی حرام) باشد، از فاجعه ایمن نمی باشد و دعا در این خانه مستجاب نمی شود و ملائکه به این خانه وارد نمی گردند.»

۱۰- «امام خمینی: از جمله چیزهایی که مغز جوانها را تخدیر می کند، موسیقی است... انسان را از جدیت بیرون می برد. یک جوانی که عادت کرده روزی چند ساعت را با موسیقی سروکار داشته باشد، از مسائل جدی به کلی غافل می شود.»

ضعف اعصاب و اختلال حواس و بی ارادگی از عوارض موسیقی

«دکتر ولف آدلر، پروفیسور دانشگاه کلمبیا می گوید: بهترین و دلکش ترین نو اهای موسیقی، شوم ترین آثار را روی سلسله اعصاب انسان باقی می گذارد.»

«دکتر آلکسیس: اصولاً شنیدن موسیقی و کنسرت، در اعصاب اثر تخدیری ایجاد می کند. این اثر گاهی آنچنان شدید است که شنونده را مانند افراد بهت زده می سازد و لذت فوق العاده ای که افراد از آن می برند از همین اثر تخدیری است و روشن است که اینگونه تخدیرها زیانهای فراوانی دارد و اگر شدت یابد گاهی

ممکن است عقل و اندیشه را اسیر جذبه آهنگهای تند موسیقی کند و دیگر نتواند خوب و بد را از هم تشخیص دهد و بی پروا دست به حرکات و اعمال ناشایست بزند و در آن حال نتواند به عواقب وخیم آن بیاندیشد.»
گاهی موسیقی باعث جنایت می شود.

۱۱- جدیت در امر ازدواج فرزندان

«رسول خدا(ص): اگر فرزند خواستار ازدواج باشد و پدر توانائی مخارج ازدواج او را دارد ولی امتناع کند و فرزند مجردش به معصیت و گناه آلوده شود، معصیت او را در نامه عمل پدرش می نویسند.»

۱۲- جدیت در امر یاد دادن قرآن و آداب اسلامی مانند:

آداب معاشرت، آداب خوردن و آشامیدن، آداب ازدواج، آداب تجارت و معاملات، تاریخ اسلام و تاریخ ایران و صدها مورد اطلاعات مفیدی که براساس آنها، اعتقادات و روش زندگی فرزندان بنا نهاده می شود.

«یکی از مؤمنین می گفت که وقتی ما بچه بودیم در روستا زندگی می کردیم، پدرمان ملایی را از شهر آورد و خرج مسکن و غذا و حقوقش را به عهده گرفت تا او در چندماه بما قرآن بیاموزد. و او هم این کار را انجام داد و ما دوبرادر قرآن را در کودکی فرا گرفتیم»

مقداری از آداب و سنتهای اسلامی

«رسول خدا(ص): معده، خانه دردهاست و پرهیز، ریشه درمانهاست.» ۸۲

«امیرمؤمنان علی(ع) خطاب به امام حسن(ع): اگر می خواهی که سالم بمانی و از پزشک بی نیاز شوی، چهار امر را رعایت کن!

اول: اگر به غذا میل نداری نخور! دوم: هنوز سیر نشده‌ای، از غذا دست بکش! سوم: غذا را کاملاً در دهان جویده نما! چهارم: قبل از خواب، قضاء حاجت کن! ۸۵

«امام ششم (ع): هرگاه به سن پنجاه سالگی رسیدید، شبها روغن نخورید.» ۸۸

«آمده است: حضرت عیسی (ع) به شهری رسید. زن و مردی که باهم نزاع داشتند، نزد او آمدند. حضرت علت نزاعشان را پرسید. مرد گفت: این همسر من است و من از او راضی هستم. اما چون صورتش بی طراوت شده و کهنه بنظر می‌رسد، می‌خواهم از او جدا شوم! حضرت به زن فرمود: می‌خواهی صورتت با طراوت گردد؟ گفت: آری! حضرت فرمود: هرگاه غذا می‌خوری، سیر مخور! زیرا غذای زیاد در معده بجوش می‌آید و آب صورت را می‌برد! آن زن چنین کرد و رویش با طراوت شد.» ۹۱

«رسول خدا (ص): باسیری غذا خوردن، موجب مرض برص و پیسی می‌شود.» ۱۱۲

«امام ششم (ع): هیچگاه در حال راه رفتن غذا نخور مگر مجبور باشی!» ۱۲۵

«رسول خدا (ص): غذا خوردن در بازار و در حال راه رفتن از پستی ست!» ۱۲۸

«رسول خدا (ص): هر که از حلال بخورد، ملکی بر بالای سرش بایستد و برایش استغفار کند تا از غذا دست بکشد.» ۱۲۹

«علی (ع): نان را گرامی بدارید که خداوند عزّ وجل آنرا از برکات آسمانها فرستاده است. پرسیدند: چگونه گرامی داشته شود؟ فرمود: وقتی نان بر سفره نهادند، منتظر غذای دیگر نمانید و با آن به چشم بی اعتنائی ننگرید!» ۱۳۰

اهمیت شام

«امام هفتم (ع): شام را اگر چه تکه‌ای نان خشک باشد، ترک نکنید که باعث قوّت بدن و قوّت جماع می‌شود.» ۹۴

«رسول خدا (ص): شام را ولو با خوردن خرما یا اندکی، ترک نکنید. بد رستیکه من می‌ترسم اَمّتم بخاطر ترک کردن شام زود پیر شوند! زیرا شام برای پیر و جوان، قوّت آور است.» ۹۵

«امام ششم (ع): نخوردن شام، پیری می آورد و سزاوار است که افراد مسن با شکم پُر بخوابند.» ۹۶

«امام ششم (ع): برای افراد مسن خوب نیست که با شکم خالی بخوابند. و اگر با شکم پُر بخوابند، برایشان بهتر است.» ۹۷

«امام رضا (ع): هرگاه شخصی پا به سن گذاشت، شام خوردن را ترک نکند. زیرا خوردن شام باعث خواب آرام و خوشبو شدن دهان می گردد.» ۹۸

«امام ششم (ع): کسیکه شام نخورد، رگی از بدنش می خشکد که دیگر خوب نمی شود.» ۹۹

«امام ششم (ع): شام از غذای روز نافع تر است.» ۱۰۲

صبحانه

«شخصی خدمت امام ششم (ع) آمد و از درد و زخم معده شکوه کرد. امام فرمود: صبحانه و شام بخور! ولی در بین این دو چیزی نخور! که خدا در توصیف غذا خوردن

اهل بهشت می فرماید: لهم رزقهم فيها بكرة وعشياً یعنی: صبح و شام به رزق الهی مشغولند.» ۹۳

«امام ششم (ع): هرگاه نماز صبح را خواندی، نان بخور تا بوی دهانت خوش و حرارتت آرام شود و دندانهایت محکم و لثه ات سفت و روزیت جذب و اخلاقت خوب

گردد.» ۱۰۰

آداب سفره

«رسول خدا (ص): هر کسیکه هنگام غذا خوردن، با خانواده اش سر سفره بنشیند و در اول غذا بسم الله و بعد از غذا الحمد لله بگوید، قبل از اینکه سفره جمع شود، خداوند

آنها را می آمرزد.» ۱۰۳

«علی (ع): هر که می خواهد خیر در خانه اش زیاد شود، با وضو غذا بخورد.

و فرمود: وقت غذا خوردن، خدا را زیاد یاد نمائید و موقع خوردن غذا، صداهای بی معنا از خود در نیاورید! زیرا غذا نعمتی از نعمتهای خداوند است که باید شکرش

بجا آورده شود.» ۱۰۴

«نقل شده که: رسول خدا(ص) دید شخصی با دست چپ غذایی خورد. به او فرمود: بادت راست بخور!

آن شخص بدروغ عرض کرد: نمی توانم با دست راستم بخورم!

از آن بعد هیچگاه نتوانست با دست راستش غذا بخورد. گاهی لقمه را بادت راست بلند می کرد که بدهان بگذارد، نمی توانست.» ۱۰۷

«امام ششم(ع): خوب نیست که انسان با دست چپ غذا بخورد و یا آب بیاشامد.» ۱۰۶

«امام ششم(ع): از زمانی که حضرت محمد(ص) به پیامبری مبعوث شد، احدی ندید که او تکیه کرده غذا بخورد.» ۱۰۸

«امام ششم(ع): غذای داغ برکت ندارد.» ۱۰۹

«رسول خدا(ص): چون سفره انداخته میشود، فرشتگان بر دور آن حلقه می زنند. اگر بنده بسم الله گفت، فرشتگان می گویند: خدا برکت بر شما و غذایتان بفرستد و به شیطان می گویند: ای فاسق! بیرون برو که تو بر اینها تسلطی نداری!

و هنگامیکه بعد از غذا، الحمد لله گفت، ملائکه گویند: اینان مردمی هستند که خدا به آنان نعمت داده و آنها هم شکر پروردگارشان را ادا کردند.

ولی اگر در اول غذا نام خدا را بر زبان جاری نکرد، فرشتگان به شیطان گویند: ای فاسق! بیا وبا ایشان هم غذا شو! و اگر بعد از غذا حمد الهی نگفت، گویند که اینها مردمی هستند که خدا به آنها نعمت داد ولی شکر او را فراموش نمودند!» ۱۱۶

«عبدالله ارجائی گوید: در خدمت امام صادق(ع) بودم و دیدم که بعد از غذا، آنچه بر زمین افتاده را بر می دارد حتی 'کنجد و مانند آنرا! گفتم: فدایت شوم! اینها راهم برمی دارید؟ فرمود: اینها روزی توس و برای دیگران نگذار که شفای هر دردی در آن است.» ۱۱۷

«از یاسر و نادر، غلامان امام رضا(ع) نقل شده که: آن حضرت به خدام خود می فرمود: من اگر در وقت غذا خوردن هم بالای سر شما بایستم، تا از غذا فارغ نشده اید، بلند نشوید!

و بسیار اتفاق می افتاد که یکی از ما را می طلبید و چون به حضرت می گفتند: مشغول خوردن است! می فرمود: او را رها کنید تا غذایش تمام شود.» ۱۱۸

«رسول خدا(ص): کسی که تکه نانی را بیند و آنرا بخورد، برایش هفتصد ثواب است و اگر تکه نان کثیفی را بردارد و بشوید و آنرا کناری بگذارد، هفتاد ثواب دارد.» ۱۳۳

«آمده است که: امام سجاده (ع) خرمایی را بر زمین دید که غلام حضرت آنرا برداشت. امام به او فرمود: آنرا نگهدار تا بعد، از تو بگیرم. بعد از تجدید وضو، امام به غلام فرمود که خرما را بیاور! عرض کرد: آنرا خوردم! امام به او فرمود: تو بخاطر خدا آزادی و می توانی بروی!

به امام گفتند: بخاطر یک خرما او را آزاد می کنی؟ امام فرمود: چون آن خرما را برداشت و خورد، اهل بهشت شد و من بدم می آید که یک نفر بهشتی را بعنوان غلام داشته باشم!» ۱۳۴

«امام ششم (ع): از آداب خلال آنست که زبان را در دهان بگردانی و هر چه یافتی بخوری، سپس خلال نمائی و هر چه از لای دندان های بیرون آمد، بیرون بریزی.»

«رسول خدا (ص): سه لقمه نان و نمک قبل از غذا، انسان را از هفتاد و دو مرض که از جمله آنها دیوانگی و جذام و پیری است، نجات می دهد.» ۱۴۱

«مستحبات غذا خوردن: هر دو دست را قبل از غذا بشوید، بعد از غذا نیز دو دست را شسته با دستمال پاک کند.، میزبان قبل از همه شروع کند و بعد از همه دست بکشد.، در اول غذا بسم الله بگوید و اگر چند نوع غذا است برای هر یک، نام خدا را بگوید.

با دست راست بخورد.، هر کسی از غذای جلو خود بخورد، لقمه را کوچک بردارد، سر سفره زیاد بنشیند و خوردن غذا را طول بدهد.، غذا را خوب بجود، بعد از غذا خداوند عالمیان را حمد کند، خلال کند.، آنچه بیرون سفره ریخته، جمع کند و بخورد و اگر در بیابان غذای خورد، مستحب است آنچه ریخته برای پرندگان بگذارد.، در اول روز و اول شب غذا بخورد و در بین روز و در بین شب غذا نخورد، بعد از خوردن غذا به پشت بخوابد و پای راست را روی پای چپ بپاندازد، در اول و آخر غذا نمک بخورد، میوه را قبل از استفاده بشوید.» ۱۴۶

«مکروهات غذا خوردن: در حال سیری خوردن، پرخوردن، در موقع صرف غذا بصورت دیگران نگاه کردن، خوردن غذای داغ، فوت کردن به غذا و آشامیدن، بعد از گذاشته شدن نان در سفره منتظر چیز دیگر شدن، پاره کردن نان با کارد، گذاشتن نان را زیر ظرف غذا، پاک کردن کامل گوشت استخوان بطوریکه چیزی در آن نماند، پوست کردن میوه، دور انداختن میوه پیش از اینکه کاملاً آنرا بخورد.» ۱۴۷

نوشیدن آب

«مستحبات آشامیدن آب: بطور مکیدن بنوشد، در روز ایستاده بنوشد، قبل از آشامیدن، نام خدا را بر زبان جاری نماید و بعد از آشامیدن، حمد الهی کند، به سه نفس بیاشامد، از روی میل بیاشامد، بعد از آشامیدن بیاد حسین (ع) و اهل بیت (ع) آن حضرت افتاده و قاتلانشان را لعن نماید.» ۱۴۸

«مکروهات آشامیدن آب: زیاد آشامیدن، آشامیدن بعد از غذای چرب، در شب ایستاده نوشیدن، آشامیدن با دست چپ، از جای شکسته ظرف آب نوشیدن» ۱۴۹

«رسول خدا (ص): آب زمزم برای خورنده اش شفاء است.» ۱۳۷

«علی (ع): آب باران بخورید که بدن را تمیز و دردها را برطرف می کند.» ۱۳۸

«داود رقی می گوید: خدمت امام صادق (ع) بودم که برای حضرت آب آوردند. وقتی نوشید، اشک در چشمانش جمع شد و بمن فرمود: ای داود! خدا لعنت کند کشندگان حسین (ع) را. و بدان هر که آب بنوشد و حسین (ع) را یاد کند، و بر قاتلش لعن نماید، خداوند صد هزار حسنه برای او می نویسد و صد هزار گناه از او پاک می کند و صد هزار درجه به او می دهد و...» ۱۳۹

فوائد میوه ها و خوراکیها

«رسول خدا (ص): میوه هارا در اول بیارنشستنشان بخورید که باعث صحت بدن و دور شدن غمهاست و در آخرشان نخورید که برای جسم مریضی می آورد.» ۱۴۳

«امام رضا (ع): زیاد خوردن گوشت حیوانات وحشی و گوشت گاو، باعث کم شدن عقل، زیاد شدن حیرت فهم و نارسا بودن ذهن و کثرت فراموشی می شود و زیاد خوردن تخم مرغ، باعث طحال و باد معده می شود.» ۱۴۶

«بر شما باد به خوردن ماهی! که اگر بدون نان بخورید شمارا کفایت می کند و اگر با نان بخورید، برایتان گواراست.» ۱۵۰

«علی (ع): بر خوردن ماهی مداومت نکنید که بدن را ضعیف می نماید.» ۱۵۱

«معصوم (ع): کسیکه شب ماهی می خورد، خوب است قبل از خواب، خرما یا عسل بخورد تا دچار فلج نشود.» ۲۴۸

«روایت شده که پیامبری از ترسو بودن امت خود به خدا شکایت برد. به او وحی شد که به امت خود امر نما تا اسفند بخورند که باعث شجاعت می شود.» ۱۶۹

«رسول خدا(ص): هرگاه به شهری ویا محلی وارد شدید از پیاز آن منطقه بخورید، مرضهای آن منطقه از شما دور می شود.» ۱۷۱

«روایت شده که پیامبری از بنی اسرائیل، از قساوت دل و کمی اشک به خدا شکوه کرد. خداوند وحی فرمود: عدس بخور!

چون به خوردن عدس پرداخت، قلبش رقت پیدا کرد و اشک چشمش زیاد شد.» ۱۷۲

«یکروز رسول خدا(ص) در سجاده خود نشسته بود که عبداللّه بن تیهان آمد و گفت: یا رسول اللّه! من بسیار خدمت شما می نشینم و به سخن شما گوش فرا می دهم. ولی نمی دانم چرا رقت قلب پیدا نمی کنم و گریه ام نمی آید؟ حضرت فرمود: عدس بخور که قلب را رقت می بخشد و اشک را فرو می ریزد و هفتاد پیامبر به آن تبرک جسته اند.» ۲۳۲

«امام ششم(ع): نوح از غم و اندوه به خدا شکایت کرد. خداوند به او وحی کرد که انگور سیاه بخورد که غم را می برد.» ۲۰۰

«رسول خدا(ص): سیب را ناشتا بخورید که رطوبت معده را می برد و در جای دیگر فرمود: یکی از عوامل سلامتی، خوردن سیب در سحراست.» ۲۰۱

«امام ششم(ع): اگر مردم می دانستند در سیب چه فوایدی است، مریضهایشان را فقط با سیب درمان می کردند!» ۲۱۸

«امام ششم(ع): مریضهای تب داران را با سیب معالجه کنید که سیب از تمامی داروها برای تب بهتر است.» ۲۱۹

«امام ششم(ع): ناشتا خربزه خوردن، موجب فلج است.» ۲۲۸

«امام ششم(ع): گردو و پنیر اگر باهم خورده شوند، دارای فایده اند و اگر بتنهائی خورده شوند، ضرر دارند.» ۲۳۳

«شخصی از امام صادق(ع) درباره پنیر سؤال کرد. امام فرمود: درد بی درمان است!

شب خدمت امام رفت و دید بر سفره امام پنیر است! پرسید: جانم بفدایت! صبح راجع به پنیر فرمودید، درد بی درمان است! در حالیکه بر سر سفره شما پنیر است؟ فرمود: پنیر در موقع صبح ضرر دارد. ولی در شب، نافع است و آب پشت را زیاد می کند.» ۲۸۰

«امام ششم(ع): کباب تب را از بین می برد.» ۲۳۵

«رسول خدا(ص): ما پیامبران، گوشت خوار و طرفدار گوشت می باشیم.» ۲۵۶

امام ششم(ع): هر که گرفتار ضعف قلب یا ضعف بدن شود، گوشت بره با شیر بخورد.» ۲۵۷

«یونس بن بکر می گوید: امام رضا(ع) به من فرمود: چرا رنگت زرد شده است؟ گفتم: کسالتی عارضم گشته است. فرمود: گوشت بخور! من هم گوشت خوردم. پس از یک هفته، حضرت مرا به همان حال سابق دید. فرمود: مگر نگفتم گوشت بخور؟ عرضه داشتم. من از آنروزی که شما امر فرمودید، چیزی جز گوشت نخوردم! فرمود: چگونه خوردی؟ گفتم: بصورت پخته! فرمود: کباب کن و بخور! من هم چنین کردم. بعد از یک هفته امام بدنبال من فرستاد. من خدمت آقا رفتم، در حالیکه خون بصورت من دویده بود! حضرت وقتی مرا دید، فرمود: خوب شدی.» ۲۶۲

«رسول خدا(ص): بهترین غذای دنیا و آخرت، گوشت است.» ۲۶۳

«رسول خدا(ص): سرآمد غذاهای دنیا و آخرت، گوشت و برنج است.» ۲۷۲

«علی(ع): بر شما باد به خوردن گوشت! زیرا گوشت از گوشت بدست می آید و گوشت باعث روئیدن گوشت می شود. کسیکه چهل روز گوشت نخورد، بد اخلاق می شود.» ۲۷۵

«زاره می گوید: در ماه شعبان، پانزده روز خدمت امام باقر(ع) بودم. هر روز غذا گوشت بود و ندیدم که یکروز گوشت نباشد.» ۲۷۷

«امام ششم(ع): بهترین نوع گوشت، گوشت پشت حیوان است. و فرمود: روغن گاو شفاء و شیرش دواء و گوشتش درداست.» ۲۷۹

دستورهای ائمه معصومین (ع) درباره سلامت

«امام رضا(ع) رساله ذهبیه را بدرخواست مأمون در زمینه راههای سلامتی انسانها نوشت که به بعضی از مطالب آن اشاره می نمایم: کسیکه نمی خواهد از درد مثانه بنالد، حتی 'یک لحظه هم پیشابش را نگاه ندارد اگر چه بر پشت اسبی سوار شده باشد! * آنکس که نمی خواهد معده اش آزار و آسیب ببیند، موقع صرف غذا، تا بعد از غذا آب ننوشد. زیرا آنانکه همراه با غذا، آب می نوشند، به عارضه رطوبت و ضعف دستگاه گوارشی مبتلا خواهند شد. * هر که از سنگ مجرا و شاشبند می ترسد، نباید در هنگام انزال منی، آنرا در مجرایش نگاه دارد! * کسانی که به ضعف حافظه دچارند، بهتر است همه روزه، هفت مثقال کشمش سیاه، ناشتا بخورند و روزانه سه تکه زنجبیلی که در عسل خوابانده شده است، را با کمی خردل، در ضمن غذای روزانه خود بخورند. و برای تقویت نیروی فکری، خوبست همه

روزه، سه دانه هلیله با نبات کوییده بخورند. * اگر کسی می خواهد دچار درد گوش نشود، هر شب هنگام خواب مقداری پنبه در گوشش بگذارد. * کسیکه از بزرگ شدن لوزتین خود بیمناک است، بهتر است بعد از خوردن شیرینی با سرکه قرقره کند. * کسیکه می خواهد از بیماری یرقان در امان باشد، در تابستان به اتاقهای در بسته و دم کرده، پیش از تهویه هوای اتاق، وارد نشود و در زمستان یکمرتبه از اطاق گرم به هوای سرد نرود. بلکه صبر کند تا بدنش با هوای تازه مأنوس گردد بعد برود. * آنانکه از بادهای دردناک و شدید در بدن خود می ترسند، هفته ای یکبار سیر بخورند. * کسیکه به دندان خود علاقه مند است، قبل از خوردن شیرینی، کمی نان بخورد. * افراد لاغر اندام و افراد گرسنه، باید از حرکت شدید و طولانی در گرمای زیاد پرهیزند. ولی این عمل برای افراد چاق مفید است. * از آبهای شور پرهیز کنید که دارای حجم سنگین بوده و باعث یبوست می شوند. و آبهای برف و یخ، مطلقاً فاسد هستند و برای بدن تولید فساد می کنند ولی آب باران، سبک، گوارا و مفید است بشرطیکه در گودالها، زیاد نماند. * آمیزش در اول شب، بخاطر سنگین بودن معده، باعث تولید بیماریهای قولنج، لقوه، فلج، نقرس، سنگ مثانه، سلس البول، فتق، ضعف چشم و نزدیک بینی می شود و نباید بعد از آمیزش، بیکباره برخیزد. بلکه مدتی به پهلوی راست بماند. سپس برخاسته، ادرار نماید و بعد از غُسل، مقداری عسل صاف شده بخورد. «۲۹۰»

«علی (ع): هر که می خواهد عمر طولانی داشته باشد، صبحانه خوب بخورد، شب بعد از غذا بخوابد، با زنان کم مباشرت نماید و عبا (لباس) سبک بر تن کند.» ۳۶۳

«امام ششم (ع): چهار چیز قبل از پیری، انسان را پیر می کند: خوردن گوشت سرخ کرده، پیشوائی مردم، صعود به درجات بالا و مباشرت با پیرزنان!» ۳۶۵

آداب خوابیدن

«امام رضا (ع): خواب، سلطان مغز است و قوام و دوام نیروهای بدن، بسته به خواب می باشد. هنگامیکه انسان به خواب می رود، بهتر است ابتدا به پهلوی راست بخوابد و پس از چندی، از پهلوی راست به پهلوی چپ سپس باز به پهلوی راست برود. اما با ممداد که از خواب برمی خیزد، بهتر است که از پیلوی چپ بر است غلطیده سپس برخیزد!»

بهتر است شب بعد از غذا، دو ساعت بیدار باشد. هنگامیکه انسان به مستراح می‌رود، زیاد آنجا نماند که توقف زیاد در مستراح، باعث بیماری «داء الفیل» میشود.» ۲۹۹

«رسول خدا (ص): هر که از طلوع فجر (اذان صبح) تا طلوع آفتاب در محل نماز خود بنشیند، خداوند او را از آتش جهنم حفظ می‌کند.» ۳۰۰

«امام ششم (ع): هر که با وضو بخوابد، مثل این است که در مسجد مشغول عبادت است. و اگر در رختخواب یادش آمد که وضو ندارد، همانجا تیمم کند.» ۳۰۱

«علی (ع): مسلمان با حال جنابت و یا بدون وضو بخوابد. و چنانچه آب برای غُسل یا وضو نبود، با تیمم بخوابد. زیرا در هنگام خواب، روح مؤمن را به آسمان بالا می‌برند و خداوند بر او برکت می‌فرستد و اگر اجلش رسیده باشد، روح او را در رحمت خود می‌سپارد و اگر اجلش نرسیده باشد، به همراه ملائکه امین، روحش را به بدنش برمی‌گرداند.» ۳۰۲

«علی (ع): پیش از خواب به مستراح بروید، سپس بخوابید.» ۳۰۳

«علی (ع): اگر دیدید شخصی دمر (برصورت) خوابیده، او را بیدار کنید و نگذارید در آن حالت باشد!» ۳۰۴

«امام ششم (ع): هر که در وقت خواب، این آیه را بخواند: قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ إِنَّمَا الْهُكْمُ وَاحِدٌ فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا (کهف آیه آخر)، هر ساعتی بخواهد، بیدار می‌شود.» ۳۰۵

«روایت شده که رسول خدا (ص) چون بخواب می‌رفتند، می‌فرمودند: بِاسْمِكَ اللَّهُمَّ أَحْيِيْ و بِاسْمِكَ امُوت و چون بیدار می‌شدند، می‌فرمودند: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَحْيَانِي بَعْدَ مَا أَمَاتَنِي وَ إِلَيْهِ النُّشُور.» ۳۰۶

«رسول خدا (ص): خواب مؤمن بر پهلوی راست، خواب حکماء بر پهلوی چپ، خواب پیامبران بر پشت و خواب شیاطین بر صورت است.»

«رسول خدا (ص): خواب بر هفت وجه است: خواب غفلت که خواب در مجلس ذکر است، خواب شقاوت که خواب در وقت نماز صبح است، خواب عقوبت که خواب در وقت نمازهای پنجگانه است، خواب لعنت که خواب بعد از نماز صبح است، خواب راحت که خواب ظهر است، خواب رخصت که خواب بعد از نماز عشاء است و خواب حسرت که خواب شب جمعه است.» اثنی عشریه

آداب لباس پوشیدن

«رسول خدا(ص): لباس سفید بپوشید که بهترین رنگ است و مرده هارا نیز در پارچه سفید کفن کنید!» ۳۰۹

«امام ششم(ع): لباس سرخ تیره بغیر از برای تازه داماد، مکروه است.» ۳۱۰

«امام ششم(ع): خداوند عزّ وجلّ به پیامبری وحی کرد که: به مردم بگو که لباس دشمنان مرا نخورند و روش زندگیشان مثل دشمنان من

نباشد! که در غیر اینصورت ایشان نیز مانند دشمنان من خواهند بود.» ۳۱۲

«رسول خدا(ص) از عریان بودن، چه در شب و چه در روز، منع کرده اند.» ۳۱۳

«علی(ع): هرگاه شخصی عریان شود، شیطان بسوی او توجه می کند و طمع می کند تا او را به معصیت بیاورد.» ۳۱۴

«اسحاق بن عمار می گوید: به امام هفتم(ع) عرض کردم: آیا اشکالی دارد که شخصی، ده دست لباس داشته باشد؟ آیا این اسراف است؟ فرمود: نه بلکه این باعث

می شود لباسهایش بیشتر عمر کند و لکن اسراف آنست که لباس بیرون را در جای کثیفی بپوشد!» ۳۳۲

«شخصی از امام حسن مجتبی' (ع) پرسید: چرا هنگام اقامه نماز، لباسهای خوب و زیبا می پوشی و از بهترین لباسهای استفاده می نمایی؟

فرمود: خدا زیباست و زیبایی را دوست می دارد و من خود را برای پروردگارم زیبا می کنم. زیرا خدا در قرآن فرموده است:

خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ (اعراف ۳۱) یعنی هنگام رفتن به مسجد، زینتهای خود را بپوشید.» ۴۶۶

«روایت شده که یکی از مسلمانان با لباس نامرتب و ژولیده به محضر پیامبر رفت. حضرت به او فرمود: آیا ثروتمند هستی؟ گفت: آری! خدا هر گونه ثروت بمن داده

است! پیامبر(ص) فرمود: هرگاه پولدار هستی، باید اثر آن در تو دیده شود!» ۴۶۷

«امام صادق(ع) به عبیده بن زیاد فرمود: در نزد خداوند، ظاهر کردن نعمت بهتر از مخفی کردن آنست! لذا تو باید در بهترین لباس طایفه ات ظاهر شوی!

از آن پس عبیده همیشه با زیباترین لباس نزد مردم حاضر می شد.» ۴۶۸

«شخصی از امام صادق(ع) پرسید: در آیه شریفه که می فرماید:

وَمَا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ. (الضحی' ۱۱) نعمت خدایت را آشکار کن!

مراد از ظاهر کردن نعمت چیست؟ فرمود: به این است که لباس تمیز بپوشد، بوی خوش استعمال نماید، خانه‌اش را گچکاری کند و درب خانه‌اش را جاروب نماید.» ۴۶۹

«رسول خدا (ص) خطاب به همسرش فرمود: این دو لباس را بشوی! مگر نمی‌دانی که لباس، هم تسبیح خدا را می‌گوید. ولی هرگاه چرک شد، دیگر تسبیح نمی‌گوید.» ۴۷۰

«امام ششم (ع): خداوند از مؤمن راجع به سه چیز محاسبه نمی‌فرماید: غذائی که می‌خورد، لباسی که می‌پوشد و همسر صالحه‌ای که کمک کار اوست و باعث حفظ او از حرام می‌شود.» ۴۵۱

آداب در دست کردن انگشتر

«امام ششم (ع): هر شخصی که با انگشتر عقیق نماز بخواند، نمازش چهل برابر کسانی است که بدون انگشتر عقیق نماز بخواند.» ۳۲۲

«شخصی خدمت پیامبر آمد و از راهزنانی که در راه به او حمله کرده بودند و اموال او را برده بودند، شکایت کرد! حضرت فرمود: چرا انگشتر عقیق در دست نداشتی که آن، انسان را از هر شرّی نگه می‌دارد.» ۳۲۵

«رسول خدا (ص): انگشتر عقیق داشته باش که عقیق اولین کوهی ست که به یگانگی خدا و نبوّت من و وصایت تو یا علی! اقرار کرده است.» ۳۲۷

«دو رکعت نماز با انگشتر عقیق، بهتر از هزار رکعت نماز بدون آن می‌باشد.» ۳۳۰

آداب مسافرت

«رسول خدا(ص): ای علی! هرگاه خواستی به شهری یا روستائی، وارد شوی، به هنگام ورود بگو: اللَّهُمَّ اِنِّیْ اسئَلُکَ خیرَهَا واعوذُ بِکَ مِنْ شرِّهَا. اللَّهُمَّ حَبِّبْنَا اِلٰی اهلِهَا وَحَبِّبْ صَالِحِیْ اهلِهَا لِنَا! یعنی: ای خدا! از تو خیر این مکان را می خواهم وبتو از شرّ این مکان، پناه می برم. خداوند! مرا محبوب اهل این مکان قرار بده و محبّت افراد صالحش را در دلم جابده!» ۳۳۴

«امام ششم(ع): عده ای به محضر پیامبر آمدند و گفتند: ما عازم مسافرت به شام هستیم. بما سخنی بیاموز! حضرت فرمود: شب هنگام، هر کجا برای استراحت توقف نمودید، وقتی به بستر رفتید، قبل از خواب، تسبیح فاطمه(س) و آیه الكرسی را بخوانید که شمارا از هر چیزی حفظ می کند. آنها رفتند و هنگام خواب دستور حضرت را بکار بستند. در آن حوالی راهزنانی بودند که این عده را زیر نظر گرفته و منتظر بودند که شب بشود و به اینها دستبرد بزنند. وقتی شب شد یکی از راهزنان برای آگاهی از موقعیت مسافرین، به محل استراحت آنان آمد ولی غیر از دیوار بلندی که دور تا دور آن محل را فرا گرفته بود، چیزی ندید! برگشت و این قضیه را به راهزنان خبر داد. راهزنان سخن او را قبول نکرده و گفتند: تو آدم ضعیفی هستی و از ترس این حرف را می زنی! امّا وقتی خود به محل آمدند و آن دیوار بلند را دیدند، بناچار برگشتند.

فردا صبح باز به آن محل رفتند و از دیوار خبری نبود و مسافرین آنجا بودند. راهزنان از مسافرین پرسیدند: شما دیشب کجا بودید؟ گفتند: همین جا! راهزنان گفتند: دیشب ما آمدیم ولی جز دیوار بلندی چیزی ندیدیم! قصه شما چیست؟ آنان گفتند: پیامبر بما سفارش کرده است که شب قبل از خواب، تسبیح فاطمه(س) و آیه الكرسی را بخوانیم و ماهم همینکار را کردیم. راهزنان گفتند: شما آزادید و به هر کجا که می خواهید بروید که بخدا سوگند! ما هرگز شمارا تعقیب نمی کنیم و بدانید که تازمانیکه بدستور پیامبرتان عمل می کنید، هیچ راهزنی نمی تواند بشما آسیب برساند!» ۳۳۶

«روایت شده که در وقت سوار شدن به کشتی این دعا را بخوانند: بِسْمِ اللّٰهِ الْمَلِکِ الْحَقِّ وَما قَدَرُوا اللّٰهَ حَقَّ قَدَرِهِ وَالْاَرْضَ جَمِیعاً قَبْضَتُهُ یَوْمَ الْقِیْلَمَةِ وَالسَّمَاوَاتِ مَطْوِیَّاتٍ بَیْمِنِهِ. سُبْحَانَہُ وَتَعَالٰی عَمَّا یُشْرَکُونَ. بِسْمِ اللّٰهِ مَجْرَاهَا وَمُرْسَاهَا. اِنْ رَبِّیْ لَغَفُوْرٌ رَحِیْمٌ.» ۳۳۷

«امام ششم(ع): کسیکه حاجی را در مراجعت از حج، در حالیکه غبار سفر بر سر و روی اوست، در آغوش بگیرد مثل کسی است که دستش به حجر الاسود رسیده باشد. و هرگاه شخصی از مسافرت برگشت و داخل خانه اش شد، قبل از هر کاری، بر خود آب بریزد و دو رکعت نماز بخواند سپس به سجده رفته و صدبار شکر کند.» ۳۳۹

«رسول خدا(ص): هر که بسفر می رود، در بازگشت برای خانواده اش، هدیه بیاورد اگر چه آن هدیه تکه سنگی باشد!» ۳۴۰

«رسول خدا(ص): اگر در مکانی راه را گم کردید، بطرف راست بروید.» ۳۴۱

«رسول خدا(ص): مسافرت کنید تا سلامت باشید، تلاش کنید تا منفعت یابید و حج کنید تا بی نیاز شوید.» ۴۱۰

«امام ششم(ع): هرگاه خواستی به سفر بروی ابتدا صدقه بده!» ۴۱۲

«رسول خدا(ص) در بدرقه افراد می فرمود: زَوَدَكَ اللَّهُ التَّقْوَى 'وَغَفَرَ ذَنْبَكَ وَلَقَاكَ الْخَيْرَ حَيْثُ كُنْتَ. یعنی: خداوند توشه تو را تقوی قرار دهد و گناهت را بپاورد و هر کجا هستی تو را به خیر بدارد.» ۴۱۳

«ابابصیر می گوید: به امام صادق(ع) گفتم: جایز است انسان با افراد پولداری که خود نمی تواند مثل آنها خرج کند، بسفر برود؟ حضرت فرمود: دوست ندارم که مؤمن خود را کوچک کند! بلکه با هم ترازان خود بسفر برود.» ۴۱۴

«رسول خدا(ص): سردهسته مسافرین خوبست به مسافرین خدمت کند.» ۴۱۶

«امام ششم(ع): مروّت و جوانمردی دو قسم است: یکی در سفر است که شامل بخشش توشه و غذایت به همسفران، شوخی در غیر حرام، عدم مخالفت با همراهان و عدم نقل مسائلی که در طول سفر پیش آمده و مسافرین راضی به نقل آن نیستند!

دوم جوانمردی و مروّت در حضر و شهر و دیار خود است که شامل تلاوت قرآن، حضور در مساجد، مصاحبت با خوبان و کسب علم و دانش است.»

آداب نظافت و بهداشت

«رسول خدا(ص): داخل بهشت نمی شود مگر افراد تمیز و نظیف!» ۴۷۱

«شیخ مفید فرموده است: پوشاندن سر در هنگام قضاء حاجت، از سنّت های رسول خدا(ص) است.» ۳۴۶

«در هنگام ورود به مستراح، سنّت این است که با پای چپ وارد شود و سرش را بپوشاند و خدا را یاد کند.» ۳۴۷

«رسول خدا(ص): ایستاده بول کردن بدون علت، از ستم است و استنجاء(طهارت) با دست راست نیز از ستم است.» ۳۶۸

«امام رضا(ع): رسول خدا(ص) نهی کردند از اینکه انسان در حال قضاء حاجت، جواب کسی را بدهد و یا با کسی صحبت کند.» ۳۶۹

«امام ششم(ع): یکی از علل فشار قبر، بی اهمیتی به نجاست و طهارت است.» ۳۷۰

«علی(ع): نشستن زیاد در مستراح، باعث بواسیر می شود.» ۳۷۱

«قضاء حاجت در راههای عمومی و درب خانه ها و زیر درختان میوه دار، مکروه است. همچنین سخن گفتن و مسواک زدن در این حال، مکروه است.

خوب است بعد از قضاء حاجت بگوید: شکر خدایی را که اذیت را از من دور نمود و غذا را برایم گوارا قرار داد و مرا از بلا، سالم نگه داشت. همچنین وقتی خواست خارج شود با پای راست خارج شده و دست راست بر شکمش گذاشته بگوید: شکر خدایی را که لذتش را بمن شناساند و قوتش را در بدنم قرار داد و بدی را از من خارج کرد!» ۳۷۲

مسواک

«روایت شده که امام رضا(ع) ظرفی داشت که در آن پنج مسواک بود و بر هر کدام، اسم یکی از نمازهای پنجگانه نوشته شده بود که با هر کدام از آنها در همان نمازی که اسم آن نوشته بود، مسواک می زد.» ۳۴۹

«امام رضا(ع): مسواک چشم را جلا می دهد و موها را می رویاند و آب چشم را بر طرف می کند.» ۳۵۰

«رسول خدا(ص): دو رکعت نماز با مسواک، از هفتاد نماز بدون مسواک بالاتر است.» ۳۷۵

«امام ششم(ع): وقتی برای نماز شب بیدار می شوی، مسواک بزن! زیر افرشته ای می آید و دهان خود را بر دهان تو می گذارد و هر چه از قرآن و دعا و ذکر می خوانی، به آسمان می برد. پس باید دهان تو خوشبو باشد.» ۳۷۷

«علی(ع): اگر شخصی قبل از نماز مسواک بزند، در حال نماز فرشته می آید و دهان را بر دهان او می گذارد و آنچه می گوید بخاطر می سپارد. ولی اگر مسواک نزند، در کناری می ایستد و قرائتش را می شنود.» ۳۷۸

«رسول خدا(ص) مشاهده کرد که چند نفر دندان شان زرد است! فرمود: چرا دندان های شما را کثیف می بینم؟ چرا مسواک نمی زنید؟» ۴۷۲

اصلاح موهای بدن!

«علی(ع): ازاله موی زیر بغل، بوی بد را از انسان برطرف می کند و سنتی است که رسول خدا(ص) به آن فرمان داده است.» ۳۴۸

«رسول خدا(ص): آنکه به خدا و قیامت ایمان دارد نباید موهای چهار(عورت) را بیش از چهل روز نسترده بگذارد! و زنی که ایمان دارد نباید بیش از بیست روز آن را نسترده بگذارد.» ۳۵۱

«امام ششم(ع): خداوند به ابراهیم فرمود: خود را پاکیزه نما! او هم شارب(موی سیل) خود را اصلاح کرد. باز به او خطاب شد: پاکیزه شو! او هم موی زیر بغل خود را کوتاه نمود. مجدداً به او خطاب شد: پاکیزه باش! او هم ناخنهای خود را گرفت. باز به او فرمود: پاکیزه شو! او هم موی چهار را ازاله نمود. باز به او امر شد: پاکیزه باش! پس او خود را ختنه کرد.» ۳۵۲

«یکی از اصحاب امام هفتم به حضرت گفت: شیعیان می گویند: کوتاه کردن شارب و ناخن، باید در جمعه باشد! امام فرمود: سبحان الله! تو آنها را کوتاه کن! خواه جمعه باشد و خواه غیر جمعه!» ۳۵۵

«رسول خدا(ص): هر که شارب خود را نچیند از ما نیست!» ۳۵۶

«امام ششم(ع): ریش خود را در مُشت بگیر و اضافه را بچین!» ۳۵۷

«امام ششم(ع): از سعادت مرد، کم پُشت بودن ریش اوست.» ۳۵۸

«رسول خدا(ص) نهی فرمود از اینکه زنها، موی سر خود را مثل مردان، در جلو یا وسط یا اطراف سر، گره بزنند. (جمع کنند.)» ۳۸۱

«امام پنجم (ع): مردی به دیدار پیامبر رفت. برای او از رسول خدا (ص) اجازه گرفتند. حضرت در حالیکه از خانه خارج می شد، ظرف آبی در دست داشت که صورت خود را در آن مشاهده می کرد و مُحاسن خود را منظم می کرد. وقتی برگشت، عایشه گفت: ای رسول خدا! تو سَرور فرزندان آدم هستی! و رسول پروردگار عالمیانی! آنوقت می ایستی و در آینه مُحاسن خود را درست می کنی؟

رسول خدا (ص) فرمود: ای عایشه! خداوند دوست دارد که مؤمن وقتی به دیدار مؤمنی دیگر می رود، خود را زیبا و مرتب سازد.» ۴۵۲

حمام

«روایت شده که امام باقر (ع) و امام صادق (ع) هرگاه از حمام بیرون می آمدند، سروگردن خود را می پوشیدند، خواه تابستان بود و خواه زمستان. و می فرمودند: پوشاندن سر و گردن، باعث حفظ از سرما خوردگی می شود.»
«امام ششم (ع): حمام یکروز در میان، گوشت بدن را زیاد می کند.» ۳۶۷

آداب میهمانی

«رسول خدا (ص) از میهمانی که مخصوص ثروتمندان باشد و فقرا را به آنجا دعوت نکنند، نهی فرمود.» ۳۸۲
«رسول خدا (ص): حدّ میهمانی سه روز است و بعد از سه روز، تصدّق و احسان است که نسبت به مهمان می شود!» ۳۸۳
«رسول خدا (ص): آنقدر نزد صاحبخانه، میهمان نشوید که او را درهم شکنید! که دیگر چیزی نداشته باشد خرج کند.» ۳۸۴
«امام پنجم (ع): اینکه مهمان در منزل صاحبخانه، کار کند، خلاف ادبست! و چون مهمان وارد می شود، در وارد شدن او را کمک کنید. ولی وقتی می خواهد برود، او را در رفتن کمک نکنید! و غذایی مناسب او مهیا کنید که نشانه جوانمردی است.» ۳۸۵

«علی(ع): هر مؤمنی که وقتی صدای مهمان را بشنود، خوشحال شود، گناهانش آمرزیده شود اگر چه گناهانش بین آسمان و زمین راپر کرده باشد!» ۳۸۶

«رسول خدا(ص): هر خانه‌ای که مهمان به آنجا داخل نمی‌شود، ملائکه نیز به آنجا نمی‌روند.» ۳۸۷

«روایت شده که سزاوار نیست صاحبخانه روزه بگیرد مگر با اطلاع مهمان! مبادا مهمان بخاطر روزه او شرم کند و غذا نخورد. همچنین سزاوار نیست که مهمان بدون اطلاع صاحبخانه روزه بگیرد، مبادا میزبان غذا تهیه کند و ضایع شود!» ۳۸۸

«امام پنجم(ع): وقتی جایی مهمان شدید، هر کجا صاحبخانه گفت، بنشینید! زیرا صاحبخانه از داخل خانه‌اش بیشتر از شما اطلاع دارد!» ۳۸۹

«رسول خدا(ص): از جمله حقوق مهمان بر میزبان آنست که تا حریم خانه‌ات او را بدرقه نمائی!» ۳۹۰

«امام رضا(ع): شخصی علی(ع) را دعوت نمود. حضرت فرمود: به سه شرط می‌پذیرم! گفت: آنها کدامند؟ فرمود: از خارج از خانه چیزی تهیه نکنی! هر چه در خانه داشتی - از مواد غذایی - بیاوری! همسرت را به زحمت نیاندازی! آن شخص قبول کرد و علی(ع) نیز دعوت او را اجابت فرمود.» ۳۹۱

«عده‌ای مهمان امام صادق(ع) شدند. حضرت از آنها خوب پذیرائی نمود و موقعی که می‌خواستند بروند، امام برای آنها توشه سفر تهیه دید. ولی وقت خارج شدن آنها، به غلامانش فرمود: موقع رفتن در بردن بارهایشان کمک نکنید! آنها در هنگام خدا حافظی به امام گفتند: یا بن رسول الله! تو خوب از ما پذیرائی نمودی و اموالی بما بخشیدی! ولی چرا به غلامانت دستور دادی که در بردن بارها مارا کمک نکنند؟ امام فرمود: ما خاندانی هستیم که به رفتن مهمان کمک نمی‌کنیم.» ۳۹۲

«امام ششم(ع): هلاک است میزبانی که غذایی را که برای مهمان می‌برد کوچک بشمارد! و هلاک است مهمانی که غذای میزبان را حقیر بداند!» ۳۹۳

«علی(ع): هر مؤمنی که مهمان دوست باشد، وقتی از قبر محشور می‌شود، صورتش مانند ماه شب چهارده می‌باشد. در این حال مردم می‌گویند: این شخص حتماً پیامبر است! فرشته‌ای جواب می‌دهد: این مؤمنی است که مهمان دوست بوده و مهمان را عزیز می‌شمرد است. این مؤمن را فقط به بهشت می‌برند.» ۳۹۹

«رسول خدا(ص): هرگاه خداوند برای عده‌ای خیر بخواهد، به آنان هدیه‌ای می‌دهد. سؤال کردند: این هدیه چیست؟ فرمود: مهمان! که با خود رزقش را می‌آورد و هنگام رفتن، گناهان اهل خانه را با خود می‌برد!» ۴۰۰

«رسول خدا(ص): هرگاه شخصی به محلی وارد شد، مهمان مؤمنین آنجاست و باید تا زمانی که آنجا است، او را ضیافت نمایند.» ۴۰۱

«رسول خدا(ص): ای علی! هشت عده هستند که اگر مورد اهانت واقع شوند، باید فقط خود را سرزنش کنند: ۱- کسیکه بر سر سفره‌ای که او را دعوت نکرده‌اند بنشیند! ۲- مهمانی که به صاحبخانه دستور می‌دهد! ۳- کسیکه از دشمنش تقاضای کار خوب و خیر بکند! ۴- کسیکه از آدم لثیم انتظار بخشش داشته باشد. ۵- کسیکه در صحبت درگوشی دوفرد، دخالت کند! ۶- کسیکه فرمانروا را تحقیر نماید! ۷- کسیکه در محلی که جای او نیست، بنشیند! ۸- کسیکه با مخاطب خود که به او گوش نمی‌دهد، صحبت نماید!» ۴۰۲

«اسحاق بن عمار می‌گوید: به امام صادق(ع) عرض کردم: اشکالی دارد که میزبان به احترام مهمان بایستد؟ فرمود: خوب نیست! مگر اینکه مهمان دارای مقام بلندی در دین باشد.» ۴۰۳

«روایت شده که شخصی مهمان امام رضا(ع) شد. در این حال شعله چراغ کم شد. مهمان دست دراز کرد تا شعله را درست کند، اما حضرت مانع شد و فرمود: ما اهل بیتی هستیم که نمی‌گذاریم مهمان کار کند.»

«روایت شده که رسول خدا(ص) شنید: مردی از مسلمانان، هیچگاه مهمان به خانه‌اش نرفته است! روزی او را دید و علت این مطلب را پرسد. عرض کرد: زنی دارم که از مهمان بدش می‌آید و اگر روزی مهمانی بخانه ببرم، تا یکسال با من دعوا می‌کند! رسول خدا(ص) فرمود: من امشب به خانه ات می‌آیم! به زنت بگو وقتی من وارد می‌شوم، به درب حیاط نگاه کند و هنگامیکه خارج می‌شوم نیز رفتن مرا تماشا نماید.»

آن مرد بمنزل رفت و مطالب پیامبر را به همسرش گفت و آمدن حضرت را خبر داد. اما زن گفت: بمن مربوط نیست و من غذائی آماده نمی‌کنم! آن مرد خود غذا آماده نمود و رسول خدا مهمان او شد و پس از صرف غذا خدا حافظی نمود و رفت. در این موقع زن نزد شوهرش آمد و گفت: حتماً تو شکایت مرا به پیامبر نموده‌ای؟ زیرا دیدم پیامبر غذای خودش را با خود آورد و موقع رفتن، ماران و عقربان با خارج شدند! مرد اظهار بی‌اطلاعی کرد و هردو برای یافتن این سرّ نزد پیامبر رفتند. رسول خدا(ص) فرمود: مگر نمی‌دانید که وقتی مهمان وارد می‌شود، رزق خود را همراه می‌آورد و هنگامیکه می‌رود، گناهان و بیدیه‌های آن خانه را با خود می‌برد! آن زن از این مطلب تعجب نمود و دوستدار مهمان شد و از آن ببعد مهمان را اکرام می‌نمود.»

«عبدالرحمن الحجاج می‌گوید: خدمت امام صادق(ع) مهمان بودیم. برای ما برنج آوردند ولی ما کم خوردیم! امام فرمود: بخورید! زیرا کسی ما را بیشتر دوست دارد، که نزد ما خوب غذا بخورد! ماهم شروع به غذا خوردن مجدد کردیم. امام فرمود: الان حق دوستی را بجا آوردید.» ۴۰۷

«امام ششم(ع): افطار کردن در خانهٔ برادر مؤمن، هفتاد برابر از روزهٔ تو بهتر است.» ۴۰۸

«امام ششم(ع): اگر شخصی هزار درهم برای غذایی مصرف کند که فقط یک نفر مؤمن از آن بخورد، اسراف نیست!» ۴۰۹

«امام ششم(ع): اگر پنج درهم بردارم و به بازار بروم و غذایی تهیه کنم و چند نفر از مسلمانان را مهمان کنم، در نزد من آزاد کردن غلامی بهتر است.» ۴۸۳

آداب معاشرت

«رسول خدا(ص): با هم دست بدهید که کینه‌ها را از دل می‌برد.» ۴۲۳

«شایسته نیست بوسیدن دست کسی مگر بوسیدن دست نبی یا وصی نبی!» ۴۲۴

«امام هفتم(ع): در هنگام ملاقات با برادران دینی، صورت او را ببوسید ولی هنگام ملاقات با امام، میان دو چشمش را ببوسید.» ۴۲۵

«امام ششم(ع): بوسیدن دهان خوب نیست مگر دهان زن و فرزند خود!» ۴۲۶

«از امام رضا(ع) سؤال شد: انسان چه نیکی را از دیگری رد نکند؟ فرمود: اگر جائی برای نشستن تعارف کردند یا بوی خوش (عطر) برای استفادهٔ او آوردند یا بالش

برای تکیه‌اش گذاشتند و امثال اینها!» ۴۲۷

«امام ششم(ع): هر که مؤمنی را اکرام کند، گویا خدا را اکرام کرده است.» ۴۲۸

«رسول خدا(ص): هر که به عده‌ای از مسلمانان خدمت کند، خداوند در بهشت به عدد آنها به او خدمتکار عطا فرماید.» ۴۲۹

«امام پنجم(ع): با کسی معاشرت کن که تو را می‌گریاند و خیر خواه توست! و با کسی که تو را می‌خنداند و فریب می‌دهد، معاشرت منما!» ۴۳۰

«امام هفتم(ع): از مواضع تهمت و شک پرهیزید و حتی 'در کوچه با مادر خود نایستید! زیرا همه نمی‌دانند که این زن مادر توست!» ۴۳۱

«علی(ع): بدترین رفیق کسی است که معصیت خدا را در نظرتو، خوب جلوه دهد!» ۴۳۲

«رسول خدا(ص): چهار چیز دل را می میراند! گناه بعد از گناه، صحبت زیاد با زنان، مجادله با احمق بطوریکه تو حرفی بزنی و او هم حرفی بزند ولی حرف حق را قبول نکند و همنشینی با مردگان! پرسیدند: یا رسول الله! مردگان کیستند؟ فرمود: هر ثروتمندی که خدا را فراموش کرده باشد!» ۴۳۳

«علی(ع): به مجالسی بروید که در آنجا ذکر خدا می شود.» ۴۳۴

«سلمان فارسی می گوید: خدمت رسول خدا(ص) رفتم. حضرت بر بالش تکیه کرده بود. وقتی من وارد شدم، آن بالش را بمن داد و فرمود: ای سلمان! اگر مسلمانی نزد مسلمان دیگر رود و او به احترام تازه وارد، بالشی بر پشتش بگذارد، خدا او را بیامرزد.» ۴۳۵

«امام ششم(ع): هدیه بدهید تا دوستی ایجاد گردد. زیرا هدیه کینه هارامی برد.» ۴۳۷

«رسول خدا(ص): از علامت احترام گذاشتن به مسلمان آن است که هدیه او را قبول کند و یا به او هدیه دهد.» ۴۳۸

۱۳- رعایت پوشش کامل در موقع عمل زناشویی

«مشاهده عمل زناشویی والدین، پوشش نامناسب محارم و... از عوامل انحراف فرزندان است.»

«جوان ۲۷ ساله ای که پس از سرقت جواهرات و ربودن دختر چهارده دختر خردسال و تجاوز به برخی از آنان دستگیر شده بود، پس از محاکمه در دادگاه ۱۴۲ کیفری یک تهران، به دو بار اعدام و سه سال زندان و تعزیر و پرداخت مهرالمثل محکوم شد.

بر اساس تحقیقات بازپرس، این جوان دارای انحرافات اخلاقی بوده و بر اساس اعترافات خودش، در گذشته، وی بارها مورد سوءاستفاده افراد قرار گرفته است.

به گزارش خبرنگار قضایی، دستگیری متهم به دنبال اعلام شکایت بستگان یک دختر هشت ساله به مأموران حوزه انتظامی ۲۸ تهران صورت گرفت. با طرح این موضوع، پرونده ای در دادسرا تشکیل شد و بازپرس دستور داد در این باره بیشتر تحقیق شود.

مأموران با کمک دختر بچه به محل رفتند و پس از چند روز پیگیری، خانه «مصطفی» را شناسایی و او را دستگیر کردند. متهم در بازجویی به ربودن چهارده دختر بچه و سرقت طلاهای کودکان معصوم و تجاوز به برخی از آنان اعتراف کرد.

این جوان منحرف، در بیان علل انحراف اخلاقی خویش گفت: در خانواده من مسائل زیادی وجود داشت، به طوری که من ارتباطهای آمیزشهای و روابط جنسی پدر و مادرم را مشاهده می کردم و آنها ابایی از این موضوع نداشتند! پدر و مادرم، بعضی وقتها بدون لباس در برابر من ظاهر می شدند و این مسائل مرا تحریک می کرد و به انحراف اخلاقی سوق می داد...

طبق نظر صریح کارشناسان روانشناسی کودک، تماشای صحنه های مهیج جنسی، چه در خانواده و چه در فیلمهای سینمایی و... مانند دادن چلو کباب به یک نوزاد است، چرا که با این تحریکات، کودک در معرض بلوغ زود رس قرار می گیرد و حساسیت و کنجکاوی او را به روابط بزرگترها بویژه پدر و مادر بر می انگیزد. و از این جاست که زمینه های انحراف اخلاقی کودکان و نوجوانان آغاز می گردد.

۱۴- شرکت در نماز جمعه و جماعت و مراسمات دینی به همراه فرزندان

پدرانی که خود در مجالس معنوی شرکت می کنند و فرزندان خود را نیز به همراه می برد، می توانند امیدوار باشند که آینده فرزندان، از نظر دوری از انحرافات اخلاقی، آینده سالمی خواهد بود. ولی پدرانی که خود هیچگاه پا به مسجد و عبادتگاه الهی نگذاشته اند و غرورشان اجازه نمی دهد که در مقابل پروردگارشان سجده نمایند، چگونه امید دارند که فرزندان خوبی و سالمی تربیت کنند؟ مسجد محلی است که در آن انسانهای والا تربیت می شود.

مسجد سنگر اسلام است. مسجد محل ملاقات مؤمنین و وحدت و صمیمیت آنان است. اگرچه گاهی افراد منافق هم در مسجد پیدامی شوند یا افرادی که از شرکت در مسجد مقاصد شومی را در ذهن دارند ولی اکثر نمازگزاران کسانی هستند که بدون قصد دنیایی و فقط برای اطاعت از خدایشان در مسجد و مراسمات مذهبی حضور پیدامی کنند و خداوند هم طبق وعده هایی که داده است در دنیا و آخرت از آنان حمایت می کند:

«ان الله يدافع عن الذين آمنوا» حج ۳۹

خداوند از مؤمنین دفاع خواهد کرد.

فصل چهارم:

وظایف شوهر نمونه

شوهر با داشتن بار مسئولیت سرپرستی خانواده، در عین حال شریک و یاور همسرش نیز می‌باشد. لذا باید برای تداوم و استحکام خانواده خود به مسئولیتهای زیر عمل کند.

۱- تهیه نیازهای روزانه غذایی و پوشاکی و مسکن همسر

۲- خوش اخلاقی با همسر.

چونکه پیوند شد، به نازش دار بر سر خانه سرفرازش دار

تو در آیی ز در سلامش کن او در آید، تو احترامش کن

هر زمانش به دلنوازی کوش وقت خلوت به لطف و بازی کوش

صاحب رخت و چیز دار او را پیش مردم عزیز دار او را

از سخنهاى خوب و گفتن خوش به نماز و به طاعتش در کش «او حدی مراغه‌ای»

عاقبت بد اخلاقی با همسر

سعد بن معاذ، از فرماندهان سپاه اسلام، بشهادت رسید. رسول خدا (ص) تشییع با شکوهی از او بعمل آورد و خود شخصا او را دفن نمود.

بعد از دفن، مادر سعد خطاب به قبر گفت: ای سعد! بهشت بر تو گوارا

باد! رسول خدا(ص) فرمود: این را نگوا! گفت: چرا؟ فرمود: او الان فشار قبر سختی دید! سؤال کردند: برای چه؟ فرمود: او با خانواده خود بد اخلاقی می کرده است!

«پیامبر(ص): بهترین مردان امت من کسانی هستند که به اهل خانه خودستم نمی کنند و بر آنها رحم آورند و به آنها ظلم ننمایند»

۳- اشتباهات همسر را نادیده بگیرد.

«اسحاق بن عمار از امام ششم(ع) پرسید: حق زن بر شوهر چیست؟

امام فرمود: مرد باید شکم همسرش را سیر کند. بدنش را پیوشاند. اگر نادانی کرد از او بگذرد. ابراهیم خلیل از تند خوئی ساره به خداوند شکایت کرد! خدا به او وحی کرد: زن همانند استخوان دنده است! اگر بخواهی راستش بگویی، می شکند و اگر با او همچنان مدارا کنی، از او بهره مند می شوی!»

۴- شبها وی را رها نکند

۵- حداقل چهار ماه یکبار زن حق همبستری دارد. به این حق عمل کند

۶- قسمتی از شبانه روز را به همسرش اختصاص بدهد.

«رسول خدا(ص): مردی که کنار همسرش بنشیند، در نزد من از اعتکاف در مسجدم بالاتر است.»

۷- مطیع زنش نباشد و بر حضور زن در بازارها و پاساژها نیز حساس باشد.

«علی(ع) خطاب به اهل بصره! آیا حیا ندارید؟ آیا غیرت ندارید در حالیکه زنانتان به بازارها رفته و جوانان خوش قیافه

مزاحم آنان می شوند؟»

«علی (ع): کسیکه از زنش اطاعت کند، خداوند او را با صورت در آتش بیاندازد! گفته شد: در چه چیزی اطاعت کند؟ فرمود: زن از شوهرش اجازه می خواهد که به حمام - عمومی - و عروسی و مجالس عزا برود و یا لباس نازک داشته باشد و شوهر به او اجازه می دهد!»

سفارشات اسلام درباره زنان

اول: «عاشروهن بالمعروف» «نساء ۱۹» یعنی با خوبی با زنان معاشرت کنید.

مطلب فوق شامل مشارکت مرد با همسرش در خدمات خانه و استحباب وسعت در خردنی و آشامیدن و مسکن و لباس و دادن هدایای خوب در برگشت از سفر و در اعیاد و گذشت از خطاهایش و اینکه مرد هم بالباس خوب و بوی خوش با همسرش روبرو شود و عدالت در بین زنان اگر چند همسری باشد و... می شود.

دوم: «ولا تُضاروهن تُضيقوا عليهن» «طلاق، ۶» و «ولا تعضلوهن لتذهبوا ببعض ما آتیتموهن» «نساء ۱۶» یعنی برای اینکه مجبور شوند از حق خود دست بردارند به زنها سخت گیری نکنید و اذیت نرسانید.

از امام صادق (ع) روایت شده که علت نزول آیه فوق آن بود که گاهی مردی عیال خود را می زد تا زن همه حقوق خود را اعم از مهریه و مخارج عده و غیره را حلال کند.

سوم: «فان ارضعن لكم فآتوهن أجورهن» «طلاق ۶» یعنی هرگاه زنان شما بچه های شما را شیر می دهند، می توانند از شوهر مزد بخواهند.

چهارم: اسلام سفارش کرده که برای حضانت و نگهداری اولاد مادران سزاوارترند و زن می تواند دختر را تا هفت سالگی و پسر را تا دو سالگی خود بزرگ نماید.

پنجم: «وآتیتم احداهن قنطاراً فلا تأخذوا منه شيئاً» «نساء ۲۰» یعنی مهر زن را باید مرد بدهد حتی اگر مهریه پوست گاوی پر از سکه طلا باشد!

ششم: «فما استمتعتم به منهن فآتوهن أجورهن» «نساء ۲۵» یعنی باید مرد، نفقه همسرش را بدهد.

هفتم: «وان خفتم شقاق بینهما فابعثوا حکماً من اهلہ و حکماً من اهلہان یریدا اصلاحاً یوفق اللہ بینهما» (نساء ۳۵) بنی در صورت بروز اختلاف بین زن و مرد باید یک نفر از فامیل مرد و یک نفر از فامیل زن، جلسه بگیرند و اختلاف بین این دو را حل کنند.

هشتم: «فامساک بمعروف او تسریح باحسان» (بقره ۲۲۹) یعنی با زنان خوش رفتاری بنمائید و از آنها نگه داری کنید و اگر می خواهید طلاق بدهید به آنها ظلم نکرده و حق آنها را بدهید.

نهم: «واللاتی تخافون نُشوزهن فعظوهن واهجروهن فی المضاجع واضربوهن فان اطعنکم فلا تبغوا علیهن سیلاً» (نساء ۳۴) یعنی اگر زنان از شوهر اطاعت نکردند و ناشزه شدند، آنها را نصیحت کنید و اگر باز هم تمکین نکرد، در رختخواب به او پشت کنید و اگر باز هم عصیان نمود، آنها را (با چوب مسواک) بزنید!

دهم: «علی (ع): زن ریحانه است نه قهرمانه! پس با او در هر حالی مدارانما و مصاحب خوبی با او باش تا زندگیت صفایابد.»

یعنی باید با زن با کمال احترام و احترام رفتار کرد و بوئیدانه آنکه در زیر دست و پا نرم کرد و کوبید!

یازدهم: طبق روایتی از رسول خدا (ص) به زنان اجازه داده شده که اگر شویش به او نفقه نداد، بدون اجازه او باندازه مخارج از اموالش بردارد.

دوازدهم: جهاد را از زنان برداشته و بجایش آنها را به حجاب، نقاب، ستر و عفاف و حمل و رضاع، تمشیت و تدبیر منزل فرمان داده است. که رسول خدا (ص) فرمود: جهاد زن خوب شوهرداری کردن است.

سیزدهم: در احکام نسبت به زنان تسهیلاتی در نظر گرفته که در هیچ دینی این چنین نیست. از جمله قبول توبه زن مرتد، تسهیل در تطهیر بول کودک در حال شیرخوارگی، اجازه خوردن روزه در رمضان نسبت به زن حامله یا شیردهنده، اینکه مسجد زن خانه اش است، نفقه فرزندان بر مرد است نه زن و...

چهاردهم: زن باتقوا و مؤمنه و صالحه بر مردان بی تقوا برتری دارد.

پانزدهم: سفارش به اینکه دختر را به هم شانش شوهر بدهید و به آدم فاسق و بی نماز و بی دین شوهر ندهند که پیامبر فرمود: کسیکه دخترش را به شرابخوار شوهر بدهد، گویا او را به زنا و ادار کرده است. «»

۸- به زنش فخرفروشی نکند.

«ان الله لا يحب كل مختال فخور» لقمان ۱۸

خداوند هر متکبر فخر کننده را دوست ندارد.

مسئله فخرفروشی زن و مرد نسبت به هم از معضلات بعضی از خانواده‌ها می‌باشد. مثلاً مرد مدرک دانشگاهی دارد یا ثروت زیادی دارد یا اینکه امتیاز اجتماعی دیگری دارد و مرتب این امتیازات را به رخ زن می‌کشد همچنین اگر زن فخرفروشی کند چنانچه در یکی از پرونده‌ها که زن لیسانس و مرد پنجم ابتدایی بود، زن در مسئله‌ای به شوهرش گفت: تو که باندازه پنجم ابتدایی بیشتر نمی‌فهمی چه می‌گوئی؟ و این فخرفروشی‌ها مقدمات اختلاف بین زن و شوهر است.

فصل پنجم:

فرزند/ان نمونه

فرزندانی که با والدین خود زندگی می‌کنند باید دارای ویژگیهای زیر باشند تا بتوانند به مسئولیتهای خود عمل نمایند:

۱- تکریم و احترام پدر و مادر

پدر و مادر علّت ظاهری دنیا آمدن هر انسانی هستند لذا خداوند که علت اصلی وجود هر شخصی است، فرموده است که:

«واذ بنی اسرائیل پیمان گرفتیم که فقط الله را پرستند و به والدین نیکی کنند» بقره ۸۳

«بگو اتفاق آن است که صرف پدر و مادر و فامیل‌های انسان شود.» بقره ۲۱۵

«خدارا عبادت کنید و برایش شریک نگیرید و به والدین نیکی کنید» نساء ۳۶

«نباید برای خدا شریک بگیرید و باید به پدر و مادر نیکی کنید» انعام ۱۵۱

«ابراهیم گفت: خدای ما! مرا و پدر و مادرم و مؤمنین را بیا مرز» ابراهیم ۴۱

«خدا دستور داد که او را به یگانگی پرستید و به پدر و مادر نیکی نمائید.» اسراء ۲۳

«خدا در مورد یحیی فرمود: او به پدر و مادرش نیکی می کرد» مریم ۱۴

«عیسی گفت: من به مادرم نیکی می کنم» مریم ۳۲

«ما به انسان وصیت کردیم که به پدر و مادرش نیکی بکند» عنکبوت ۸

«و آدمی را درباره پدر و مادرش سفارش کردیم- مادرش او را در ناتوانی حمل کرد و دو سال او را شیر داد- که مرا و پدر و مادرت را شکر نما» لقمان ۱۴

«نوح گفت: خدایا! مرا و پدر و مادرم و هر مؤمنی که به خانه ام می آید را بیا مرز» نوح ۲۸

که خداوند در بعضی از این آیات بعد از توحید، احترام به پدر و مادر را ذکر فرمود.

نیکی به پدر و مادر آثار سازنده ای در جامعه دارد. از جمله این آثار میتوان به مستحکم شدن کانون خانواده ها و در نتیجه به استحکام جامعه منجر می شود، اشاره کرد.

از نظر روانی نیز فرزندان این خانواده ها در سلامت و آرامش خوبی هستند.

همچنین نیکی فرزندان به والدین باعث نیکی فرزندانشان به آنها می شود.

«پیامبر (ص): به والدین خود احترام بگذارید تا فرزندان شما هم بشما احترام بگذارند»

رضایت والدین از فرزندان مؤمن باعث رضایت خدا می شود. و از جمله دعا های مستجاب، دعای پدر برای فرزند صالح است.

با دعای پدر، علامه شد!

«پدر علاّمه مجلسی بنام حجّه الاسلام محمدتقی مجلسی شبی در سحر مشغول مناجات بود. ناگاه احساس کرد که در این حالت دعایش مستجاب است. بفکر فرو رفت تا چه دعائی بکند. در این حال گریه پسرش محمدباقر بلند شد. پدر دعا کرد که خدایا! پسر مرا فقیه قرار بده!

این پسر بزرگ شد و از فقهای بزرگ اسلام گردید.»

نگاه با محبت به والدین نیز علاوه بر آثار مثبت دنیوی، ثواب اخروی نیز دارد. حتی برای هربار نگاه با محبت به والدین اگرچه بارها تکرار شود ثواب یک حج مستحبی نوشته می شود.

کسیکه گناہانی مرتکب شود چنانچه پشیمان شده باشد، بهتر است برای مقبول شدن توبه خود، به والدین خود محبت نماید.

همچنین نیکی به والدین باعث تقرب الی الله می گردد.

نیکی به مادر او را هم ردیف موسی(ع) کرد.

روزی موسی(ع) از خدا خواست که همنشین او را در بهشت به او نشان دهد.

خدا به او وحی کرد که همنشین تو در بهشت فلان مرد قصاب است • حضرت موسی(ع) سراغ قصاب مذکور رفت و به او گفت که آیا مهمان نمی خواهی؟ قصاب جواب داد چرا می خواهم. او حضرت موسی(ع) را بخانه خود برد • حضرت موسی(ع) که او را زیر نظر داشت دید که ابتدا از زنبیلی پایین آورد که در آن پیرزنی فرتوت بود • جوان دست و صورت پیرزن را شست و به او غذا داد. بعد دوباره او را در زنبیل گذاشته و در حالیکه لبهای پیرزن حرکت می کرد، زنبیل را به سقف آویزان کرد. سپس قصاب برای موسی(ع) غذا آورد. بعد از صرف غذا، موسی(ع) از قصاب پرسید: این پیرزن کیست؟

گفت: مادرم است که چون خدمتکاری ندارم، خودم او را ترو خشک می کنم. موسی(ع) پرسید: وقتی می خواستی مادرت را در زنبیل بگذاری او چه گفت؟

گفت: هرگاه او را ترو خشک می کنم در حق من دعا می کند و می گوید: خداتورا با موسی در بهشت همنشین کند.

بزرگان دین به کسانی که نسبت به والدین خود احترام می گذاشتند، با احترام برخورد می نمودند و نسبت به کسانی که به والدین خود جفا می نمودند، با خشم و یا بی اعتنائی برخورد می کردند.

«وقتی خواهر رضاعی پیامبر به دیدن حضرت آمد، پیامبر برای او احترام فوق العاده ای گذاشتند ولی وقتی برادر رضاعی پیامبر آمد حضرت مانند خواهرش به او احترام نکردند. اصحاب علت را پرسیدند. حضرت فرمود علت بیشتر احترام کردن من به خواهر رضاعیم این است که او به پدر و مادرش زیاده‌تر نیکی می‌کند.»

محبت باعث مسلمان شدن

«زکریا که مسیحی بود، مسلمان و شیعه شد. امام صادق (ع) به او سفارش کرد که اگرچه پدر و مادرش مسیحی هستند ولی احترام به آنها را ترک نکن! وقتی زکریا بیشتر از قبل به پدر و مادرش نیکی می‌کرد، مادرش از این برخورد او خوشحال شد و تمایل پیدا کرد که او هم مسلمان شود. او از پسرش خواست که شهادتین را به او یاد دهد تا او هم اسلام بیاورد. و این چنین بود که با برخورد اسلامی، مادر زکریا اسلام آورد.»

مادر بردوش!

«گویند شخصی مادر خود را بر دوش گرفته بود و او را طواف کعبه می‌داد. سپس خدمت پیامبر آمد و گفت: آیا حق او را ادا کردم؟ حضرت فرمود: هرگز! و این محبت تو، حتی در برابر یک ناله او در هنگام وضع حمل نخواهد بود.»

امام حسین (ع) به جوان تبسم نمود!

«یکی از علماء وقتی در کربلا بود و به حرم رفت و آمد می‌کرد، متوجه شد که جوانی با حضرت امام حسین (ع) ارتباط معنوی دارد. از او جریان را پرسید. جوان گفت خانه ما در چند فرسخی کربلا است. مدتی بود که هر شب جمعه بنوبت پدر و مادرم را به کربلا برای زیارت می‌آوردم. شب جمعه ای باران می‌آمد و بنا بود که پدرم را سوار الاغ کرده و به کربلا بیاورم. همینکه عازم شدیم، مادرم از من خواست که او را هم بیاوریم. با اصرار مادرم، او را را بر کولم سوار کردم و با پدرم هم سوار الاغ بود، در زیر باران با زحمات زیادی به حرم مشرف شدیم. وقتی وارد صحن حضرت شدیم، دیدم که امام (ع) در ضریح ایستاده و بمن تبسم می‌کند. و این حالت هر شب جمعه تکرار می‌شود.»

از طرفی اذیت رساندن و حتی نگاه با خشم به پدر و مادر نمودن باعث خشم خداوند می‌شود. در روایت است که اگر با عصبانیت به والدین نگاه کنید حتی اگر آنها به او ظلم کرده باشند، باعث عدم قبولی نماز می‌شود.

«ابامهزم گوید که: شبی از حضرت باقر(ع) خدا حافظی کردم و بامادرم به منزلمان می رفتیم. در راه با مادرم دعوا مان شد و من به او تندی کردم. وقتی فردا خدمت امام رفتم ناگاه فرمود: ای ابامهزم! دیشب بین تو و مادرت چه گذشت؟ آیا او تو را در شکمش حمل نمود و از سینه اش تو را شیرداد و تو را درد امنش بزرگ نمود؟ دیگر این عمل را تکرار نکن.»

گاهی مجازات اذیت کردن والدین در همین دنیا ظاهر میشود.

جوان با نفرین پدرش شد!

روزی علی(ع) در حال طواف بود که صدای التجاء و مناجات و التماس جوانی را شنید. امام از او درباره گرفتاریش سؤال کرد. او گفت: من سالم بودم ولی آنقدر پدرم را اذیت نمودم که او مرا نفرین کرد و من فلج شدم. پدرم تصمیم داشت تا روزی به کنار کعبه بیاید، و برای شفایم دعا کند ولی قبل از این کار، از دنیا رفت. حال من مانده ام این پاهای شل!

امام به او دعای مشلول را یاد دادند که آنرا بخواند. او این دعا را خواند و پیامبر را در خواب دید که حضرت دستی بر پاهای او کشید و او شفایافت. «امام چهارم دیدند که نوجوانی بنحوی ادبانه ای به پدرش تکیه کرده است. بعد از این امام هیچگاه با آن جوان صحبت نکردند تا جوان از دنیا رفت.»

مرحوم کافی و پدر

«مرحوم کافی می گفتند: هرگاه پدرم که یک نفر کاسب ساده ای است، به تهران می آید یا من به مشهد می روم، در جلوزن و بچه و برادر و خواهر خم می شوم و مکرر دست پدرم را می بوسم.»

جوان زبانش لال شد!

«روزی پیامبر بر بالین جوانی که در حال احتضار بود، حاضر شد. وقتی شهادتین را به او تلقین نمود، جوان نتوانست زبانش را به شهادتین باز کند و گویا لال شده بود. حضرت، مادرش را خواستند. و از مادرش پرسیدند که آیا از پسر ت راضی هستی؟ زن گفت: یا رسول الله! چهار سال است که باو حرف نزده ام! پیامبر از او خواستند که از فرزندش راضی شود. او هم راضی شد و جوان زبانش باز گردید و شهادتین را جاری کرد و از دنیا رفت»

عاق والدین

«پیامبر(ص): بوی بهشت از مسیر پانصدسال راه بمشام می رسد ولی بمشام عاق والدین نمی رسد.»

قصری که ویران گردید!

«ملا علی کازرونی شبی در خواب دید که قصری با عظمت در باغی

قرار دارد. از صاحب قصر سؤال کرد. گفتند: مال فلان نجار شیرازی است. ناگاه صاعقه ای آمد و قصر را تبدیل به خاکستر کرد.

روز بعد ملا علی کازرونی سراغ نجار رفت و گفت: دیشب چه کار کردی؟ گفت: هیچ! ملاّ او را قسم داد. نجار گفت: شب قبل با مادرم دعوا کردم و کار به زدن و کتک کاری کشید.»

سفر غیر ضروری فرزندان با مخالفت پدر یا مادر ممنوع بوده و سفر معصیت حساب می شود.

همچنین با پدر و مادر بلند صحبت کردن بی ادبانه، جلوتر از آنان راه رفتن، به آنها اُف گفتن، آنها را تحقیر کردن و.. در اسلام ممنوع است.

«روزی یکی از وزرا با پدرش خدمت امام خمینی(رض) رسید و خود جلوتر رفت و دست امام را بوسید سپس پدرش را معرفی کرد. امام امت به او فرمود: چرا جلوتر از پدرت راه رفتی؟»

«فرزندان باید کمک کار پدر و مادر در امور مختلف خانواده باشند.»

توفیق اجباری در نیکی به والدین

«عبید زاکانی از شعرای ایران، چهار پسر داشت که به او که وضع نابسامان مالی داشت، کمک نمی کردند. روزی عبید تصمیمی گرفت و پسرانش را جداگانه خواست و به هر کدام گفت: من خمره طلائی پنهان کرده ام که در نظر دارم بعد از مرگم بتو برسد! پسرها با شنیدن این سخن، رفتارشان با پدر عوض شد و همه روزه برای او آذوقه می آوردند.

عبید تا آخر عمر زندگی خوشی داشت. اما وقتی بعد از مردن عبید به محل خمره رفتند، دیدند که فقط کاغذی در خمره است که بر روی آن نوشته شده است:

خدا داند و من دانم و تو دانی که فلوس هیچ ندارد عبید زاکانی! از نظر اسلام چنانچه والدین نیازمند و فرزندان متمکن باشند، واجب است که مخارج پدر و مادرشان را بدهند.

حقوق والدین بر فرزندان فقط مربوط به زمان حیات آنان نمی شود و باید بعد از رحلتشان نیز همواره ب فکر آنان بوده و برای ایام برزخ مرتب آذوقه های معنوی از قبیل نماز قضاء، صدقات، کارهای خیر بنیت آنان و پاک کردن بدهکاریهای آنان فرستاد.

متأسفانه در فرهنگ ما طوری عمل می شود که واجبات فدای مستحبات می گردد. کسیکه از دنیا می رود بجای اینکه واجبات او را که دستش از دنیا کوتاه شده ادا کنند و مخصوصاً حق الناس اگر براوست ادا کنند، ب فکر غذا دادن و گاهی خود نمائی های ضرر آور می افتند. چندین روز بستگان عزادار میت سفره می اندازند و پولهایی که گاهی با عدم رضایت قلبی تهیه شده صرف امریکه حتی استحباب آن ثابت نشده می نمایند. گاهی مخارج آنچنان بالاست که تا مدتها زیر بار قرض می روند. حال آنکه در سنت اسلام وارد شده که تاسه روز مردم برای تعزیت و تسلیت به دیدن اقوام میت بروند و موقع غذا که می شود، همسایگان و فامیلهای، برای بستگان درجه اول میت غذا ببرند.

و اگر بخواهند در حق میت خوبی کنند باید ابتدا بدهکاریهای مالی او را پاک کنند. سپس نمازها و روزها و حج هایی که بعهده داشته بطریقی ادا نمایند. سپس ارث را طبق شریعت اسلام تقسیم نمایند و اگر می خواهند پولی برای او صرف کنند خرج کارهای دائمی مثل چاپ کتب مفید، ساختن مدرسه و درمانگاه و بیمارستان و مسجد و حوزه علمیه و کتابخانه و... نمایند.

امام پنجم (ع): سرور و آقای نیکان در قیامت، شخصی است که

بعد از رحلت پدر و مادرش، نیز به آنان نیکی کرده است - آنان را فراموش ننموده است -.

«شخصی به پیامبر (ص) گفت: نذر کرده ام آستانه بهشت را ببوسم. حال چه کنم؟ فرمود: پای مادر و پیشانی پدر را ببوس تا به نذرت عمل کرده باشی. و اگر از دنیا رفته اند، قبر آنان را ببوس.»

«امام سجاد (ع) به پسرش: دقت کن و بین آیا احدی از انسانها را می توانی پیدا کنی که از نعمت پدر و مادرش برایت مهمتر و بیشتر باشند.»

«در روایات ما از رسول خدا (ص) و علی مرتضی (ع) بعنوان والدین معنوی شیعیان نام برده شده است که اهمیتشان از والدین جسمی بیشتر می باشد.»

احترام به سالمندان

در مکتب اسلام برای سالمندان جایگاه ویژه‌ای در نظر گرفته شده است. در سوره اسراء آمده است:

أَمَّا يَلْعَنُ الْكَبِيرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أُفْ وَلَا تَنْهَرَهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا مَعْرُوفًا

اگر یکی از والدینت یا هردوشان به سالخورده‌گی رسید پس مبادا به آنها حتی اُف بگویی و آنها را نرنجان و با آنان با خوبی حرف بزنی.

این یکی از آزمونهای الهی است که گاهی خداوند بوسیله پدر یا پدربزرگ و یا مادر و یا مادر بزرگ سالخورده و ناتوان از فرزندان و نوه هایشان بعمل می‌آورد. که چگونه وجود اینها را تحمل می‌کنند. البته در کشور ایران در اکثر خانواده‌ها، بخاطر خوی ایرانی و اسلامی بودن برای پیران بعنوان بزرگان فامیلا احترام خاصی قائلند و از آنها خوب مواظبت و پذیرائی می‌نمایند.

سالخورده‌گان در این ایام به احترام بیشتری نیاز دارند. آنها بخاطر اینکه دیگر از کار و تلاش بازنشسته شده‌اند گاهی در خود احساس تنهایی می‌نمایند لذا باید با آنها بیشتر گرم گرفت و با تحمل و صبر به سخنان آنان گوش داد مخصوصاً اگر دچا نقص در حواس پنجگانه هستند باید بیشتر به آنها رسیدگی نمود. و حتی غرغره‌های آنان را تحمل نمود.

«امام ششم (ع): ای میسر! اگر می‌خواهی عمرت زیاد شود به پدر و مادر پیرت نیکی کن.»

و لازم نیست که سالمند از بستگان انسان باشد. بلکه باید به هر پیر مسلمانی احترام گذاشت.

«رسول خدا صلی الله علیه و آله: کسیکه پیر مسلمانی را احترام کند از فرع اکبر قیامت در امان خواهد بود.»

اما عده‌ای از فرزندان هستند که اجر و ثواب نگه داری از پیران را فراموش کرده و آنان را به طرق مختلف اذیت می‌کنند. به آنان بی‌اعتنایی نموده و آنها را وبال گردن خود و یک عضو اضافه خانواده فرض می‌کنند که این برخوردها ضربات سختی بر روح و روان پیران وارد کرده و گاهی باعث مرگ زودرس آنان و باصطلاح دق مرگ شدنشان می‌شود. که باید عاملین این اذیت و آزارها در انتظار عذاب دنیوی و اخروی الهی باشند.

«گویند وارثین شخصی برای پدرشان خیرات و مبرات نمی کردند. نصیحت کننده‌ای به آنان گفت که اگر برای پدرتان کارهای خیر نکنید اودر قبر می سوزد! آنان گفتند: اگر یک نفر بسوزد بهتر است که ما ده نفر بسوزیم!»

در فرهنگ غرب بی اعتنایی به سالمندان یک امر عادی و فراوان است و هیچ جایگاهی برای سالمندان در بین خانواده‌ها در نظر گرفته نشده است. «نماینده آیه‌الکبر و جردی در آلمان گفته بود که برای عیادت مسلمانی به بیمارستان می رفتیم. در اتاق آن مریض یکی از پیرمردهای آلمانی بستری بود. روزی از ما پرسید که شما با این مسلمانی که مرتب به عیادت اومی آئید نسبتی دارید؟ گفتیم خیر بلکه او برادر مسلمان است. او گفت با اینکه زن و بچه من در همین شهر هستند ولی تاکنون به عیادت من نیامده اند!»

احترام به سالمندان منحصر به خویشان نیست بلکه باید به هر پیری احترام گذاشت.

«روایت شده که امیرالمؤمنین (ع) در شهر کوفه چشمش به پیرمردی یهودی افتاد که مشغول گدایی بود. حضرت از الو پرسید چرا گدایی می کند؟ گفت تا جوان بودم کار کردم ولی اکنون قادر به کار نیستم. امام دستور داد تا از بیت المال مسلمین برای او حقوق مقرر فرمودند.»

«نقل شده که عده‌ای به دیدار امام صادق (ع) رفتند. امام به آنها گفت چرا بما ظلم می کنید؟ آنها گفتند که ما چه ظلمی بشما کرده ایم؟ فرمود در راه آمدن به مدینه پیرکردی که همراهتان است از خستگی پیاده آمدن به جوانی که سوار اسب بود گفت اگر می شود مرهم سوار کن که خیلی خسته شده ام. ولی او جواب نداد و اعتنایی به آن پیرمرد ننمود. و این ظلم به ما حساب می شود.»

۲- اهمیت دادن به زیبایی باطنی

تمایل آدمی به زیبایی و جمال یکی از خواسته های فطری بشر است و احساس لذت از مناظر زیبا، با سرشت انسان آمیخته شده است. بهمین جهت تمام طبقات مردم حتی ملل و اقوام دور از تمدن شهری دارای این احساس طبیعی هستند.

در دنیای کنونی مسئله زیبایی مورد کمال توجه قرار گرفته و تمام طبقات مردم به زیباییها ابراز علاقه می کنند و علم و پیشرفت در خدمت این مسئله قرار گرفته و آخرین دستاوردهای علمی را برای زیبا کردن بکار می گیرند.

مردم علاقه دارند همه جا و همه چیز زیبا باشد. در خانه آراسته زندگی کنند، لباس زیبا و شیک بپوشند، صورت و موهای خود را بپارایند، روی مبل قشنگ بنشینند، سوار ماشین زیبا بشوند، حیاط منزل و اطاق پذیرائی، غرق گلهای قشنگ باشد، و خلاصه امروزه پولهایی را که مردم خرج قشنگ کردن خود و زندگی خود می کنند اگر از مصارف ضروری بیشتر نباشد، کمتر نیست!

آئین اسلام که برنامه جامع سعادت و کامیابی بشر است، به موضوع جمال و زیبایی توجه مخصوصی دارد. اسلام در ضمن پرورش کلیه تمایلات فطری بشر، عاطفه جمال دوستی مردم را نیز مورد حمایت و تربیت قرار داده و استفاده از زیباییهای طبیعی و مصنوعی را به پیروان خود اکیداً توصیه کرده است. قرآن در آیات مختلف این مطلب را ذکر نموده است. از جمله در آیه ۷ سوره ۱۸ «إِنَّ أَجَلَكَ إِنَّمَا جُعِلَ لَكَ الْآخِرُ عَلَى الْأَرْضِ زِينَةً لَّهَا» یعنی: ما موجودات روی زمین را زینت و جمال زمین قرار دادیم.

و در آیه ۷ سوره ۵۰ می فرماید: «أَفَلَمْ يَنْظُرُوا إِلَى السَّمَاءِ فَوْقَهُمْ كَيْفَ بَنَيْنَا لَهُا' وَ زَيْنًا لَهُا'» یعنی: آیا به آسمان بالای سرشان نگاه نمی کنند که چگونه آن را ساخته ایم و آن را زیبا نموده ایم؟

و در آیه سوره اعراف می فرماید: «قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ» بگو چه کسی زینتهائی را که خدا برای بندگانش قرار داده، حرام نموده است؟

پیامبران خدا عموماً زیبا و عاری از هرگونه نقص بدنی بوده اند. صورت زیبا و چهره جذاب یوسف صدیق ۷ یکی از امتیازات آن پیامبر محسوب می شد.

پیشوای عالیقدر اسلام حضرت محمد ۶ علاوه بر زیبایی رخسار، گیرندگی و ملاحظت مخصوصی داشت.

امیرالمؤمنین علی ۷ نیز زیبا بود، چنانچه در باره او آمده است: روزی علی ۷ نزد پیامبر رفت. قیافه جذاب و صورت زیبایش بقدری جلوه داشت که پیامبر فرمود: چنین پنداشتم که ماه شب چهارده بمن نزدیک شده است.

این مقدمه ای بود تا گفته شود یکی از آثار بلوغ، بوجود آمدن زیبایی طبیعی در جوانان از یکطرف و از طرفی میل به خودآرائی و زینت نمودن است. بطوری که گاهی این حس به افراط کشیده شده و در بعضی از دختران منجر به یک نوع بت پرستی برای بدن و هنر می گردد. اینجاست که باید معیاری برای ارضای این

حس وجود داشته باشد تا از هر گونه افراط و تفریط جلوگیری نماید. اسلام از راه پاکیزگی بدن، مسواک دندانها، معطر بودن، رنگین کردن و روغن زدن مو، لباس زیبا پوشیدن و کارهائی نظیر اینها، حس خود آرائی جوان را به راه صحیح و بی خطر هدایت نموده و بر جلوه و جمال آنان افزوده است. تجمل پرستی و زیاده روی در زینت و خود آرائی، عوارض نامطلوبی در بر دارد و ممکن است دختران و پسران را به راههای غلط سوق دهد و مایه تیره روزی و بدبختی آنان گردد.

از جمله عوارض نامطلوب آن، پیدا شدن وسواس و اختلالات روحی، پیدا شدن خوی ریاکاری و خود پرستی، صرف شدن مقادیر زیادی از عمر گرانقیمت در این کار، فاصله زیاد بین ظاهر و باطن اشخاص و غیره می گردد.

البته اسلام به زیبایی باطنی هم اهمیت داده و آن را یکی از ارکان اساسی زیبایی بشر می داند. به عبارت دیگر، زیبایی کامل و جامع برای انسان عبارت از این است که سیمای جسم و جان و شکل و صورت و معنی هر دو زیبا باشند. جمال طبیعی و تجمل مصنوعی، ظاهر را زیبا می کند ولی علم و اخلاق که عالی ترین زینت و درخشانترین زیور اختصاصی انسان است به آدمی زیبایی روحانی و جمال معنوی عطا می نماید. امام عسگری^۷ فرمود: زیبایی صورت، جمال ظاهری است و زیبایی عقل، جمال باطنی است.

میل به جمال معنوی در جوانان

خوشبختانه در دوران جوانی، میل به جمال روحانی و صفات خوب اخلاقی در باطن جوانان بیدار می گردد و علاقه به زیبایی معنوی، در ضمیرشان شکفته می شود. جوانان بطور طبیعی به جوانمردی و فتوت تمایل پیدا می نمایند و فطرتاً به فضائل اخلاقی و صفاتی مانند راستگوئی، فداکاری و ایثار، عزت نفس، اداء امانت و نظائر آنها علاقه پیدا کرده و از صفات بدی مانند دروغگوئی، خیانت، عهد شکنی، نادرستی و غیره متنفرند.

جوانان در رابطه با صفات اخلاقی سه دسته اند:

اول: جوانی که دارای سجایای اخلاقی و صفات انسانی است، جوانی که پاکدل و با ایمان، راستگو و درستکار، خدمتگذار و باوفا، امین و خیرخواه و خلاصه دارای صفات پسندیده است، در جامعه محبوبیت دارد. او واجد زیبایی ظاهری و جمال معنوی است و همواره مورد علاقه و احترام مردم خواهد بود. چنین جوانی مانند شاخ گل معطری است که علاوه بر طراوت و جمال طبیعی، دارای بوی مطبوع و شامه نوازی است.

دوم: جوانی است که دارای صفات خوب اخلاقی نیست ولی به صفات بد هم آلوده نشده است. اگر خیرش به مردم نمی رسد، شرّی هم ندارد. اگر از بینوایان دستگیری نمی کند، به آنان آزار هم نمی رساند. این گروه هم تا اندازه ای محبوب جامعه هستند زیرا به مردم آسیبی نمی رسانند و جامعه از شرّ آنان در امان است.

سوم: جوانی است که آلوده به صفات ناپسند است! اخلاقش فاسد و مردم از رفتار و گفتارش در عذاب هستند! او هر چقدر زیبایی ظاهری هم داشته باشد و مو و صورت و لباس خود را بیاراید، باز هم مورد تنفر جامعه است! زیرا جمال ظاهری نمی تواند عیوب باطنی او را پوشاند. مانند جوان زیبایی که مثلاً کودکی را به قتل برساند! در این هنگام سیل خشم و تنفر مردم متوجه او می شود و مردم هرگاه او را می بینند و یا عکسش را در روزنامه ها مشاهده می نمایند، نه تنها از قیافه زیبای او مسرور و خوشحال نمی شوند بلکه برعکس انزجارشان بیشتر می شود و اگر دستشان به او برسد معلوم نیست چه بلایی سر او بیاورند!

سعادت جوانان

باید بینیم چه باید بکنیم تا جوان سعادت مند باشیم؟ برای آنکه جوانان به سجایای اخلاقی متخلّق شوند و از زیبایی روحانی برخوردار گردند، برای آنکه جوانان گرفتار فساد اخلاق نشوند و سرانجام مطرود جامعه نگردند، باید خودشان و همچنین مربیان شان همواره متوجه وظائف خویش باشند. جوانان باید خود را بشناسند و در خاطر داشته باشند که ایام کودکی راپشت سر گذارده و اینک خود دارای استقلال و مسئولیت شخصی هستند، باید بدانند که اکنون قسمت اعظم خوشبختی و بدبختی آنان در اختیار خودشان قرار گرفته است.

آنان باید بدانند که با شرکت در مجالس گناه و معاشرت با افراد آلوده و ناپاک، موجبات تیره روزی و بدبختی خود را فراهم می آورند و خوشتن را به فساد اخلاق که باعث بدنامی و نفرت اجتماعی است، آلوده می نمایند.

۳- تقلید از الگوهای نمونه

حس تقلید یکی از تمایلات طبیعی است که در تمام افراد بشر در سنین مختلف وجود دارد و در نسل جوان شدیدتر است. آدمی میتواند بوسیله تقلید، از تجربیات علمی و عملی دیگران استفاده کند و راهی را که گذشتگان پیموده و به نتیجه رسیده اند را بپیماید و به اهداف خود با زحمت کمتر و سرعت بیشتر دست پیدا نماید. نوجوانان برای ساختن شخصیت خویش و برگزیدن صفات لازم، از دیگران تقلید می کنند و روش آنان را برنامه کار خود قرار می دهند. با توجه به اینکه تمایل خودنمایی و تشخیص طلبی در نوجوانان شدید است، کوشش می کنند تا جائی که میسر است از اشخاص مشهور و ممتاز پیروی نمایند و صفات آنان را الگوی شخصیت سازی خود قرار دهند، به این امید که هر چه زودتر و بیشتر شهرت و افتخاری کسب نمایند و مورد توجه عموم قرار گیرند. گاهی در این خصوص از قهرمانان ورزشی تقلید می کنند. گاه از ستارگان سینما تقلید می کنند و کارهای ساختگی و غیر واقعی آنان را برنامه زندگی خود قرار می دهند. مانند آنان راه می روند، حرف می زنند، لباس می پوشند، نگاه می کنند، می خندند، معاشقه می کنند و صورت و موی خود را می آرایند و خلاصه بجای اینکه شخصیت خویش را بر اساس سجایای اخلاقی و صفات انسانی پی ریزی کنند و خود را انسان لایقی بسازند، از این ستاره ها و الگوها تقلید کرده و رفتار آنان را برنامه کار خود قرار می دهند و به این واسطه بزرگترین ضربه را به شخصیت معنوی خود می زنند. خطراتی جوانان را تهدید می کند و چه بسا تقلیدهای نابجا باعث شده که از مسیر پاکی و فضیلت منحرف گشته و برای ارضاء حس برتری جوئی، مرتکب گناهان بزرگ شده اند و برای همیشه موجبات تیره روزی و بدبختی خود را فراهم آورده اند.

اثر تقلید غلط

«مادری در لبنان به دادگاه مراجعه و از پسرش شکایت کرد. و اظهار نمود که پسر دوازده ساله او مرتب از مدرسه فرار می کند و بی حساب پول خرج می نماید و او نمی داند این پولها از کجا آمده است. پس از تحقیقاتی که از «عدنان» شد، او اعتراف نمود که ابتدا فن سرقت را از مشاهده فیلمها یاد گرفته و تاکنون مرتکب ۲۷ فقره سرقت شده است. از جمله هفت دستگاه دوچرخه را دزدیده و فروخته است.»

«در زمان حکومت طاغوت عده ای نوجوان که برخی دانش آموز بودند و باند سرقت اتومبیل را اداره می کردند، دستگیر شدند. سن این گروه بین ۱۶ تا ۲۰ سال بود. بیشتر آنان در بازجویی در مورد انگیزه این کار می گفتند: ما خودمان هم نمی دانیم چرا به اینکار دست زدیم اما هرچه بود از سرقت ماشین مخصوصاً کارهای قهرمانی این سرقتها لذت می بردیم.»

آثار اجتماعی تقلید نادرست

تقلید نادرست است که باعث بسیاری از کارهای خلاف می شود و مخصوصاً در مورد نوجوانان و جوانان. در همین کشور خودمان تقلید از فیلمها و هنرپیشه ها چه آثار زیانباری که به بار نیاورده است!

اگر عده ای از نوجوانان ما سیگار می کشند، نتیجه تقلید ناصحیح است. اگر گروهی به مشروبات الکلی روی می آورند باز هم نتیجه تقلید است. اگر عده ای از دختران از حجاب و عفت زنانه گریزان هستند این هم نتیجه تقلید است. و اگر اعتیاد و روابط نامشروع و استفاده از انواع لباسهای باصطلاح رپی در بین بعضی از جوانان ما وجود دارد، این هم به تقلید نادرست برمی گردد.

دامنه تقلید بسیاری از مسائل زندگی ما را دربر می گیرد که گاهی آن مسئله سرنوشت ساز است مثل تقلید در مسائل مذهبی. متأسفانه انسانهای زیادی از ادیان مذاهب باطل شده هستند که بخاطر تقلید از پدران واجداد خود، بر همان مذهب غیر حق باقی مانده اند. درحالی که اگر درباره درستی و نادرستی دین اجداد خود بررسی و تفکر می کردند، می توانستند به راه حق دست پیدا کنند.

دین تو به تقلید پذیرفته ای دین به تقلید بود سرسری

آنک او از پرده تقلید جست او به نور حق ببیند آنچه هست

تقلید از خوبان

اکثر کارهای انسانها بر مبنای تقلید انجام می گیرد. چه تقلید صحیح و چه از روی تقلید نادرست. تقلید نقش تعیین کننده ای در صلاح و فساد انسانها دارد. آنهایی که با کمک عقل و توفیقات الهی در مسیری قرار گرفته اند که روش زندگی شان بر مبنای انجام دادن کارهای صحیح است، و تبعیت از پیامبران و اولیاء خداست، و یا از بزرگان دین همچو علمای ربانی تبعیت می کنند، معمولاً به سعادت می رسند. و اما آنهایی که بدون تفکر و تعقل از منحرفین و بدعتگزاران و مغضوبین الهی تقلید می نمایند، عاقبت خوبی ندارند.

یکی از مسائل حساس در کشور ما بی توجی به علم و دانش و توجه زیاد به جلوه های مادی زندگی است. در بسیاری از خانه ها یک کتاب غیر درسی پیدا نمی شود و از مطالعه پدر و مادر و فرزندان و از توجه به کتاب و بالابردن دانش، خبری نیست ولی در عوض دستگاه های صوتی مثل ضبط چند صد هزار تومانی، ویدئو سی دی آنچنانی، گاه ماهواره و خلاصه چیزهایی که معمولاً جز سرگرمی که گاهی همراه با فساد است، فایده ای برای خانواده ها ندارد. و این هم بر اساس تقلید نادرست می باشد.

همچنین تقلید از سنتهای نادرست باعث مشکلات عظیمی برای زندگی ما ایرانی ها شده است. تقلید از سنتهای غلط ازدواج باعث ایجاد معضل بالا رفتن سن ازدواج در جوانان و پایین آمدن آمار ازدواج در کشور ما و آثار روانی این معضل شده است.

تقلید از سنتهای غلط در مراسم بزرگداشت اموات باعث تحمیل مخارج سنگین بر وابستگان مرده و اسراف و تبذیرها در این مراسمات شده است.

اسلامی که بما دستور می دهد مراسم ازدواج را آسان بگیریم. در مراسم سوگواری مرده، صاحبان عزا باید عزاداری کنند و موقع ظهر و شام، از طرف دیگر فامیلها یا همسایه برایشان غذا بیاورند، و بیش از سه روز عزاداری نمایند و...

تقلید نادرست در مهمانی ها باعث چشم و هم چشمی ها و تحریف شدن مهمانی اسلامی و مهمانی صحیح شده است که این مهمانی ها گاه نه تنها به نزدیک شدن دلها کمک می کند بلکه به ایجاد اختلاف و کینه منجر می گردد.

تقلید صحیح آنست که از کارهای خوب دیگران درس بگیریم و کارهای بد دیگران را بخودشان واگذار نمائیم.

درباره تقلید باید پنج نکته مورد توجه قرار گیرد:

اول آنکه از افراد منحرف و گناهکار تقلید نشود، زیرا گناهکاران دیر وزود دچار شکست و بی آبرویی می شوند.

دوم آنکه بدانند که ساختمان طبیعی و استعدادهای افراد با هم تفاوت دارد. خدا انسانها را مختلف آفریده و هر انسانی برای انجام کار مناسب با ساختمان خود آمادگی بیشتری دارد.

سوم اینکه از بهترین الگوها را که انسانهای برگزیده هستند تقلید کنیم و از انسانهایی که دارای صفات بدهستند، تقلید ننمائیم.

چهارم اینکه در هر تقلیدی، خوب فکر کنیم و چنانچه با عقل سلیم موافق بود آنرا انجام دهیم.

پنجم اینکه در مسائل شرعی یا باید خودمان مجتهد و متخصص باشیم که این نیاز به حداقل بیست سال درس حوزوی دارد و یا باید از مجتهدی که بنظر ما از همه اعلم است، تقلید نمائیم. همانطور که در مسائل پزشکی از دستورات پزشک تبعیت می کنیم و یا در مسائل ساختمانی از معمار و مهندس تبعیت می نمائیم.

۴- دوری از مواد مخدر

از عوامل انحراف و موانع زندگی سالم، اعتیاد به انواع مواد مخدر است. در زمان کنونی به دلایل مختلف از جمله همسایگی با کشورهای مانند افغانستان و پاکستان، پل ارتباطی بودن ایران برای صادرات مواد مخدر به دنیا، کشور ما را دچار این مرض سخت و خطرناک و این مشکل و معضل بزرگ نموده است. شاید بیش از دو میلیون نفر از هموطنان ما یاب به صورت اعتیاد و یا تفریحی و تفننی از مواد مخدر استفاده می نمایند. چه جوانانی که در راه استفاده و یا قاچاق مواد مخدر جان خود را از دست داده اند. و چه جوانانی که بخاطر اعتیاد به انواع گناهان و تخلفات آلوده شده و از سرقت گرفته تا قتل و تجاوز و غیره را مرتکب می شوند.

اعتیاد پلّه‌ای است که با آن، انجام بسیاری از خلافها و ناهنجاریها، شدنی شده است. عوامل اعتیاد را چند چیز شمرده‌اند:

رفیق: شصت درصد معتادین از طریق رفیق ناباب آلودگی پیدا کرده‌اند. جوان سالم باید در مسئلهٔ رفاقت، هشدارهای اسلام و بزرگان و افراد دلسوز را گوش کند تا به دام این نارفقان نیفتد.

ناراحتی های عاطفی: چهارده درصد از معتادین باین علت معتاد شده‌اند.

کنجکاوی: هشت درصد بخاطر کنجکاوی معتاد شده‌اند.

لذت جویی: شش درصد بخاطر لذت از استفادهٔ مواد مخدر آلوده شده‌اند.

تسکین درد: پنج درصد برای نجات از درد جسمی معتاد شده‌اند.

فامیل معتاد: چهار درصد از فامیل معتاد خود اعتیاد را فرا گرفته‌اند.

۵- تسریع در ازدواج

ایمن ترین راه برای دوری و مصونیت از انحرافات، ازدواج می‌باشد. ازدواج آثار خیر و پربرکتی دارد از جمله:

۱- **حفظ دین:** «رسول خدا ۶ فرمود: کسی که ازدواج بکند نصف دین خود را خریده است».

۲- **باعث پاکدامنی و عفت:** رسول خدا ۶: ازدواج بیش از هر چیز دیگری موجب چشم‌پوشی از گناهان و موجب پاکدامنی می‌شود.

۳- **موجب بقاء نسل حلال است:** رسول خدا ۶: ازدواج کنید تا نسلتان زیاد شود که من در روز جزا از زیادی امّتم و لو به طفل سقط شده، افتخار می‌کنم.

۴- **عامل آرامش روانی زن و مرد.**

۵- **نجات از جهنّم:** رسول خدا ۶ فرمود: اکثر اهل جهنم از عذاب ها (مجردها) هستند!

۶- **پرورش حس مذهبی**

در مکتب اسلام برای رام کردن غرائز و تعدیل تمایلات نفسانی، از عقل، علم، تربیت، حیاء اجتماعی، نظارت ملی، قوانین کیفری صحبت شده است. ولی بزرگترین قدرتی که در این آئین مقدس برای مهار کردن غرائز مورد استفاده واقع شده و نتایج بزرگ و ثمربخش به بار آورده، **احساس مذهب** است. دانشمندان اذعان کرده‌اند که تقریباً از سن دوازده سالگی، تمایل و علاقه و عشق به مذهب در انسان پیدا می‌شود. «موريس دبس می‌گوید: گویا همه روانشناسان در این نکته متفقند که مابین بحران تکلیف و جهش ناگهانی احساسات مذهبی، ارتباطی وجود دارد. در این اوقات یک نوع نهضت مذهبی حتی در کسانی دیده می‌شود که سابق بر این نسبت به مسائل مربوط به مذهب و ایمان لاقید بوده‌اند، حداکثر این احساسات مذهبی در حدود ۱۶ سالگی پیدامی‌شود». جالب آنکه تمایل به مذهب در ۱۲ سالگی که آغاز فعالیت بلوغ است، آشکار می‌شود. در آن موقع غرائز هنوز بخوبی شکفته نشده‌اند و مزاج کودک اسیر طغیان شهوات نیست. گوئی خداوند حکیم به صورت پیشگیری قبل از بروز طوفان و طغیان غرائز، وسیله مهار کردنشان را آماده نموده است و دوران چند ساله بلوغ را مهلت خودسازی و پرورش احساس مذهب قرار داده است.

در این رابطه باید به **دو نکته** توجه نمود: یکی آنکه این احساس مذهبی باید در مسیر صحیح هدایت شود. در دنیایی که صدها مذهب انحرافی وجود دارد و مطالب خرافاتی فراوانی در دینهای تحریفی نهفته است و این مطالب در عصر حاضر با پیشرفتهای علمی نمی‌سازد، گاهی جوان را دچار شک و بی‌دینی می‌کند. فقط اسلام عزیز که دین تعقل و تفکر است، دین علم و تعلّم است و آئین خلقت و فطرت است و دین خالی از اوهام و خرافات است، می‌تواند حس مذهبی جوانان را اشباع نماید. کتاب مسلمانان، قرآن با پرستش بت و گاو و ستاره و ماه و با تمام عقاید خرافاتی مبارزه کرده است و بشر را به توحید عقلی و علمی و عملی هدایت فرموده است. اسلام با خرافات جاهلانه و با تثلیث (خدایان سه‌گانه مسیحیت) که مذهب شایع غرب است مبارزه نموده است. تنها اسلام است که هیچ‌گونه مطلب خرافه و وهم و خلاف عقل سالم ندارد.

دوم پرورش این حس مذهبی است. اولین برنامه اسلام برای پرورش این حس، دعوت انسانها به خداوند بخشنده و مهربان است. بخشندگی و مهربانی دو صفت مطبوع و دلپذیری است که پروردگار را محبوب نوجوان می‌کند و عواطف و احساسات او را برای دوست داشتن خداوند عزیز، تهییج می‌نماید و بهر نسبتی که محبتش به خدا بیشتر شود، دین و ایمانش محکمتر می‌گردد.

امام پنجم ۷ فرمود: **آیا دین جز محبت چیز دیگری است؟**

دین اسلام بر محبت بنا شده است. عشق به خدا و نمایندگان خدا و مؤمنین به خدا. در قرآن برای واداشتن انسانها به نیکیها و بازداشتن از بدیها، بازبان محبت و احساس سخن گفته و به دوست داشتن و دوست نداشتن خدا تکیه کرده است. مانند: **خدا دادگران را دوست دارد. خدا توبه کنندگان را دوست دارد. خدا نیکوکاران را دوست دارد. خدا صابران را دوست دارد.**

و می فرماید: **خدا ستمکاران را دوست ندارد. خدا مفسدین را دوست ندارد. خدا ظالمین را دوست ندارد. خدا خائنین را دوست ندارد. خدا مستکبرین را دوست ندارد.**

عبادات هم بر پایه تقرب و نزدیکی به خدا انجام می شود. مانند: نماز می خوانم برای نزدیکی بخدا. روزه می گیرم برای نزدیکی بخدا.

۷- ارزش قائل شدن برای علم و دانش

اولین و بهترین بذری که باید در زمین با استعداد دل نوجوانان و جوانان افشانده شود، بذر پربرکت علم و دانش است. علم مایه اساسی سعادت و خوشبختی است، علم باعث شکفتگی عقل و بروز کمالات انسانی است و خلاصه علم پایه محکم تمام افتخارات بشری است.

قرآن کریم، علماء و دانشمندان را گروه ممتاز جامعه شناخته و برتری آنان را نسبت به مردمانی که فاقد علم و دانش هستند، خاطرنشان فرموده است: **«قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ، إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُوا الْأَلْبَابِ»**. آیا دانشمندان با غیر دانشمندان برابرند؟ صاحبان خرد تفاوت این دو گروه را تشخیص می دهند.

علوم مختلف هر یک به فراخور خود، کمالاتی را به جوان عرضه می کنند. علوم طبیعی، باعث می شود که انسان با ساختمان وجود خود و سایر موجودات کره زمین تا اندازه ای آشنا شود. و به عظمت خلقت و نظم عجیب کتاب آفرینش پی ببرد. علوم روانی و تربیتی انسان را با روح و روان خود تا اندازه ای آشنا ساخته و راههای کنترل این نیرو را به انسان آموزش می دهد. با این علم می تواند خوبیها و بدیها را بشناسد و عادت کند که در تمام عمر به خوبیها روی آورد و از بدیها فاصله گیرد. علوم دینی درس خداشناسی و تشکر از آن خالق بخشنده را به جوان تعلیم می دهد. جوان اگر دیندار شد در مقابل بسیاری از انحرافات و اکسینه وایمن می گردد.

امام صادق^۷ می‌فرماید: «دوست ندارم جوانی از شما را ببینم مگر اینکه روزش را با یکی از دو حالت آغاز کرده باشد، یا تحصیل کرده و عالم باشد (و از علمش را به دیگران بیاموزد) و یا دانشجو و مشغول تحصیل علم و دانش باشد. پس اگر جوانی این دو حالت را نداشت، در وظیفه‌اش کوتاهی کرده و اگر کوتاهی کرد عمرش را ضایع نموده و اگر عمرش را ضایع نمود، به گناهکاری منجر می‌شود و اگر گناه کرد بخداوندی که پیامبر را به نبوت فرستاد، در عذاب الهی ساکن می‌گردد».

حضرت موسی^۷ گفت: خدایا کدام انسان را بیشتر دشمن داری؟ فرمود: آنکه شبها چون مردار افتاده و روزها عمر خود به بطالت می‌گذراند. عده‌ای از جوانان در این ایام گرانبها، عمر خود را به بوالهوسی و بطالت می‌گذرانند. اینان در بزرگسالی پیوسته گرفتار پشیمانی و ندامت می‌شوند و همواره در آتش افسوسی که در باطن خویش فروخته‌اند می‌سوزند، ولی افسوس و ندامت برای فرصت از دست رفته اثری ندارد. عده‌ای هم قسمتی از عمر عزیز خود را به مطالعه کتابهای موهوم و افسانه‌های غیر مفید و احیاناً مضرّ مصروف می‌دارند. این کتابها آنان را از دنیای واقعیات دور کرده و به دنیایی که غیر واقعی و دروغ است می‌برد.

کتابهای پلیسی و رمانهای عشقی افکار آنان را از واقعیت دور کرده و اراده آنان را ضعیف و کم‌کم موجبات انحرافات اخلاقی را فراهم می‌کند.

حضرت علی^۷ می‌فرماید: کسی که خود را به مسائل زائد و غیر لازم سرگرم کند از آنچه که مهم و مورد آرزوی اوست باز می‌ماند.

اما مطالعه وقایع تاریخی، قصه‌های پیامبران الهی، زندگینامه بزرگان علم و ادب، و امثال آن در تربیت صحیح فکر و پرورش روح، اثرات مهمی را دارد.

امیرالمؤمنین علی^۷ به فرزندش امام حسن^۷ می‌فرماید: ای فرزند عزیز! گر چه عمر من باندازه عمر گذشتگان نبوده است ولی در کارهای آنان فکر نمودم و در اخبار آنان تأمل نمودم و در آثارشان سیر کردم تا جائی که گویی من هم یکی از آنان بوده‌ام! بلکه از نتایج مهمی که به دستم رسید، گویا من با اولین و آخرینشان عمر نموده‌ام و خوب و بدشان را فهمیدم و خلاصه این دانشم را بعد از غربال مطالب زیبا و سودمند از مطالب بی‌فائده و بی‌اثر، برای تو باز می‌گویم.

۸- استفاده از فرصتها

دوران جوانی، ایام مؤاخذه و مسئولیت شخصی است، سن بیداری و به خود آمدن است، موقع کار و فعالیت است. کسی که در بحبوحه جوانی به سعادت خود فکر نمی کند و در راه خوشبختی مادی و معنوی خود گام بر نمی دارد، جوانی که با سستی و سهل انگاری بهترین ایام عمر خود را به رایگان از کف می دهد و از آن فرصت بی نظیر قدردانی نمی نماید، استحقاق توبیخ و کیفر دارد.

امام صادق^۷ در تفسیر آیه «وَلَمْ نُعَمِّرْكُم مَّا يَتَذَكَّرُ فِيهِ مَن تَذَكَّرَ» «آیا ما شما عمر ندادیم تا کسی که اهل آگاهی است آگاهی بگیرد؟» فرمود: این آیه ملامت و سرزنش جوانان غافلی است که به سن بلوغ رسیده اند و از فرصت جوانی خود استفاده نمی کنند.

متأسفانه در تمام کشورهای پیشرفته و در حال رشد و کلاً در تمام دنیا، به علت حاکمیت فرهنگ فاسد غربی، بسیاری از جوانان کشورهای دنیا از صراط مستقیم منحرف شده و عملاً به تمام مقررات اخلاقی و انسانی پشت پا زده اند، به همه چیز و همه کس بدبینند و فکر طغیان و عصیان در سر می پرورند، اینان در دوران جوانی و در پرشورترین ایام زندگی، بجای امیدواری و کوشش، دچار یأس و ناامیدی شده اند، نه به تحصیل دانش علاقه دارند، نه به سعادت فردای خود امیدوارند، بیشتر آنها به عادات زشت آلوده شده اند و فرصت گرانبهای جوانی را به نادانی و بوالهوسی از دست می دهند.

جوانانی که خواهان سعادت و خوشبختی خود هستند، کسانی که مایلند فرصت جوانی را مغتنم بشمرند و بطور کامل از آن بهره برداری نمایند، لازم است به چهار نکته توجه نمایند:

- ۱- دوران جوانی یکی از بهترین و پرارج ترین فرصتهای ثمربخش در طول زندگانی است.
- ۲- استفاده از فرصت جوانی و سعی و کوشش در راه بهره برداری از آن، شرط اساسی کامیابی و موفقیت آدمی است.
- ۳- خوشبختی و بدبختی هر انسانی در ایام جوانیش پی ریزی می شود، جوانی که از فرصت این ایام خوب اسفاده کند، می تواند سعادت همه عمر خود را تضمین نماید.
- ۴- عمر جوانی کوتاه و فرصت شباب زودگذر است، یک روز غفلت و سستی، باعث حسرت و زیان و مایه ندامت و پشیمانی در تمام ایام زندگی است. دوتا از موانع مهم بر سر جوانی عبارتند از: یکی اضطراب و نگرانی از آینده و دوم تأثر و افسوس بر گذشته.

اضطراب و نگرانی مانند موریانه، ریشه‌های امید و اراده را در ضمیرانسان می‌خورد و آنان را مأیوس و دلسرد می‌نماید. و افسوس بر شکستهای گذشته، شور و شوق و اشتیاق را از انسان دور می‌نماید. علی‌۷ می‌فرماید: افسوس بر گذشته را در دل خود بیدار مکن که تو را از آمادگی برای آینده دور می‌کند. همچنین حضرت می‌فرماید: غصه فردای نیامده را بر امروز موجودت تحمیل مکن و بار امروزت را بی‌جهت سنگین منما!

در این باره شاعر می‌گوید:

این چه حالت بود که اهل زمین هر زمان از گذشته یاد کنند
از فراق گذشته‌ها غمگین وز غم حال، بانگ و داد کنند
آن یکی در بهار بُرنائی می‌خورد بهر کودکی افسوس
در کمال جمال و زیبائی از تأسف کند قیافه عبوس
و آندگر از شباب کرده عبور دیده آن سخت راه ناهموار
داده از کف نشاط عقل و شعور آرزوی شباب کرده شعار
آنچه دیدم بغالب احوال هیچ کس فکر نقد حال نبود
همه در اختیار وهم و خیال حالشان جز غم و ملال نبود

خلاصه کسی که می‌خواهد از فرصتها استفاده کند و از سرمایه‌هایی که در اختیار دارد بخوبی بهره‌برداری نماید، باید گذشته معدوم را بدست فراموشی سپارد و دل را از حسرت و اندوه آن خالی کند. همچنین باید آینده موجود نشده را نادیده انگارد و نگران آن نباشد، باید تمام نیروی خود را متوجه لحظه حال و شرایط موجود نماید و در هر کاری از خود سؤال کند «الآن چه باید کرد؟». سپس فکر کند، عاقلانه پاسخ دهد، و سپس بانجام آنچه موظف است، جدأ قیام نماید.

۹- پیروی از فرهنگ ایرانی و اسلامی

در حال حاضر در کشور ما غنی ترین و کاملترین فرهنگ که فرهنگ ایرانی اسلامی است، وجود دارد و هر که از این فرهنگ تبعیت نماید، حتما به سر منزل مقصود خواهد رسید. و در مقابل این فرهنگ خوب و سالم، فرهنگ فاسد و ناسالم غرب وجود دارد.

چه بسیار دختران و پسرانی که در آرزوهای خود، رفتن به یکی از کشورهای غربی را می بینند و دیدار از آن سرزمینها را در رؤیاهای خود مشاهده می نمایند. آمریکا! اروپا! غرب! مظهر آزادی! و لذات نامشروع در خیال و ذهن عده ای از جوانان بوده و چهره ای زیبا از این سرزمینها را در تصورات خود به تصویر می کشند.

اما آیا واقعاً غرب همان گونه است که این جوانان خیال می کنند؟

غربی که دانشمندان آن، سقوط دیر یا زود آن را، پیش بینی کرده اند! سرزمینهایی که از مظاهر خوبیها و زیباییهای حقیقی در آن اثری نیست و بجای آن، شخصیت زنان و مردان در خدمت سرمایه داری و تمدن دروغین بکار گرفته شده است! آمریکایی که رئیس جمهور آن در تلویزیون ظاهر شده و کلکسیون قاشق و چنگالهایی را نشان می دهد و می گوید: این قاشق و چنگالها مربوط به زمانی است که کودک بودم و هنگامی که به مهمانی می رفتیم، آنرا از خانه میزبان می دزدیدم!

جوان ایرانی که می خواهد سعادتمند باشد، اگر درست در باره وضع غرب تحقیق کند، هیچگاه غرب را به عنوان آرزو و هدف خود قرار نمی دهد! غرب پاسخگوی همه نیازهای یک جوان نمی تواند باشد! در غرب تنها می توان فحشاء ارزان و لذات نامشروع را پیدا نمود. اما سعادت و هدایت و کمال و رستگاری در آنجا پیدا نمی شود. آیا تا بحال شده است که یک جوان، با سفر به غرب، به انسانیت دست پیدا کند؟ آیا تا بحال شده است که با یک برنامه تلویزیونی غرب، انسانی با خدا و معنویت آشنا شود؟ اما بسیار دیده شده که با یک فیلم غربی، یا بایک مسافرت به غرب، انسانی، فساد اخلاق پیدا نموده و بدبخت شده است. تهاجم فرهنگی غرب، بسیاری از جوانان دنیا و عده ای از جوانان کشور ما را به پوچی و انحراف و دشمنی با دین و خدا کشانده است.

۱۰- تشخیص قهرمانان دروغین از قهرمانان راستین

قهرمانان دروغین!

دنیای غرب بخصوص آمریکا چون فاقد قهرمانان واقعی در تاریخ خود هستند، به برکت حقّ‌های سینمایی و دنیای شگفت‌آور هنر هفتم، قهرمانانی دروغین که فقط در لحظه نمایش فیلم واقعی بنظر می‌رسند ولی وجود خارجی ندارند را خلق کرده است.

تارزان! راکی، رامبو! بروس لی و دهها چهره محبوب نوجوانان و جوانان‌پا به عرصه سینماها و ویدئوها و رایانه‌ها گذاشته و عاشقان زیاد برای خود پیدا کرده‌اند. اما وقتی به سراغ چهره واقعی این مردان افسانه‌ای می‌رویم، متوجه می‌شویم که اثری از قدرت و شجاعت و دلیرمردی که در فیلمها از آنان دیده می‌شود، نیست و اینان مردانی عادی هستند که از طریق قدرت جادویی فیلم، چهره زیبا و محبوب پیدا کرده‌اند. لذا تاکنون فردی پیدا نشده است که از طریق این چهره‌ها به انسانی پاک و آزاده و غیرتمند و شجاع تبدیل شود. بلکه بر عکس انسانهای زیادی یافت می‌شوند که با علاقه به این چهره‌ها روزها و شبهای زیادی را بپایان بردند ولی عاقبت خوبی پیدا نکردند.

قهرمانان واقعی!

اما وقتی به فرهنگ خودمان مراجعه می‌کنیم، مشاهده می‌نمائیم که هم‌درتاریخ کشورمان ایران و هم درتاریخ اسلام عزیز، شخصیت‌هایی پیدامی‌شوند که از نظر **قدرت بدنی، مهارت در فنون جنگی و فضائل اخلاقی** کم نظیر بوده‌اند.

علی ۷، جعفر طیار، حضرت حمزه، امام حسین ۷، علی اکبر و حضرت عباس علاوه بر دارا بودن فضائل بی‌شمار اخلاقی و انسانی، هر کدام در قدرت جنگی حریف صدها نفر بوده‌اند. عباس علمدار وقتی مأموریت پیدا کرد تا برای خیمه‌گاه آب بیاورد، به طرف نهر فرات حرکت کرد. چهارهزار نفر از لشکر دشمن، محافظ نهر فرات بودند تا ازیاران امام حسین ۷ کسی دسترسی به آب پیدا نکند. اما با یورش عباس قهرمان، همه آنها عقب نشستند و کنار رفتند تا قمر بنی هاشم وارد نهر شد و مشکش را پر نمود. دشمن که دید نمی‌تواند با عباس مقابله کند، بطور ناجوانمردانه و از طریق کمین، دستهای عباس را قطع نمودند. با این حال عباس سرفراز با صدای بلند فریاد زد:

اگر دست راستم را قطع نمودید، اما بدانید که من دست از حمایت دینم بر نمی‌دارم. آنگاه بر یک انسان بی دست حمله کردند و او را بشهادت رساندند. آیا حماسه و قهرمانی از این بالاتر سراغ دارید؟ همچنین خود امام حسین ۷ چنان دمار از دشمن بالای ده هزار نفر درآورد که به نیرنگ متوسل شدند و

به دروغ گفتند که دشمن به خیمه گاه حمله نموده و از طریق سنگباران و پرتاب نیزه شکسته و شمشیر شکسته، امام را از پا درآوردند. و الاّ احدی را سراغ نداشتند که بتواند حریف امام ۷ باشد!

آیا این قهرمان واقعی است و میتواند محبوب دلها باشد یا انسانهایی که از طریق حقّهای سینمایی، دلاور و قهرمان بحساب می آیند ولی درواقع از داشتن فضائل اخلاقی محرومند! و اگر دو نفر در خیابان به آنان حمله کنند نمی توانند از خود دفاع نمایند!!

در تاریخ کشور پهلوانان و قهرمانان زیادی وجود داشته اند که خیلی از آنها گمنام زندگی می کرده اند. پوریای ولی، پهلوان تختی و... همچنین انسانهای والا مقامی چون نواب صفوی، مدرّس، کاشانی، اسدآبادی، میرزا رضای کرمانی، اندزگو، سعیدی، غفاری و... می زیسته اند که هر کدام در بیداری و مقابله با زورگوئی ستمکاران نقش مهمی ایفا نمودند. درآیام دفاع مقدس که کشور تازه انقلاب کرده ایران با جنگی بزرگ روبرو شد، قهرمانانی پا به عرصه رزم نهادند که تعدادی از آنها شناخته شده و اکثراً گمنام شهید شدند و یا در سنگر سازندگی مشغول فعالیت هستند. حاج همّت، باکری، زین الدین، فهمیده، خرازی، کلهر، کریمی، کشوری، بابائی، بروجردی، علم الهدی، چمران، صیاد شیرازی و صدها قهرمان جنگ با حماسه های خود دشمن را به زانو درآوردند و فرهنگ بسیجی را در مقابل فرهنگ منحط غرب، خلق نمودند.

۱۱- دوری از انحرافاتِ همچون چشم چرانی، ارتباطات نامشروع و...

چشم انسان از اعضای است که بیشتر گناهان به سبب و وسیله آن انجام می شود. و در سخنان بزرگان دین آمده که هر که بتواند چشم خود را کنترل نماید، از بسیاری از گناهان خود را دور نموده است.

یکی از گناهان چشم، چشم چرانی و هیز بودن و نگاههای شهوانی به نامحرم است. چه از طرف مرد نسبت به زن نامحرم و چه از طرف زن نسبت به مرد نامحرم.

«آمده است که جوان عربی در زمان پیامبر(ص) در کوچه مشاهده کرد که زن جوانی از روبرو می‌آید! این جوان شروع به چشم چرانی به زن نمود بطوریکه حواسش پرت شد و متوجه استخوانی که در سوراخ دیوار فرو شده بود، نشد و استخوان به گونه‌اش اصابت کرد و خون جاری شد! جوان با همین حالت نزد پیامبر بعنوان طیب الهی رفت و ماجرای این حادثه را گفت. حضرت فرمود: همانا نگاه به نامحرم تیری از تیرهای شیطان است»

چشم انسان مانند دوربین بسیار قوی فیلمبرداری است که همه صحنه‌ها را علاوه بر نشان دادن به مغز در همان آن، در حافظه ذخیره می‌کند و بسیاری از خوابها و رؤیاها و حتی تصورات آدمی از جهان به همین تصاویر باز می‌گردد.

جوانی که از صبح تا شب چشمش بدنبال زیارویان در گردش است، اگر در خواب جنب و محتمل شود و خوابهای شیطانی ببیند، طبیعی است. و هرگاه روز با خوبان و صالحان همنشین باشد و توسلات به معصومین(ع) داشته باشد اگر در خواب، امام زمان(عج) و زیارتگاه ببیند، باز طبیعی است.

«روزی حضرت عیسی(ع) بایارانش برای دعای طلب باران از شهر خارج شدند. موقع دعا، عیسی(ع) گفت: هر که گناهی مرتکب شده بر گردد. همه بجز یکنفر باز گشتند. حضرت به او گفت: تو گناهی مرتکب نشده‌ای؟ گفت: خیر بجز اینکه روزی در حال عبادت بودم که زنی از مقابلم عبور کرد و من ناخواسته بتماشای او مشغول شدم. ناگاه بخود آمدم و بخاطر این کار زشتم، چشم خود را در آوردم و بطرفی که زن رفت بود، پرتاپ کردم! حضرت فرمود: پس تو دعا کن تا من آمین گویم! او دعا کرد و عیسی(ع) آمین گفت و باران آمد.»

یکی از نشانه‌های پاکی چشم، دور ماندن چشم از نگاههای شهوانی است. لذا وقتی دختر شعیب(ع) نزد موسی(ع) آمد و گفت: پدرم تو را به خانه دعوت کرده و مرا فرستاده تا تو را راهنمایی کنم. موسی(ع) چند قدمی بدنبال دختر رفت و گفت: ما خاندانی هستیم که پشت سر زن نگاه نمی‌کنیم. پس من جلو می‌روم و تو از پشت سر بیا و هر کجا نیاز به راهنمایی شد، با انداختن سنگ علامت بده!

اگر چشم را کنترل نکنیم، دل را گرفتار کرده‌ایم و اگر دل گرفتار شد، سر به رسوائیها خواهد زد.

زدست دیده و دل هر دو فریاد هر آنچه دیده بیند دل کند یاد

بسازم خنجری نیشش ز فولاد زخم بردیده تا دل گردد آزاد «چه بسیار نگاههای کوتاهی که بدبختی‌های بزرگ و طولانی به ارمغان آورده است. از دو جهائی که با یک نگاه شروع شده و عاقبت در مدت کوتاهی با یک نگاه دیگر به طلاق کشیده می‌شود.»

«علی (ع): هر که نگاهش به نامحرمان زیاد باشد، فکرش دائماً مشغول خواهد بود.»

«ای رسول! به مردان مؤمن بگو چشم خود را بر حرام ببندند و عورت خود را از حرام حفظ کنند که این مسئله برای پاک بودنشان لازمتراست و به زنهاى مؤمنه هم بگو که چشمهای خود را بر حرام ببندند و عورت خود را از حرام حفظ کنند...» نورآیه ۳۰ و ۳۱

«رسول خدا (ص): هیچ وسیله برای پاکی باندازه پاک بودن چشم و بستن آن بر روی حرام نیست. که هر که چشم خود را بر حرام بست، خدا به دلش توفیق مشاهده عظمت الهی را می دهد»

«رسول خدا (ص): هر که چشمش را از حرام پُر کند، خداوند روز قیامت چشمش را از آتش پر کند، مگر اینکه توبه کند و دیگر عمل حرام را انجام ندهد.»

«در روایت است که هر که به نامحرمی برخورد و برای رضای الهی، چشم خود را از او برگرفت و دیگر نگاه نکرد، اگر مرد باشد در همان ساعت، حورالعینی باز دو اجش در می آورند و اگر بر این صفت خوب مداومت کند، خداوند شیرینی مناجاتش را به او می چشاند و ملکوت خود را بردلش باز می کند.»

«گویند مغازه داری به زنانی که از مقابل دکانش رد شده خیره نگاه می کرد و بر زبان لا اله الا الله! جاری می کرد. یکنفر برای تذکر به او وارد مغازه اش شد و جنسی را خواست. مغازه دارد برای آوردن جنس مدتی در داخل مغازه بود که خانمی از مقابل مغازه اش عبور کرد. وقتی مغازه دار جنس مشتری را آورد، مشتری گفت: شما که مشغول آوردن جنس من بودید، یک لا اله الا الله! از مقابل مغازه شما رد شد!!»

«پیامبر (ص): سخت است غضب خدا بر زن شوهرداری که چشمش را از حرام پر کند»

«پیامبر (ص): کسیکه به عورت دیگری نگاه کند، ملعون است»

«پیامبر (ص): اگر از آسمان بیاftم و دو نیم شوم برایم بهتر است که به عورت کسی نگاه کنم و یا کسی به عورت من نگاه نماید»

نتیجه:

چنانچه پدر و مادر و فرزندان بتوانند به وظایف مذکور عمل کنند، حتما نمونه خواهند بود و می توانند الگوی خانواده های دیگر باشند. والسلام.